

درس مدرسه شنبه

گام های تا مسیح

وزارت فرشته چهارم
هشدار نهایی

اتحادیه آفریقا

تولید: اداره مدرسه سبت وزارت فرشته چهارم - هشدار نهایی

درس - 1 عشق خدا به انسان درس 2 - نیاز گناهکار به
مسیح درس 9 - 3 توبه
16 درس - 4 اعتراف درس 28 - 5
تقدیس درس 33 - 6 ایمان و
پناگوشی 45 درس 39 - 7 آزمون

درس - 8 رشد در مسیح 52
درس - 9 کار و زندگی 59
درس - 10 معرفت خدا 65
درس - 11 امتیاز نماز درس 71 - 12 چه باید کرد با سؤالات انجام
دهید درس 79 - 13 شادی در خداوند
85

درس - 1 عشق خدا به انسان

متن پایه: «کتاب گام‌های تا مسیح»، فصل - 1 الن جی وایت.

آیه طلاپی: "کسی که محبت نمی کند خدا را نمی شناسد، زیرا خدا محبت است" اول یوحنا 4: 8

یکشنبه

(1 چگونه خداوند خود و شخصیت خود را برای ما آشکار می کند؟ رام 20، 1:19)

جواب: «آنچه از خدا می توان شناخت، در آنها متجلی می شود، زیرا خداوند آن را بر آنها تجلی کرده است. زیرا چیزهای نامرئی او از آفرینش جهان، هم قدرت ابدی و هم الوهیت او، با چیزهایی که آفریده شده است درک می شوند و به وضوح دیده می شوند.»

طبیعت و نیز وحی بر محبت خداوند گواهی می دهد. پدر ما در بهشت منبع حیات، حکمت و شادی است. به چیزهای زیبا و شگفت انگیز در طبیعت نگاه کنید. به سازگاری شگفت انگیز آن با نیازها و شادی، نه تنها انسان، بلکه برای همه موجودات زنده فکر کنید. درخشندگی خورشید و باران که زمین و کوهها و دریاها و دشتها را شاد می کند و طراوت می بخشد همه حکایت از عشق خالق به ما دارد. این خداوند است که نیازهای روزانه همه مخلوقاتش را تامین می کند. در

سخنان زیبای مزمور سرا:

«چشم همه منتظر توست و تو به وقتش به آنها غذا می دهی. تو دستت را باز می کنی و هر موجود زنده ای را با خیرخواهی راضی می کنی.» (مصور، ۱۶، ۱۴۵:۱۵)

خداوند انسان را کاملاً مقدس و شاد آفرید. و زمین رنگارنگ، همانطور که از دست خالق بیرون آمده بود، هیچ اثری از زوال یا سایه لعنت نداشت. این تخطی از قانون خدا - قانون عشق - بود که نفرین و مرگ را به همراه داشت.

(2) چرا خداوند زمین را بعد از گناه، خار و خار کرد؟ ژنرال. 3:17

الف.: «لعنت به خاطر تو زمین باشد» ژنرال. 3:17 ترجمه اسپانیایی. Reina Valera, 1859.

اما حتی در میان رنجی که ناشی از گناه است، عشق خدا آشکار می شود. نوشته شده است که خدا زمین را به خاطر انسان لعنت کرد (پیدایش 3:17). O

خار و خار - سختی ها و رنج هایی که زندگی شما را به وجود زحمت و مراقبت تبدیل می کند - به عنوان بخشی از نظم و انضباط لازم در برنامه خدا برای بازگرداندن شما از تباهی و انحطاطی که گناه به ارمغان آورده است برای خیر شما طراحی شده است. دنیا، گرچه سقوط کرده، فقط غم و بدبختی نیست. در طبیعت پیام های امید و آرامش وجود دارد. روی خارها گل است و خارها با گل رز پوشیده شده است.

دوشنبه

(1) خدا چیست؟ اول یوحنا 8: 4

ج: «کسی که محبت نمی‌کند، خدا را نمی‌شناسد، زیرا خدا محبت است» (ترجمه اصلاح شده و به روز شده Almeida).

روی هر جوانه ای که باز می شود، روی هر ساقه گیاهی که رشد می کند، نوشته شده است: "خدا عشق است". پرندگان دوست‌داشتنی که هوا را با آوازهای شاد خود پر می‌کنند، گل‌های رنگارنگ ظریف که هوا را در کمال خود معطر می‌کنند، درختان سر به فلک کشیده جنگل با شاخ و برگ‌های سبز پررنگ‌شان - همه گواهی می‌دهند که مهربانی و مراقبت پدرانه خدای ما و آرزوی اوست. تا فرزندان خود را خوشحال کنید

(2) غیر از طبیعت، با چه ابزار دیگری می توانیم خدا را بشناسیم؟ 5، 1: 2، Prov.

ج: پسر، اگر سخنان مرا بپذیری و احکام مرا نزد خود پنهان کنی... آنگاه... معرفت خدا را خواهی یافت.

کلام خدا شخصیت او را آشکار می کند. او خود عشق بی پایان خود را اعلام کرد و

رحم و شفقت - دلسوزی. وقتی موسی دعا کرد: «جلال خود را به من نشان بده»، خداوند پاسخ داد: «تمام خوبی های خود را از پیش روی تو خواهم گذرانم» (خروج 33: 18، 19). خداوند از کنار موسی گذشت و اعلام کرد: «خداوند، خداوند، خدای مهربان، بخشنده و بردبار و سرشار از رحمت و وفا. که رحمت را برای هزاران نسل حفظ می کند، که گناه، گناه و گناه را می بخشد.» (خروج 34: 6، 7). (میک. 7: 18).

(3) چرا مردها متوجه نمی شوند که خداوند عشق است و سرشار از خوبی است؟ چرا آنها نمی توانند ببینند که او خطاهای آنها را می بخشد؟ دوم قرنتیان 4: 4

جواب: «خدای این عصر عقل کافران را کور کرده است تا نور انجیل جلال مسیح که جلال خداست بر آنان نتابد».

خداوند با نشانه های بی شماری در آسمان و زمین دل ما را به سوی خود کشانده است. او از طریق چیزهای طبیعت، و عمیق ترین و لطیف ترین پیوندهای زمینی که قلب انسان می تواند درک کند، تلاش کرده است تا خود را به ما نشان دهد. اما همه این چیزها به طور ناقص نشان دهنده عشق او هستند. اگرچه همه این شواهد ارائه شد، اما دشمن نیکی، ذهن انسان ها را کور کرده است که با ترس به خدا نگاه کنند. آنها او را سخت و نابخشوده قضاوت می کنند. شیطان باعث شد تا انسانها از خدا به عنوان موجودی که منتسب اصلی آن عدالت شدید است - که یک قاضی افراطی، یک جمع کننده سختگیر و خواستار است - تصور کنند. آفریدگار را موجودی معرفی کرد که با چشمی مشکوک در جست و جوی خطاها و عیوب انسان هاست تا با قضاوت از آنها بازدید کند.

سهشنبه

(1 بزرگترین مکاشفه ای که خداوند از خود داد چه بود؟ عبری 3، 1:1)

الف: "خدا... در این روزهای آخر، از طریق پسر... که درخشندگی جلال او، تصویر آشکار شخص اوست، با ما صحبت کرد."

پسر خدا از آسمان آمد تا پدر را آشکار سازد. «هیچ کس خدا را ندیده است. پسر یگانه که در آغوش پدر است، همان کسی است که آن را آشکار کرد.» (یوحنا 1:18) «هیچ کس پسر را جز پدر نمی شناسد. و هیچ کس پدر را نمی شناسد مگر پسر و کسی که پسر بخوهد او را به او آشکار کند.» (متی 11:27) هنگامی که یکی از شاگردان پرسید: «پدر را به ما نشان دهید»، عیسی در پاسخ گفت: «فیلیپس، آیا این مدت با شما هستم و مرا نشناختید؟ هر که مرا ببیند پدر را می بیند. چگونه می گویی که پدر را به ما نشان بده؟» (یوحنا 9، 8، 14)

عیسی در توصیف مأموریت خود بر روی زمین گفت: خداوند «مرا مسح کرد تا به فقرا انجیل را بشارت دهم. او مرا فرستاد تا اسپران را آزاد کنم و نابینایان را بازبایی کنم و مظلومان را آزاد کنم.» (لوقا 4:18) این کار او بود. او آمد تا نیکی کند و همه کسانی را که تحت ستم شیطان بودند شفا دهد. دهکده های کاملی وجود داشت که در هیچ خانه ای ناله ای از بیماری شنیده نمی شد. زیرا او از کنار آنها گذشته بود و همه بیمارانشان را شفا می داد. کار او شهادی بر مسح الهی او بود. عشق، رحمت، و شفقت در هر عمل زندگی او آشکار شد. قلب او با همدردی لطیف نسبت به فرزندان انسان متاثر شد. او فطرت انسان را گرفت تا بتواند نیازهای بشریت را برآورده کند. فقیرترین و فروتن ترین افراد از نزدیک شدن به او هراسی نداشتند.

حتی بچه‌های کوچک را نزد او آوردند. آنها دوست داشتند روی زانوهای او بنشینند و به چهره انعکاسی، مهربان و دوست داشتنی او نگاه کنند.

عیسی حتی یک کلمه حقیقت را سرکوب نکرد، بلکه همیشه آن را با عشق بیان کرد. او بیشترین درایت و توجه متفکرانه و دقیق را در برخورد با مردم به کار می برد. او هرگز گستاخ نبود، هرگز یک کلمه تند غیر ضروری به زبان نیاورد، هرگز باعث ناراحتی بی مورد برای یک روح حساس نشد. او ضعف انسان را مقصر نمی دانست. راست می گفت، اما همیشه عاشق. او نفاق، کفر و ظلم را محکوم کرد. اما هنگامی که او سرزنش های جدی خود را بیان کرد، اشک در صدایش جاری شد. او بر اورشلیم، شهری که دوستش داشت، گریست که از پذیرفتن او، راه، حقیقت و زندگی خودداری کرد. آنها او را رد کرده بودند، نجات دهنده، اما او با مهربانی دلسوزانه به آنها نگاه کرد. زندگی او شامل انکار خود و مراقبت از دیگران بود. هر روحی در نظر او ارزشمند بود. او همیشه خود را با کرامت الهی حمل می کرد و به تک تک اعضای خاندان خدا بیشترین عنایت را می کرد. او در همه انسانها ارواح افتاده را دید که وظیفه او نجات آنها بود.

این شخصیت مسیح بود که در زندگی او آشکار شد. این شخصیت خداست. O

قلب پدر سرچشمه شفقت الهی بود که در مسیح تجلی یافت و به سوی فرزندان انسان جاری شد. عیسی، ناجی مهربان و دلسوز، «خدا در جسم ظاهر شد». (اول تیم. 3:16)

چهار شنبه

(1) خدا پسرش را برای چه هدفی به دنیا فرستاد؟ یوحنا 3:17

ج: "زیرا خدا پسر خود را به جهان فرستاد نه برای محکوم کردن جهان، بلکه برای اینکه جهان به وسیله او نجات یابد."

برای نجات ما بود که عیسی زندگی کرد، رنج کشید و مرد. او «مرد غمگین» شد، تا بتوانیم در جلال ابدی شریک شویم. خدا به پسر عزیزش که سرشار از فیض و حقیقت بود، اجازه داد تا از دنیایی با شکوه وصف ناپذیر به دنیایی لکه دار و بیمار گناه که در سایه مرگ و نفرین تاریک شده بود، برود. این به او اجازه داد تا آغوش عشق خود، پرستش فرشتگان را ترک کند، تا از شرم، توهین، تحقیر، نفرت و مرگ رنج ببرد. «عذابی که به ما آرامش می‌دهد بر او بود. و با زخمهای او شفا یافتیم.» (اشعیا 53:5).

او را در بیابان، در جتسمانی، بر روی صلیب بیندیش! پسر معصوم خدا بار گناه را بر عهده گرفت. کسی که با خدا یکی شده بود، جدایی وحشتناکی را که گناه بین خدا و انسان ایجاد می کند، در روح خود احساس کرد. این یکی از او گرفت

لب ها فریاد می زند: «خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی؟» (مت).
(27:46) بار گناه، احساس عظمت وحشتناک آن، جدایی که بین روح و خدا ایجاد می کند، بود که قلب پسر خدا را شکست.

(2) آیا خداوند گناهکاران را دوست دارد؟ اف. 5؛ 2:4، یوحنا. 26، 27.

جواب: «اما خداوند که غنای رحمت است، به محبت عظیمی که ما را دوست داشت، حتی زمانی که در گناهان خود مرده بودیم، ما را زنده کرد.» "در آن روز به نام من خواهی خواست و من به تو نمی گویم که از پدر برای تو خواهم خواست، زیرا خود پدر تو را دوست دارد."

اما این فداکاری بزرگ نه برای ایجاد عشق به انسان در قلب پدر انجام شد و نه برای اینکه او را مایل به نجات کند. نه نه!
«خدا آنقدر دنیا را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد.» (یوحنا. 3:16) پدر ما را دوست دارد، نه به خاطر کفاره بزرگ، بلکه کفاره را فراهم کرد زیرا ما را دوست دارد. مسیح وسیله‌ای بود که از طریق آن می‌توانست عشق بی‌پایان خود را بر دنیای سقوط کرده جاری کند. "خدا در مسیح بود که جهان را با خودش آشتی می داد." (دوم قرنتیان. 5:19) خدا با پسرش رنج کشید.

در مصیبت جسمانی، در مرگ کالواری، قلب عشق بیکران بهای رستگاری ما را پرداخت.

عیسی گفت: «به این دلیل است که پدر مرا دوست دارد، زیرا جان خود را می‌سپارم تا دوباره آن را بگیرم.»
(یوحنا. 10:17) یعنی: «پدر من آنقدر شما را دوست داشت که مرا بیشتر دوست دارد، زیرا من جانم را فدا کردم تا شما را نجات دهم. من برای فدا کردن جان خود، برای پذیرفتن محدودیت‌ها و تخلفات شما، جانشین و ضامن شما می‌شوم، من نزد پدرم عزیزترین هستم. زیرا از طریق قربانی من، خدا می تواند عادل باشد، و همچنین عادل کننده کسانی است که به عیسی ایمان دارند.»

پنج شبهه

(1) کدام عمل خدا محبت او را به ما بهتر نشان می دهد؟ یوحنا 3:16

پاسخ: «خدا آنچنان جهان را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه حیات جاودانی داشته باشد.»

هیچ کس جز پسر خدا نمی تواند رستگاری ما را انجام دهد. زیرا تنها کسی که در آغوش پدر بود می توانست او را آشکار کند. تنها کسی که اوج و عمق محبت خدا را می دانست می توانست آن را آشکار سازد. چیزی کمتر از بی نهایت نیست

فداکاری که مسیح به نفع انسان سقوط کرده انجام داد می تواند بیانگر عشق پدر به بشریت از دست رفته باشد.

«خدا آنقدر دنیا را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد.» او فقط به او نداد تا در میان انسان ها زندگی کند، گناهان آنها را تحمل کند و قربانی آنها بمیرد، او را به نژاد سقوط کرده داد. مسیح قرار بود خود را با علایق و نیازهای بشریت بشناسد. کسی که با خدا یکی بود با فرزندان انسان پیوندهایی پیدا کرد که هرگز گسسته نمی شود. عیسی «خجالت نمی کشد که آنها را برادر خطاب کند» (عبرانیان 2:11) و مدافع ما، برادر ما است، که شکل انسانی ما را در برابر تخت پدر می گیرد، و در طول اعصار ابدی با نژادی که او فدیه داد، یعنی پسر انسان، یکی می شود. و همه اینها تا انسان از تباهی و انحطاط گناه بلند شود و محبت خدا را منعکس کند و در شادی قدوسیت شرکت کند.

جمعه

(1) خداوند در محبت خود چه امتیازی را به ما می دهد؟ اول یوحنا 3:1

ج: "ببینید که پدر چه محبت بزرگی به ما داده است، تا جایی که ما فرزندان خدا خوانده می شویم." ترجمه آلمیدا اصلاح و به روز شده است.

بهایی پرداخت شده برای رستگاری ما، فداکاری بی پایان پدر آسمانی ما در دادن پسرش که برای ما بمیرد، باید تصورات عالی تری از آنچه از طریق مسیح شده ایم به ما بدهد. هنگامی که یوحنا رسول الهام گرفته ارتفاع، عمق و وسعت عشق پدر به نژاد گمشده را مشاهده کرد، مملو از ستایش و احترام شد. و چون زبانی مناسب برای بیان عظمت و لطافت این عشق نیافت، جهان را به تأمل در آن دعوت کرد. «ببینید که پدر چه محبت بزرگی را عطا کرده است تا ما فرزندان خدا خوانده شویم.» (اول یوحنا 3:1) این حرف ها چه ارزشی برای انسان دارد! از طریق تجاوز، فرزندان انسان تابع شیطان می شوند. از طریق ایمان به قربانی کفاره مسیح، فرزندان آدم می توانند فرزندان خدا شوند. مسیح با فرض ماهیت انسانی، بشریت را تعالی می بخشد. مردان سقوط کرده در جایی قرار می گیرند که از طریق ارتباط با مسیح، واقعاً می توانند شایسته نام «پسران خدا» شوند.

برای مراقبه:

«اما هر که او [عیسی] را پذیرفت، به آنانی که به نام او ایمان آوردند، قدرت داد تا فرزندان خدا شوند» یوحنا 1:12

شنبه

چنین عشقی بی نظیر است. فرزندان پادشاه آسمانی! وعده گرانها! تم برای عمیق ترین مراقبه! عشق بی نظیر خداوند به جهانی که او را دوست نداشت! این فکر بر روح قدرتی دارد و ذهن را مطیع اراده خداوند می کند. هرچه شخصیت الهی را در پرتو صلیب بیشتر مطالعه کنیم، رحمت، لطافت و بخشش توأم با عدل و انصاف را بیشتر خواهیم دید و شواهد بی‌شماری از عشقی بی‌پایان و مهربان را با وضوح بیشتری تشخیص خواهیم داد. لطافت برتر از همدردی مضطرب مادر نسبت به مادرش فرزند سرکش.

(آیا وقتی اشتباه می کنیم محبت خدا نسبت به ما تغییر می کند؟ آیا محبت او به ما بستگی به نحوه رفتار ما با او دارد؟ ممالک 3:6
عمه. 1:17)

ج: "زیرا من، خداوند، تغییر نمی کنم." «هر هدیه نیکو و هر هدیه کامل از بالاست، از پدر نورها نازل می شود، که نه تغییرپذیری با اوست و نه سایه‌ای برای بازگشت».

«هر پیوند انسانی ممکن است از بین برود،
یک دوست ممکن است به یک دوست خیانت کند،
مادران می توانند از ابراز محبت دست بردارند،
آسمان و زمین را می توان حذف کرد.
اما بدون تغییر
شما می توانید به عشق یهوه برسید»

درس - 2 نیاز گناهکار به مسیح

متن اصلی: «کتاب گام‌های تا مسیح»، فصل - 2الن جی وایت.

آیه طلایی: "من تاک هستم، شما شاخه ها، هر که در من می ماند و من در او، میوه بسیار می دهد، زیرا بدون من هیچ کاری نمی توانید انجام دهید" یوحنا 15:5

یکشنبه

(1) انسان هنگام خلقت چگونه بود؟ پیدایش 1:31

ج: «و خداوند هر چه ساخته بود دید و اینک بسیار نیکو بود».

(2) چه کسی به ویژه برای سوق دادن انسان به نافرمانی خدا و افتادن در رسوایی گناه کار کرد؟ دوم قرنتیان 11:3 مکاشفه 12:9.

الف: «مار حوا را فریب داد». «و ازدهای بزرگ بیرون انداخته شد، آن مار باستانی که شیطان و شیطان نام داشت.»

انسان در اصل دارای استعداد های عالی و عقل متعادلی بود. او در طبیعت کامل بود و با خدا هماهنگ بود. افکارش پاک و آرزوهایش مقدس بود. اما با نافرمانی، قوای آنها منحرف شد و خودخواهی جای عشق را گرفت. طبیعت او در اثر تجاوز چنان ضعیف شده بود که برای او غیرممکن بود، با قدرت خود، در برابر قدرت شر مقاومت کند. او توسط شیطان اسیر شد، و اگر خدا به ویژه مداخله نمی کرد تا ابد چنین می ماند. هدف وسوسه کننده این بود که نقشه الهی در خلقت انسان را خنثی کند و زمین را پر از نفرین و ویرانی کند. و به این همه بدی اشاره می کرد که نتیجه کار خدا در خلقت انسان است.

دوشنبه

(1) انسان گناهکار چگونه خود را در ارتباط با خدا قرار می دهد؟ رام 8:7

جواب: «زیرا عقل نفسانی دشمنی با خداست، زیرا مشمول قانون خدا نیست.»

(2) آیا انسان گناهکار است که از خدا پنهان می شود یا خدا که از انسان پنهان می کند؟

Gn. 3:9, 10.

ج.: «خداوند، آدم را صدا زد و به او گفت: «کجا هستی؟» و او گفت:

صدای تو در باغ پیچید و من ترسیدم چون برهنه بودم و پنهان شدم.»

انسان در حالت بی گناه خود، با او که «همه خزانه های حکمت و دانش در او نهفته است» مشارکت شادمانی داشت (کولسیان 3: 2) اما پس از گناه، دیگر شادی در تقدس پیدا نکرد و سعی کرد از حضور خدا پنهان بماند. این هنوز وضعیت قلب تبدیل نشده است. او با خدا هماهنگ نیست و هیچ لذتی از ارتباط با او نمی یابد. او از همراهی موجودات مقدس اجتناب می کرد. اگر به او اجازه ورود به بهشت داده می شد، برای او شادی نمی آورد. روح عشق فداکارانه ای که در آنجا حاکم است - هر قلب مطابق با قلب عشق بی نهایت - وتر طنین انداز در روح خود نمی یابد. افکار، علایق و انگیزه های آنها با کسانی که بر ساکنان بی گناه آنها عمل می کنند بیگانه می شود. او یک نت ناسازگار در ملودی بهشت خواهد بود. بهشت برای او محل شکنجه خواهد بود. او بسیار مایل است از کسی که نور اوست پنهان بماند. و مرکز شادی شما این یک حکم خودسرانه از جانب خدا نیست که گناهکاران را از بهشت طرد کند: آنها به دلیل عدم تناسب خود برای آن طرد می شوند. جلال خدا برای آنها آتش سوزنده ای خواهد بود. آنها با کمال میل نابودی را می پذیرفتند تا از چهره کسی که مرد تا آنها را نجات دهد پنهان شوند.

سهشنبه

(1) چه کسی انسان را از گناه نجات می دهد؟ متی 1:21 اعمال رسولان 4:12

پاسخ: "و او پسری به دنیا خواهد آورد و شما نام او را عیسی خواهید خواند، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد." و در هیچ کس دیگری نجات نیست، زیرا هیچ نام دیگری در زیر آسمان به مردم داده نشده است که باید به وسیله آن نجات پیدا کنیم."

برای ما غیرممکن است که به تنهایی از گودال گناهی که در آن غرق شده ایم فرار کنیم. قلب ما شر است و نمی توانیم آنها را تغییر دهیم. "کی میده

آیا کتیفی می تواند یک چیز پاک را از بین ببرد؟ هیچ کس. "ذهن نفسانی با خدا دشمنی می کند، زیرا نه تابع شریعت خداست و نه می تواند باشد" (ایوب؛ 14:4 رومیان، 8:7)

(2) آیا گناهکار بدون کمک مسیح می تواند نیکی کند؟ جر. 13:23

ج.: "آیا اتیوپیایی می تواند پوست خود را تغییر دهد یا پلنگ لکه هایش را؟ در این صورت شما نیز می توانید نیکی کنید، به شما آموزش داده می شود که انجام بدی."

تعلیم و تربیت، فرهنگ، اعمال اراده، تلاش انسان، همه حوزه خاص خود را دارند، اما اینجا بی تأثیرند. آنها می توانند تغییری در رفتار ظاهری ایجاد کنند، اما نمی توانند قلب را تغییر دهند. آنها نمی توانند منابع زندگی را پاکسازی کنند. قبل از اینکه انسانها بتوانند از گناه به قداست تبدیل شوند، باید نیرویی از درون کار کنند، زندگی جدیدی از بالا. این قدرت مسیح است. فقط لطف اوست که می تواند قوای مرده روح را زنده کند و آن را به سوی خدا و به تقدس بکشاند. ناجی گفت: "مگر اینکه یک انسان دوباره متولد شود"، مگر اینکه قلبی، امیال، اهداف و انگیزه های جدید دریافت کند، "او نمی تواند ملکوت خدا را ببیند." (یوحنا 3:3) این ایده که فقط باید خیری را که در طبیعت در انسان وجود دارد توسعه داد، اشتباهی مهلک است. «انسان طبیعی چیزهای روح خدا را نمی پذیرد، زیرا برای او حماقت است. و او نمی تواند آنها را درک کند، زیرا آنها از نظر روحی قابل تشخیص هستند. «از اینکه به شما می گویم تعجب نکنید، باید از نو متولد شوید» (اول قرنتیان؛ 2:14 یوحنا 3:7) دربارۀ مسیح نوشته شده است: «زندگی در او بود. و حیات نور انسانها بود»، تنها «نامی که در زیر آسمان به مردم داده شد، که به وسیله آن نجات خواهیم یافت» (یوحنا؛ 1:4 اعمال رسولان، 4:12)

چهارشنبه

(1) تنها کسی که می تواند ما را از بردگی گناه رهایی بخشد کیست؟ لوک 16-19، 4:14

ج.: «عیسی به جلیل بازگشت... و چون به ناصره، جایی که در آنجا بزرگ شده بود، رسید، طبق عادت خود در روز سبت به کنیسه وارد شد و برخاست تا بخواند. و به او داده شد. کتاب اشعیا نبی؛ و چون کتاب را باز کرد، جایی را یافت که در آن نوشته شده بود:

روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم، مرا فرستاد تا شکستگان را شفا دهم، اسیران را اعلام آزادی کنم، نابینایان را بینایی نمایم، ستمدیدگان را آزاد کنم. "

درک محبت خدا، دیدن مهربانی او و لطافت پدرانۀ شخصیت او کافی نیست. این کافی نیست که حکمت و عدالت شریعت او را تشخیص دهیم و ببینیم که این قانون بر اصل ابدی عشق بنا شده است. پولس رسول همه اینها را دید که فریاد زد: «من به شریعت که خوب است رضایت دارم.» شریعت مقدس است. و فرمان مقدس و عادلانه و نیکو است.» اما او در تلخی و ناامیدی روح پریشان خود افزود: "اما من جسمانی هستم و به بردگی گناه فروخته شده ام" (رومان. 7:16، 12، 14). او به پاکی امید داشت، آن عدالتی که خود از دستیابی به آن عاجز بود و فریاد زد: ای بدبخت من! چه کسی مرا از بدن این مرگ نجات خواهد داد؟»

(روم. 7:24) چنین است فریادی که در همه سرزمین ها و در همه اعصار از دل های سنگین برخاسته است. برای همه، تنها یک پاسخ وجود دارد، "اینک بره خدا، که گناه جهان را می برد!" (یوحنا. 1:29)

(2) از طریق خدا، چه کسی ما را با او آشتی داد؟ دوم قرنیتیان. 5:18.

ج.: "و همه اینها از جانب خداست که ما را به وسیله عیسی مسیح با خود آشتی داد."

بسیاری از ارقام هستند که روح خدا به وسیله آنها تلاش کرده است تا این حقیقت را نشان دهد و برای ارواح منتظر رهایی از بار گناه روشن کند. هنگامی که یعقوب پس از گناه فریب دادن عیسو از خانه پدرش گریخت، با احساس گناه سر تعظیم فرود آورد. تنها و دور انداخته شده، جدا از همه چیزهایی که برای زندگی اش عزیز ساخته بود، این فکر که بیش از همه روحش را تحت ستم قرار می داد، ترس از این بود که گناهش او را از حضور خدا دور کرده باشد، و اینکه او را رها کرده باشد. بهشت، در غم و اندوه روی زمین برهنه دراز کشید، در اطرافش فقط کوه های تنها، و بر فراز آسمان های پر ستاره. به محض اینکه به خواب رفت، نور عجیبی بر بینایی اش فرو ریخت. و سپس، با شروع از هواپیما که در آن دراز کشیده بود، به نظر می رسید که پله های تاریک و وسیع به سمت دروازه های بهشت منتهی می شود، و فرشتگان خدا بر روی آنها عبور می کردند. در حالی که از شکوهی که از بالا می آمد، ندای الهی در پیامی از آرامش و امید به گوش می رسید. این امر به یعقوب نشان داده شد که نیازها و آرزوهای روح او را برآورده کرد - یک نجات دهنده، او با شادی و قدردانی دید که از طریق آن او، یک گناهکار، می تواند به مشارکت با خدا بازگردد. نردبان عرفانی در خواب او نمایانگر عیسی بود، تنها وسیله ارتباطی بین خدا و انسان.

پنج شنبه

«پس یعقوب از بئرشبع خارج شد و به هاران رفت و چون آفتاب غروب کرده بود به جایی رسید که شب را در آنجا گذراند و یکی از سنگهای آن مکان را برداشت و بر سرش گذاشت و گذاشت. و در خواب دید، نردبانی بر روی زمین قرار داشت که بالای آن به آسمان می رسید و اینک فرشتگان خدا بر آن بالا و پایین می رفتند. ژنرال -28:10

12.

این همان شخصیتی است که مسیح در گفتگوی خود با نانا نائیل به آن اشاره کرد. هنگامی که گفت: "شما خواهید دید که آسمان باز شده و فرشتگان خدا بر پسر انسان بالا و پایین می روند" (یوحنا 1:51). انسان در ارتداد خود را از خدا دور می کند؛ زمین از آسمان جدا شد از طریق شکاف بین آنها هیچ ارتباطی وجود نداشت. اما از طریق مسیح، زمین بار دیگر به آسمان متصل می شود. مسیح با شایستگی های خود پلی بر روی پرتگاهی که گناه ایجاد کرده بود ساخت و به فرشتگان خدمتگزار اجازه داد تا ارتباط با انسان را حفظ کنند. مسیح انسان سقوط کرده را در ضعف و ناامیدی خود با منبع قدرت بیکران پیوند می دهد.

اما رویاهای انسان برای پیشرفت بیهوده است، تمام تلاش ها برای اعتلای بشریت بیهوده است، اگر آنها تنها منبع امید و کمک را برای نژاد سقوط کرده کنار بگذارند. "هر هدیه نیکو و هر هدیه کامل" (یعقوس 1:17) از طرف خدا می آید. هیچ برتری شخصیتی فراتر از او وجود ندارد.

(1 قدرت خداوند در کدام شخص برای غلبه بر گناه اعمال می شود؟ اول قرنیتیان. 1:24)

پاسخ: "به کسانی که خوانده می شوند، اعم از یهودیان و یونانی ها، مسیح، قدرت خدا را به آنها موعظه می کنیم."

و تنها راه رسیدن به خدا مسیح است. او می گوید: «من راه، حقیقت و حیات هستم، هیچ کس جز به وسیله من نزد پدر نمی آید» (یوحنا. 6: 14)

جمعه

"من شما را با عشق جاودان دوست داشتم، همچنین شما را با مهربانی ملایم جذب کردم." Jer. 31:3

دل خدا با عشقی قوی تر از مرگ آرزوی فرزندان زمینی خود را دارد. او با دادن پسرش، بهشت را در یک هدیه برای همه ما ریخت. زندگی، مرگ، و شفاعت منجی، خدمات فرشتگان، التماس های روح، کار پدر در همه جا، نگرانی بی وقفه موجودات بهشتی، همه به نفع رستگاری انسان هستند. .

1) چگونه به محبت خدا که در مسیح نشان داده شد پاسخ خواهیم داد؟ دوم قرن‌تیان. 17، 15، 14:5

ج: "عشق مسیح ما را محدود می‌کند و ما را اینگونه قضاوت می‌کند: اگر یکی برای همه مرد، پس همه مردند. و او برای همه مرد تا کسانی که زندگی می‌کنند دیگر برای خود زندگی نکنند، بلکه برای کسی که برای او زندگی می‌کند. آنها مردند و دوباره برخاستند... بنابراین، اگر کسی در مسیح باشد، مخلوق جدیدی است: چیزهای قدیمی از بین رفته اند، اینک، همه چیز جدید شده است.»

آه، بیایید فداکاری شگفت‌انگیزی را که برای ما انجام شده است بیندیشیم! بیایید به خودمان اجازه دهیم که قدردانی از کار و انرژی را که بهشت برای بازیابی گمشده‌ها صرف می‌کند و او را به خانه پدر بازگرداند، تجربه کنیم. پاداش عالی عمل درست، شادی بهشت، اجتماع فرشتگان، مشارکت و محبت پدر و پسرش، تعالی و گسترش تمام قوای ما در طول اعصار ابدی - این انگیزه‌ها و تشویق‌های قدرتمند برای حرکت نیستند. ما از قلبی سرشار از عشق به خالق و نجات‌دهنده خود خدمت کنیم؟

و از سوی دیگر، احکام خدا در برابر گناه، مجازات اجتناب‌ناپذیر، انحطاط شخصیت ما، و نابودی نهایی، در کلام خدا ارائه شده است تا ما را از خدمت به شیطان برحذر دارد.

شنبه

«اما شریعت آمد تا گناه زیاد شود، اما هر جا گناه زیاد شد، فیض بیش از پیش زیاد شد؛ تا همانطور که گناه در مرگ سلطنت کرد، فیض نیز از طریق عدالت تا حیات جاودانی بوسیله عیسی مسیح، خداوند ما، سلطنت کند» روم. 21، 20:5

آیا رحمت خدا را در نظر بگیریم؟ او بیشتر از این چه می‌توانست بکند؟ بیایید خود را در رابطه درست با کسی قرار دهیم که ما را با عشق شگفت‌انگیز دوست داشته است. بیایید خودمان از وسایلی که برایمان فراهم شده است استفاده کنیم تا به شباهت او تبدیل شویم و به مشارکت با فرشتگان خدمتگزار و هماهنگی و ارتباط با پدر و پسر بازگردیم.

1) خدا از ما می‌خواهد که با وسایلی که برای نجات ما فراهم کرده است چه کنیم؟

Ap. 22:17.

ج: هر که بخواهد آب حیات را مجانی بگیرد.

(2طبق کتاب مقدس، خدا چگونه از ما انتظار دارد که برای نجات خود با او همکاری کنیم؟

فیل. 13، 2:12

پاسخ: نجات خود را با ترس و لرز انجام دهید، زیرا این خداست که در شما عمل می کند تا بخواهید و مطابق رضای او عمل کنید.

درس - 3 توبه

متن پایه: «کتاب گام‌های تا مسیح»، فصل - 3الن جی وایت.

آیه طلایی: "از آن زمان عیسی شروع به موعظه کرد و گفت: توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است" متی 4:17

یکشنبه

چگونه یک انسان می‌تواند در پیشگاه خداوند عادل باشد؟ چگونه می‌توان یک گناهکار را عادل کرد؟ تنها از طریق مسیح است که می‌توانیم با خدا هماهنگ شویم، با تقدس. اما چگونه باید به مسیح برسیم؟ بسیاری همان سوالی را می‌پرسند که جمعیت در روز پنطیکاست که متقاعد به گناه بود، فریاد زد: "چه کنیم؟" اولین کلمه پاسخ پیتر این بود: «توبه کنید». (اعمال رسولان 2:38) اندکی بعد فرمود: توبه کنید و تبدیل شوید تا گناهانتان پاک شود. (اعمال رسولان 3:19)

(1) چه کسی مشمول رحمت خداوند خواهد شد؟ Prov. 28:13

پاسخ: هر کس گناهان خود را بپوشاند رستگار نمی‌شود، اما کسی که به آنها اعتراف کند و ترک کند. رحمت خواهد شد.»

توبه شامل غم گناه و روی گردانی از آن است. ما گناه را رها نمی‌کنیم مگر اینکه گناهکاری آن را ببینیم. هیچ تغییر واقعی در زندگی ما ایجاد نخواهد شد تا زمانی که در قلب خود از او روی گردانیم.

خیلی‌ها هستند که ماهیت توبه را درک نمی‌کنند. انبوهی از گناهانشان اندوهگین می‌شوند و حتی اصلاحات بیرونی انجام می‌دهند، زیرا می‌ترسند که اعمال شیطانی آنها باعث رنج و عذاب خود شود. اما از نظر کتاب مقدس این توبه نیست. آنها به جای گناه عزادار رنج هستند. این غم و اندوه عیسو بود که دید حق اولاد برای او از دست رفته است. بلعام که از فرشته ای که با شمشیر کشیده در راه او ایستاده بود وحشت زده بود، گناه خود را تشخیص داد زیرا ممکن بود جان خود را از دست بدهد. اما هیچ توبه واقعی از گناه، تغییر هدف، هیچ نفرت از شر وجود نداشت.

یهودا اسخریوطی پس از خیانت به پروردگارش فریاد زد: من با خیانت به خون بیگناه گناه کردم. (مت 27:4)

این اعتراف با احساس وحشتناک محکومیت و دید ترسناک قضاوت از روح گناهکار او خارج شد. عواقبی که برای او رخ داد او را مملو از وحشت کرد، اما هیچ پشیمانی عمیق و دلخراشی وجود نداشت، زیرا او به پسر معصوم خدا خیانت کرده بود و تنها قدیس اسرائیل را انکار کرده بود. فرعون هنگامی که تحت قضاوت های خداوند رنج می برد، برای فرار از عذاب آینده به گناه خود اعتراف کرد، اما به محض پایان یافتن بلاها، به سرپیچی خود از بهشت بازگشت. همه اینها از نتایج گناه ناله می کردند، اما از خود گناه اندوهگین نشدند.

(2) کار روح خدا در قلب انسان چیست؟ جو. 16:8

ج: «هنگامی که بیاید، عالم گناه را متقاعد می کند».

اما هنگامی که قلب تسلیم تأثیر روح خدا شود، وجدان بیدار می شود و گناهکار چیزی از عمق و قداست قانون مقدس خدا، که اساس حکومت او در آسمان و روی زمین است، خواهد فهمید. «نوری که به جهان می آید به هر انسانی نور می دهد» (یوحنا 9: 1) اتاقهای مخفی روح را روشن می کند و چیزهای پنهان تاریکی آشکار می شود. اعتقاد بر ذهن و قلب حاکم می شود. گناهکار احساس عدالت یهوه دارد و از اینکه در گناه و ناپاکی خود در برابر جست و جوگر دل ها ظاهر شود، وحشت را احساس می کند. او محبت خدا، زیبایی تقدس، لذت پاکی را می بیند. او امیدوار است که پاک شود، و به ارتباط با بهشت بازگردانده شود.

دوشنبه

(1) توبه واقعی چیست؟ دوم قرنیتیان. 11، 10:7

الف: "زیرا غم الهی باعث توبه و رستگاری می شود، که هیچ کس از آن پشیمان نمی شود، اما اندوه دنیوی باعث مرگ می شود. زیرا این امر چقدر در شما که به گفته خدا غمگین شده اید، باعث شده است! چه عذرخواهی! خشم، چه ترس، چه اشتیاق، چه غیرت، چه انتقام! در همه چیز نشان دادی که در این تجارت پاکی».

دعای داوود پس از سقوط او ماهیت اندوه واقعی برای گناه را نشان می دهد. توبه او خالصانه و عمیق بود. هیچ تلاشی برای تسکین گناه او وجود نداشت. هیچ تمایلی برای فرار از تهدید قضاوت، دعای او را برانگیخت. داوود عظمت گناه خود را دید. او آلودگی روح خود را دید؛ از شما متنفر بود

گناه او نه تنها برای آمرزش گناه، بلکه برای پاکی قلب نیز دعا می کرد. او آرزوی شادی تقدس را داشت - تا به هماهنگی و ارتباط با او بازگردد

خداوند. این زبان روح او بود: (مزمور - 2، 1:32) «خوشا به حال کسی که گنااهش آمرزیده شود، و گنااهش پوشیده شود. خوشا به حال مردی که خداوند هیچ گناهی برای او قائل نیست و در روحش نیرنگی وجود ندارد.»

«خدایا بر حسب محبت خود به من رحم کن. و با توجه به کثرت رحمتت، گناهان مرا محو کن...»

زیرا من گناهان خود را می دانم و گناه من همیشه در پیش روی من است...
مرا با زوفا پاک کن تا پاک شوم. مرا بشور تا از برف سفیدتر شوم...
خدایا در من دلی پاک بساز و روحی تزلزل ناپذیر در من تازه کن.
مرا از حضور دور نکن و روح القدس را از من نگیر.
شادی نجات خود را به من بازگردان و با روحیه ای مشتاق مرا حمایت کن...
ای خدا، ای خدای نجات من، مرا از جنایات خون رهایی بخش، و زبان من عدالت تو را ستایش خواهد کرد.» (مصور. ۱-۱۴: ۵۱)

توبه ای مانند این فراتر از توان ما است. این فقط از مسیح بدست می آید که به آسمان صعود کرد و به مردم هدیه داد.

(2) چه کسی به مردان توبه می کند؟ آیا توبه از خودمان سرچشمه می گیرد یا آن را دریافت می کنیم؟ اعمال رسولان. 5:31

الف.: "خداوند یا دست راست خود او [عیسی] را به شاهزاده و نجات بخشید تا به اسرائیل توبه و بخشش گناهان را عطا کند."

سهبشبه

جو. 6:37.

دقیقاً اینجا نقطه ای است که در آن بسیاری مرتکب اشتباه می شوند، و بنابراین از دریافت کمکی که مسیح می خواهد به آنها بپردازد شکست می خورند. آنها فکر می کنند که نمی توانند نزد مسیح بیایند مگر اینکه ابتدا توبه کنند و توبه آنها را برای آمرزش گناهانشان آماده می کند. به درستی که توبه واقعی مقدم بر آمرزش گناهان است؛ زیرا تنها قلب شکسته و پشیمان است که نیاز به نجات دهنده را احساس می کند. اما آیا گناهکار باید صبر کند تا قبل از آمدن نزد عیسی توبه کند؟ آیا توبه مانعی بین گناهکار و نجات دهنده می شود؟

کتاب مقدس تعلیم نمی دهد که گناهکار قبل از اینکه بتواند سخنان مسیح را بشنود، باید توبه کند، "ای همه زحمتکشان و سنگینی بار، نزد من بیایید، و من به شما آرامش خواهم داد" (متی. 11:28). این فضیلتی است که از مسیح بیرون می آید و به توبه واقعی می انجامد. پطرس در بیانیه خود به بنی اسرائیل این موضوع را روشن کرد.

هنگامی که او گفت: "اما خدا با دست راست خود او را به شاهزاده و نجات بخشید تا به اسرائیل توبه و آمرزش گناهان عطا کند" (اعمال رسولان 5:31) ما نمی توانیم بدون روح مسیح برای بیدار کردن وجدان توبه کنیم تا اینکه بتوانیم بدون مسیح بخشیده شویم.

مسیح سرچشمه هر انگیزه خوبی است. او تنها کسی است که می تواند دشمنی با گناه را در دل بکارد. هر آرزوی پس از حقیقت و پاکی، هر اعتقاد به گناهکاری خودمان، شاهدهی است بر این که روح او در قلب ما کار می کند.

عیسی گفته بود: «و من وقتی از زمین بلند شوم، همه مردم را به سوی خود خواهم کشید.» (جو. 12:32) مسیح باید با مردن برای گناهان جهان به گناهکار به عنوان نجات دهنده آشکار شود. و به محض اینکه بره خدا را بر روی صلیب کالواری می اندیشیم، راز رستگاری در ذهن ما آشکار می شود و خوبی خدا ما را به توبه می کشاند. مسیح با مرگ برای گناهکاران، عشقی را آشکار کرد که قابل درک نیست. و گناهکار به محض مشاهده این محبت، دل را نرم می کند، ذهن را تحت تأثیر قرار می دهد و در روح القاء می کند.

(1 آیا کسی جز از طریق مسیح می تواند توبه کند؟ جو. 15:5)

پاسخ: "بدون من [عیسی] هیچ کاری نمی توانید انجام دهید."

درست است که انسان ها گاهی از راه های گناه آلود خود خجالت می کشند، و برخی از عادات خود را تغییر می دهند، قبل از اینکه متوجه شوند که به سوی مسیح کشیده می شوند. اما هر زمان که آنها تلاش می کنند تا خودشان را اصلاح کنند، به دلیل میل خالصانه به انجام درست، این قدرت مسیح است که آنها را می کشد. تأثیری که آنها ناخودآگاه هستند بر روح تأثیر می گذارد، وجدان بیدار می شود و زندگی بیرونی اصلاح می شود. و همانطور که مسیح آنها را می کشاند تا به صلیب خود نگاه کنند، تا او را ببینند که گناهانش او را سوراخ کرده است، این فرمان در وجدان اتفاق می افتد. شرارت زندگی آنها، گناهی که در اعماق جانیشان ریشه دارد، بر آنها آشکار می شود. آنها شروع به درک چیزی از عدالت مسیح می کنند و فریاد می زنند: «گناه چیست که برای رستگاری قربانی خود چنین قربانی ای می طلبد؟ آیا این همه عشق، این همه رنج، این همه تحقیر لازم بود که ما هلاک نشویم، اما زندگی جاودانی داشته باشیم؟»

گناهکار ممکن است در برابر این عشق مقاومت کند، ممکن است از کشیده شدن به سوی مسیح امتناع کند. اما اگر مقاومت نکند، به سوی عیسی کشیده خواهد شد. آگاهی از برنامه نجات شما را هدایت خواهد کرد

در پای صلیب در توبه برای گناهان خود، که باعث رنج پسر عزیز خدا شد.

چهار شنبه

"خوبی خدا آن چیزی است که تو را به سوی توبه سوق می دهد" روم. 2:4 (ترجمه آمریکایی تجدید نظر شده و به روز شده).

همان ذهن الهی که روی چیزهای طبیعت کار می کند، سخن گفتن با قلوب آدمیان است و ایجاد اشتیاق غیرقابل بیان برای چیزی است که در اختیار آنها نیست. چیزهای دنیا نمی توانند آرزوی تو را برآورده کنند. روح خدا از آنها التماس می کند که به دنبال چیزهایی باشند که به تنهایی می توانند آرامش و آرامش را به ارمغان آورند - فیض مسیح، شادی قدوسیت. با تأثیرات مرئی و نامرئی، ناچی ما دائماً در تلاش است تا اذهان انسان ها را از لذت های ارضاکنده گناه به سوی برکات بی پایانی که ممکن است در او باشد، جلب کند. خطاب به همه این ارواح که بیهوده به دنبال نوشیدن از آب انبارهای شکسته این جهان هستند، این پیام الهی است: «هر که می شنود بگوید بیا! هر که تشنه است بیاید و هر که بخواهد آب حیات را رایگان دریافت کند.» (مکاشفه، 22:17)

تو که در دل به چیزی بهتر از آنچه که این دنیا می تواند بدهد امیدواری، این آرزو را صدای خدا به جان خود بشناسی. از او بخواهید که به شما توبه کند، تا مسیح را در عشق بی پایان خود، در خلوص کامل خود به شما نشان دهد. در زندگی منجی، اصول شریعت خدا - عشق به خدا و انسان -

کاملاً نمونه بودند. احسان، عشق ایثارگرانه، حیات روح او بود. و هنگامی که او را می بینیم، هنگامی که نور ناچی ما بر ما می تابد، گناه قلب خود را می بینیم.

(1) کسانی که از جانب خدا عادل می شوند خود را چگونه می دانند؟ لوقا. 14-10:18

الف: «دو مرد برای دعا به معبد رفتند؛ یکی فریسی و دیگری باجگیر. فریسی ایستاده با خود اینگونه دعا کرد: خدایا، تو را شکر می کنم، زیرا مانند آن نیستم. مردان دیگر، باجگیران، ظالم و زناکاران، و نه حتی مانند این باجگیر، هفته ای دو بار روزه می گیرم و دهک از اموال را می دهم، اما باجگیر که از دور ایستاده بود، حتی چشمان خود را به آسمان بلند نمی کرد، بلکه باجگیر را می زد. قفسه سینه می گوید: خدایا به من گناهکار رحم کن، به تو می گویم این مرد عادل به خانه خود رفت، نه آن یکی، زیرا هر که خود را برتری بخشد ذلیل می شود و هر که خود را فروتن کند سرفراز می شود.»

ممکن است مانند نیکودیموس از خود فرض کنیم که زندگی ما درست بوده است، شخصیت اخلاقی ما درست است، و فکر کنیم که لازم نیست مانند گناهکار معمولی قلب خود را در برابر خدا فروتن کنیم؛ بلکه زمانی که نور مسیح در روح ما بدرخشد، خواهیم دید که چقدر نجس هستیم؛ ما خودخواهی انگیزه‌ها، دشمنی با خدا را که هر عمل زندگی را آلوده کرده است، تشخیص خواهیم داد. آنگاه خواهیم فهمید که عدالت خودمان واقعاً مانند پارچه‌های کثیف است و فقط خون مسیح می‌تواند ما را از آلودگی گناه پاک کند و قلب ما را به شکل خود تجدید کند.

پرتوی از جلال خدا، درخششی از خلوص مسیح، که در روح نفوذ می‌کند، هر لکه یا آلودگی را به طرز دردناکی متمایز می‌کند و بدشکلی‌ها و نقص‌های شخصیت انسان را آشکار می‌کند. آرزوهای نامقدس، کفر دل، ناپاکی لب‌ها را آشکار می‌کند. اعمال بی‌وفایی گناهکار، که قانون خدا را باطل می‌کند، در معرض دید او قرار می‌گیرد و روح او تحت تأثیر جستجوگر روح خدا تحت تأثیر قرار می‌گیرد و مبتلا می‌شود. او به محض دیدن شخصیت پاک و بی‌لک مسیح از خود متنفر است.

هنگامی که دانیال نبی جلالی را که پیامبر آسمانی را که برای او فرستاده شده بود مشاهده کرد، احساس ضعف و نقص خود را فرا گرفت.

او در تشریح اثر صحنه شگفت‌انگیز می‌گوید: «هیچ قدرتی در من باقی نمانده بود. صورتم تغییر رنگ داد و زشت شد و هیچ قدرتی نداشتم» (دان. 10:8) روحی که به این ترتیب لمس می‌شود از خودخواهی خود متنفر خواهد بود، از عشق به خود متنفر خواهد بود، و از طریق عدالت مسیح، برای پاکی قلبی که با شریعت خدا و شخصیت مسیح هماهنگ باشد، جستجو خواهد کرد.

پولس می‌گوید که «درباره عدالتی که در شریعت است» - تا آنجا که به اعمال ظاهری او مربوط می‌شود - «بی‌عیب» بود (فیلیسین 3:6). اما وقتی خصوصیت روحانی شریعت مشخص شد، خود را گناهکار یافت. او با توجه به حرف قانون، همانطور که مردم آن را در زندگی ظاهری به کار می‌برند، از گناه خودداری کرده بود. اما چون به اعماق احکام مقدسش نگریست و خود را چنان دید که خدا او را دید، با خواری سر تعظیم فرود آورد و به گناه خود اعتراف کرد. او می‌گوید: «یک بار، بدون قانون، زندگی می‌کردم. اما چون فرمان آمد، گناه زنده شد و من مردم» (رومیان 7:9) وقتی او ماهیت روحانی شریعت را دید، گناه در شنیع واقعی خود ظاهر شد و عزت نفس او از بین رفت.

پنج شنبه

(1) چه کسی فیض خدا را دریافت می‌کند؟ لوقا 14، 18:13

ج: «مجگیر اما دور ایستاده حتی نخواست چشم به آسمان بلند کند، سینه‌اش را زد و گفت: خدایا به من گناهکار رحم کن! به خانه او و نه آن یکی؛ زیرا هر که خود را سرفراز کند، فروتن خواهد شد و هر که خود را فروتن سازد، سرفراز خواهد شد.»

خداوند همه گناهان را به یک اندازه نمی‌داند؛ در برآورد او درجاتی از گناه وجود دارد، همانطور که در تخمین انسان وجود دارد. اما هر قدر هم که این یا آن عمل نادرست در نظر مردم ناچیز باشد، هیچ گناهی در نزد خداوند کوچک نیست. قضاوت انسان جزئی و ناقص است. اما خداوند همه چیز را همانگونه که هست می‌داند. مست را تحقیر می‌کند و به او می‌گوید که گناهش او را از بهشت بیرون می‌کند. در حالی که غرور، خودخواهی و طمع تقریباً همیشه بدون سرزنش می‌گذرد. اما اینها گناهی هستند که مخصوصاً برای خدا توهین آمیز هستند. زیرا آنها بر خلاف خیرخواهی شخصیت او هستند، با آن عشق خود انکار کننده که همان فضای جهان سقوط نکرده است. کسی که مرتکب هر یک از این گناهان بزرگ شود ممکن است احساس شرم و فقر و نیاز خود به فیض مسیح را به دست آورد. اما مغرور احساس نیازی نمی‌کنند، و بنابراین قلب خود را در برابر مسیح و برکات بی‌پایانی که او آمده است ببندد.

با جگیر بیچاره ای که دعا می‌کرد: خدایا به من گناهکار رحم کن! (لوقا، 18:13) او خود را مردی بسیار شریر می‌دانست، و دیگران او را در همین نور می‌دیدند. اما او نیاز خود را احساس کرد و با بار گناه و شرم خود به پیشگاه خداوند آمد و از رحمت او درخواست کرد. قلب او به روی روح خدا باز بود تا کار مهربان خود را انجام دهد و او را از قدرت گناه نجات دهد. دعای غرورآمیز و خودپسندانه فریسی نشان داد که قلب او به تأثیر روح القدس بسته است. او به دلیل دوری از خدا، بر خلاف کمال قداست الهی، احساس آلودگی خود را نداشت. او احساس نیاز نمی‌کرد و چیزی دریافت نمی‌کرد.

اگر گناهکاری خود را می‌بینید، انتظار نداشته باشید که بهتر شوید. بسیاری هستند که فکر می‌کنند برای آمدن به مسیح به اندازه کافی خوب نیستند. آیا امیدوارید با تلاش خودتان بهتر شوید؟ «آیا اتیوپیایی می‌تواند پوست خود را تغییر دهد یا پلنگ لکه هایش را؟ آنگاه می‌توانستی نیکی کنی، هر چند به بدی عادت داشتی» (ار).

(13:23) فقط در خداست که به ما کمک می‌کند. ما نباید منتظر ترغیب‌های قوی‌تر، فرصت‌های بهتر یا خلق و خوی مقدس‌تر باشیم. خودمون نمیتونیم کاری کنیم ما باید همانگونه که هستیم نزد مسیح بیاییم.

(2) آیا مردی که بر گناه اصرار می ورزد، بدون توجه به هشدارهای خداوند، به نفع او باقی می ماند؟ عبری. 27، 10:26

پاسخ: «زیرا اگر عمداً مرتکب گناه شویم، پس از شناخت حقیقت، دیگر قربانی گناه باقی نمی‌ماند، بلکه انتظار وحشتناکی از قضاوت و آتش سوزان است که دشمنان ما را می‌بلعد».

اما هیچ کس خود را فریب ندهد که فکر کند خدا با محبت و رحمت عظیم خود حتی کسانی را که فیض او را رد می کنند نجات خواهد داد. گناه بیش از حد گناه را می توان تنها در پرتو صلیب تخمین زد. وقتی مردان اصرار دارند که خدا آنقدر خوب است که نمی‌تواند گناهکار را بیرون کند، آنها را وادار کنید به جلگه نگاه کنند. به این دلیل بود که هیچ وسیله دیگری برای نجات انسان وجود نداشت، زیرا بدون این فداکاری برای نسل بشر غیرممکن بود که از قدرت پلید گناه بگریزند و به ارتباط با موجودات مقدس بازگردند - غیر ممکن است که آنها تبدیل شوند. دوباره شریک زندگی روحانی - به این دلیل بود که مسیح گناه نافرمانان را بر عهده گرفت و به جای گناهکاران رنج کشید. عشق، رنج و مرگ پسر خدا همگی بر عظمت وحشتناک گناه گواهی می دهند و اعلام می کنند که جز تسلیم شدن روح به مسیح، هیچ راه گریزی از قدرت آن و هیچ امیدی به زندگی بهتر وجود ندارد.

(3) طبق آنچه عیسی در تمثیل تعلیم داد، برای کسانی که اراده خدا را می دانستند و دائماً از اطاعت خودداری می کردند، چه خواهد آمد؟ لوقا. 12:47

پاسخ: «بنده‌ای که اراده پروردگارش را می‌دانست و خود را آماده نمی‌کرد و به میل او عمل نمی‌کرد، به عذاب بسیار می‌رسد».

گاهی اوقات عذاب وجدان خود را با این جمله در مورد مسیحیان خود بهانه می کنند: «من به اندازه آنها خوبم، آنها بیش از من فداکار، خویشتن دار و محتاط نیستند. آنها هم مثل من عاشق لذت و خودپسندی هستند.»

بنابراین آنها عیب دیگران را بهانه ای برای غفلت خود از انجام وظیفه می کنند. اما گناه و عیب دیگران هیچ کس را معذور نمی کند. زیرا خداوند یک الگوی انسانی معیوب به ما نداده است. پسر مطهر خدا داده شد

به عنوان مثال ما، و کسانی که از شیوه نادرست مسیحیان خود شکایت می کنند، کسانی هستند که باید نمونه های زندگی بهتر و نجیب تری را نشان دهند. اگر آنها چنین تصور بالایی از اینکه یک مسیحی باید داشته باشند، آیا گناه خودشان خیلی بزرگتر نیست؟ آنها می دانند چه چیزی درست است، اما از انجام آن سرباز می زنند.

جمعه

"امروز، اگر صدای او را می شنوید، دل های خود را سخت مکن" عبرانیان 7: 4

مراقب تعلل باشید. کار ترک گناهان خود و جستجوی پاکی دل از طریق عیسی را به تعویق نیندازید. اینجا جایی است که هزاران هزار نفر اشتباه کرده اند، تا از دست دادن ابدی خود را. من در اینجا به کوتاهی و عدم قطعیت زندگی نمی پردازم. اما یک خطر وحشتناک وجود دارد - خطری که به اندازه کافی درک نشده است -

در تأخیر در پاسخ به صدای التماس انگیز روح القدس خدا، انتخاب زندگی گناه آلود. زیرا این همان چیزی است که چنین تاخیری نشان می دهد. گناه، اگرچه ممکن است کوچک تلقی شود، تنها در صورت خطر از دست دادن نامحدود می توان آن را گرامی داشت. آنچه بر ما غلبه نکنیم بر ما غلبه خواهد کرد و نابودی ما را به بار خواهد آورد.

آدم و حوا خود را متقاعد کردند که یک موضوع کوچک مانند خوردن میوه ممنوعه نمی تواند منجر به چنین عواقب بدی شود که خدا اعلام کرده بود. اما این نکته کوچک تخطی از قانون مقدس و تغییر ناپذیر خداوند بود و انسان را از خدا جدا کرد و دریچه های مرگ و نفرین ناگفتنی را بر دنیای ما گشود. روز به روز فریاد گریه مداوم از روی زمین برخاسته است و تمام خلقت در اثر نافرمانی انسان با هم ناله کرده اند و با درد سرگردان شده اند. حتی بهشت هم آثار طغیان تو را حس کرده است

خداوند. جلگه به عنوان یادبودی از فداکاری مهیب مورد نیاز برای کفاره تخطی از قانون الهی است. اجازه ندهیم گناه را امری پیش پا افتاده بدانیم.

هر عمل تخطی، هر غفلت یا رد فیض مسیح، واکنشی است بر خودتان، سخت شدن قلب، تضعیف اراده، کسل کننده شدن درک، و نه تنها شما را کمتر تمایل به تسلیم می کند، بلکه کمتر قادر به تسلیم شدن در برابر لطافت است. با روح القدس خدا دعا کنید.

بسیاری با این فکر که می توانند مسیر شرارت را هر زمان که بخواهند تغییر دهند، وجدان پریشان را آرام می کنند. که می تواند دعوت های رحمت را سبک کند و همچنان تحت تأثیر قرار گیرد. آنها فکر می کنند که پس از شکایت از روح فیض، پس از قرار دادن نفوذ خود در سمت شیطان، در زمان دشواری وحشتناک می توانند مسیر خود را تغییر دهند. اما این به این راحتی ها به دست نمی آید. تجربه، آموزش یک زندگی، آنقدر شخصیت را کاملاً شکل داده است که تعداد کمی از آنها آرزوی دریافت تصویر عیسی را دارند.

حتی یک ویژگی بد شخصیتی، یک آرزوی گناه آلود، که دائماً گرامی داشته شود، در نهایت تمام قدرت انجیل را خنثی خواهد کرد. هر تفریط گناه، بی‌زاری روح را از خدا تقویت می‌کند. مردی که کفر سرسختانه یا بی تفاوتی بی تفاوتی نسبت به حقیقت الهی نشان می‌دهد، تنها چیزی را درو می‌کند که خود کاشته است. در تمام کتاب مقدس در مورد بازی با شرور هشداری بدتر از سخنان مرد خردمند وجود ندارد که گناهکار «به طناب های گناه خود بسته خواهد شد» (مثل. 5:22)

مسیح آماده است تا ما را از گناه نجات دهد، اما او اراده را مجبور نمی‌کند. و اگر با تجاوز مداوم، خود اراده کاملاً متعهد به شر است، و ما نمی‌خواهیم آزاد باشیم، اگر فیض او را نپذیریم، او چه کار دیگری می‌تواند بکند؟

ما با رد قاطعانه محبت او خود را نابود کرده ایم. "اینک، اکنون مناسب ترین زمان است، اینک، اکنون روز نجات است" "امروز، اگر صدای او را می‌شنوید، دل های خود را سخت مکن" (دوم قرن تیان ؛ 2: 6 عبرانیان . . (8، 7، 3)

برای مراقبه:

آیا می‌خواهید مسیح امروز شما را از گناه آزاد کند؟

شنبه

1) چگونه باید در کار پاکسازی قلب خود با خدا همکاری کنیم؟

Ap. 3:19.

ج: غیرت کنید و توبه کنید.

«انسان به بیرون می‌نگرد، اما خداوند به دل می‌نگرد» (اول سم. ، 7: 16 قلب انسان، با احساسات متضاد شادی و اشک، قلبی سرکش و گمراه، که در آن ناپاکی و ناپاکی زیادی وجود دارد. مغالطه، استدلال غلط. او انگیزه ها، مقاصد و مقاصد شما را می‌داند. به سوی او برو با روحت که تماماً لکه دار شده است.

مانند مزمور نویسی، اتاق های خود را به روی چشم بینا باز کنید و فریاد بزنید: «ای خدا، مرا جستجو کن و قلب مرا بشناس، مرا بیازمای و افکارم را بشناس. بین آیا راه بدی در من هست یا نه، و مرا به راه ابدی هدایت کن.»

(مصور. ۲۴، ۱۳۹:۲۳)

خیلی ها وقتی دلشان پاک نیست، دین روشنفکری، نوعی مهربانی را می‌پذیرند. دعای تو این باشد: «خدایا در من دلی پاک و پاک بیافرین.

روحي تزلزل ناپذير را در من تجديد كن» (مزمور 51:10) با روح خود صادقانه برخورد كنيد. همان قدر جدی باشید که اگر زندگی فانی شما در خطر بود، جدی باشید. این موضوعی است که باید بین خدا و روح خود حل و فصل شود و تا ابد حل و فصل شود. یک امید فرضی و هیچ چیز دیگری ویرانی آن ثابت نخواهد شد.

کلام خدا را با دعا زیاد مطالعه کنید. این کلام، در شریعت خدا و زندگی مسیح، اصول بزرگ تقدس را پیش روی شما قرار می دهد، که بدون آنها «هیچ کس خداوند را نخواهد دید» (عبرانیان 12:14) گناه را متقاعد می کند؛ راه نجات را به طور کامل آشکار می کند. به آن توجه کن، مثل صدای خدا که با روح صحبت می کند.

به محض اینکه عظمت گناه را دیدی، به محض اینکه خود را آنطور که واقعا هستی دیدی - تسلیم ناامیدی نشو مسیح آمد تا گناهکاران را نجات دهد. ما مجبور نیستیم خدا را با خود آشتی دهیم، اما: ای عشق شگفت انگیز! خدا در مسیح "جهان را با خود آشتی می دهد" (دوم قرنتیان 5:19) او با عشق لطیف خود دل فرزندان گناهکار خود را می آفریند. هیچ پدر زمینی نمی تواند در برابر خطاها و عیوب فرزندانش به اندازه خدا با کسانی که می خواهد نجات دهد صبور باشد.

هیچ کس نمی توانست با مهربانی بیشتر با متخلف دعا کند. هرگز لب‌های انسان به اندازه او به سرگردان دعا نکرده‌اند، همه وعده‌ها و هشدارهای او چیزی جز آلهای عشقی غیرقابل بیان نیست.

(2) آیا عیسی می تواند برای هر گناه بزرگ یا کوچک از همه گناهکاران بخشش بگیرد؟ اعمال رسولان 21، 39، 2:38

پاسخ: "توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان تعمیر یابد... زیرا وعده مربوط به شما، فرزندان شما و هر تعداد که خدا، خداوند ما، فرا می خواند." "و چنین خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت."

وقتی شیطان آمد تا به تو بگوید که گناهکار بزرگی هستی، به نجات دهنده خود نگاه کن و از شایستگی های او صحبت کن. آنچه به شما کمک می کند این است که به نور او نگاه کنید. گناه خود را تصدیق کنید، اما به دشمن بگویید که «مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکاران را نجات دهد» (اول تیموس 1: 15) و شما می توانید با عشق بی همتای او نجات پیدا کنید. عیسی از شمعون در مورد دو بدهکار سؤال کرد. یکی مبلغ ناچیزی به اربابش بدهکار بود و دیگری مبلغ زیادی به او بدهکار بود. اما او هر دو را بخشید و مسیح از شمعون پرسید کدام بدهکار ارباب خود را بیشتر دوست دارد. شمعون پاسخ داد: "کسی که بیش از همه بخشیده است" (لوقا 7:43) ما گناهکاران بزرگی بوده‌ایم، اما مسیح مرد تا ما را ببخشند. محاسن فداکاری اوست

برای ارائه به پدر از طرف ما کافی است. کسانی که بیش از همه آنها را آمرزیده است، او را بیشتر دوست خواهند داشت و به تخت او نزدیکتر خواهند بود تا او را به خاطر محبت بزرگ و فداکاری بی‌پایانش ستایش کنند. این زمانی است که ما به طور کامل تر را درک می‌کنیم

عشق به خدا که ما گناه آلود بودن گناه را بهتر تشخیص دهیم. هنگامی که طول زنجیره ای را که برای ما گذاشته شده است می‌بینیم، وقتی چیزی از قربانی بی‌پایانی را که مسیح از جانب ما انجام داده است، می‌فهمیم، قلب ما در لطافت و پشیمانی ذوب می‌شود.

درس - 4 اعتراف

متن پایه: «کتاب گام‌های تا مسیح»، فصل - 4الن جی وایت.

آیه طلایی: «به گناهم نزد تو اعتراف کردم و شرارت خود را نپوشاندم. گفتم: به گناهان خود نزد خداوند اعتراف خواهم کرد. و تو گناه مرا بخشیدی.»
مزامیر 32:5

یکشنبه

«کسی که گناهان خود را بپوشاند هرگز رستگار نخواهد شد. اما هر که اعتراف کند و آنها را ترک کند، رحمت خواهد یافت»
(امثال 28:13)

شرایط کسب رحمت الهی ساده، منصفانه و معقول است. خداوند از ما نمی‌خواهد که کاری دردناک انجام دهیم تا بتوانیم برای گناه آمرزش بگیریم. لازم نیست زیارت‌های طولانی و خسته‌کننده داشته باشیم، یا توبه‌های دردناکی انجام دهیم تا روح خود را به خدای بهشت توصیه کنیم، یا گناهان خود را جبران کنیم. اما کسی که اعتراف کند و گناه خود را ترک کند، رحمت خواهد کرد.

رسول می‌گوید: «به گناهان خود برای یکدیگر اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا پیدا کنید» (یعقوس 5:16). به گناهان خود نزد خدا اعتراف کنید که تنها او می‌تواند شما را ببخشد و خطاهای خود را نزد یکدیگر. اگر دوست یا همسایه خود را آزرده خاطر کرده‌اید، باید اشتباه خود را بشناسید و این وظیفه اوست که آزادانه شما را ببخشد. سپس باید از خداوند طلب بخشش کنید زیرا برادری را که آزار دادید ملک پروردگار است و با آزار دادن او به خالق و نجات دهنده خود گناه کرده‌اید. این پرونده در برابر تنها میانجی واقعی، کاهن اعظم ما، که "در همه چیز مانند ما وسوسه شده است، در عین حال بدون گناه" و "می‌تواند با ضعف‌های ما همدردی کند" مطرح می‌شود (عبرانیان 4:15). او قادر است ما را از هر لکه‌ی گناه پاک کند.

(1) وقتی داوود به گناه خود اعتراف کرد، خدا چه وعده‌ای داد؟ دوم سام. 12:13

ج: «سپس داوود به ناتان گفت: من به خداوند گناه کردم. و ناتان به داوود گفت: «خداوند گناه تو را نیز سوراخ کرده است. تو نخواهی مرد.»

دوشنبه

(1) شرط پذیرفته شدن انسان نزد خداوند چیست؟ II کرو. 7:14

ج: «و اگر قوم من که به نام من خوانده می‌شوند فروتنی کنند و دعا کنند و چهره من را بجویند و از راه‌های بد خود برگردند، از آسمان خواهم شنید و گناهانشان را خواهم بخشید و سرزمینشان را شفا خواهم داد.»

کسانی که جان خود را در برابر خداوند برای شناخت گناه خود خضوع نکرده اند، شرط اول پذیرش را انجام نداده اند. اگر آن توبه ای را تجربه نکنیم که از آن چیزی برای توبه وجود نداشته باشد، و در اعتراف به گناهانمان تحقیر واقعی روح و شکستگی روح نداشته باشیم، و از گناه خود بیزار باشیم، هرگز واقعاً طلب آمرزش گناه نمی کنیم. و اگر هرگز به دنبال آن نباشیم، هرگز با خدا آرامش نخواهیم یافت. تنها دلیلی که ما بخشش گناهان گذشته را نداریم این است که حاضر نیستیم دلهایمان را خاشع کنیم و به شرایط کلام حق رضایت دهیم. دستورالعمل خاصی در این زمینه داده شده است. اعتراف به گناه، چه عمومی و چه خصوصی، باید خالصانه و آزادانه بیان شود. نباید با خجالت از گنهکار ربوده شود. نباید این کار را به شیوه‌ای سهل‌آمیز و بی‌دقت انجام داد، یا به کسانی که هیچ احساسی از درک ویژگی وحشتناک گناه ندارند تحمیل کرد. اعترافی که بار گشایی اعماق جان است به سوی خدای رحمت بی‌نهایت راه می‌یابد. مزمن‌نویس می‌گوید: «خداوند به دل شکستگان نزدیک است و مستضعفان را نجات می‌دهد» (مزمنور، 34:18)

سه‌شنبه

(1 به چه چیزی اعتراف کنیم؟ لاوی، 5:5)

ج: پس اگر به یکی از این چیزها مرتکب شد، به گناهی که انجام داده اقرار کند.

اقرار واقعی همیشه دارای ویژگی خاصی است و گناهان خاصی را تشخیص می‌دهد. آنها ممکن است به گونه‌ای باشند که باید آنها را تنها نزد خدا آورد. آنها ممکن است خطاهایی باشند که باید برای افرادی که از طریق آنها آسیب دیده اند اعتراف کرد، یا ممکن است جنبه عمومی داشته باشند و باید علناً اعتراف کنند.

اما هر اعترافی باید قطعی و دقیق باشد و به همان گناهانی که شما مرتکب آن هستید اقرار کنید.

در روزگار سموئیل، بنی اسرائیل از خدا دور شدند. آنها از عواقب گناه رنج می‌بردند زیرا ایمان خود را به خدا از دست داده بودند، قدرت تشخیص خود را از قدرت و خرد او برای رهبری ملت از دست داده بودند، اعتماد خود را به توانایی او برای دفاع و دفاع از آرمانش از دست داده بودند. آنها از فرمانروای بزرگ کائنات روی برگرداندند و آرزو داشتند که مانند ملت‌های اطرافشان اداره شوند. قبل از اینکه آرامش پیدا کنند، آنها این اعتراف خاص را کردند: "به تمام گناهان خود شر درخواست پادشاهی را اضافه می‌کنیم" (اول سم. 12:19) همان گناهی که آنها به آن متقاعد شده بودند باید اعتراف می‌کردند. ناسپاسی آنان بر روح آنان ظلم کرد و آنان را از خدا جدا کرد.

«به گناهم نزد تو اعتراف کردم و شرارت خود را نپوشاندم. گفتم: به گناهان خود نزد خداوند اعتراف خواهم کرد. و شر گناه من را بخشیدی» مزامیر

32:5.

چهارشنبه

1) بعد از اعتراف چه اتفاقی باید بیفتد؟ Prov. 28:13

ج: کسی که گناهان خود را بپوشاند، رستگار نمی‌شود، ولی کسی که اعتراف کند و آن را ترک کند، مورد رحمت قرار می‌گیرد.

اقرار بدون توبه و اصلاح خالصانه مورد قبول خداوند نخواهد بود. باید تغییرات تعیین کننده ای در زندگی ایجاد شود. هر چیزی که برای خدا توهین آمیز است باید کنار گذاشته شود. این نتیجه غم و اندوه واقعی برای گناه خواهد بود. کاری که باید از جانب خود انجام دهیم کاملاً در برابر ما قرار گرفته است: «خود را بشوید، پاک شوید، بدی اعمال خود را از چشم من دور کنید. دست از شرارت بردارید خوب کردن را بیاموزیم؛ عدالت را رعایت کنید، ظالم را سرزنش کنید. از حقوق یتیمان دفاع کنید، از بیوه ها دفاع کنید» (اشعیا. 17، 16:1 «اگر شریر عهد خود را پس دهد و دزدیده شده را جبران کند و بر اساس قوانین زندگی بدون ارتکاب گناه رفتار کند، قطعاً زنده خواهد ماند. نخواهد مرد» (حزقی. 33:15) پولس در مورد کار توبه می‌گوید: «زیرا چقدر این امر در شما که به گفته خدا غمگین شده‌اید، به وجود نیامده است! چه دفاع، چه خشم، چه ترس، چه اشتیاق، چه غیرت، چه توجیه! در همه این چیزها ثابت می‌کنید که در این کار پاک هستی» (دوم قرنتی. 7:11)

2) کسانی که از راه شیطانی خود برمی گردانند چه برکتی خواهند داشت؟ ایزی. 22، 21:18

ج: «اما اگر شریر از تمام گناهانی که مرتکب شده است برگردد و همه فرایض مرا نگاه دارد و به عدالت و عدالت عمل کند، قطعاً زنده خواهد ماند. نخواهد مرد از همه تجاوزاتی که مرتکب شد هیچ یادی از او نخواهد بود. او با عدالتی که انجام داده است زندگی خواهد کرد.»

پنجشنبه

1) بزرگترین مشکلی که مردم امروز با آن روبرو هستند چیست؟ آپو. 3:17

ج: «شما می‌گویید: من ثروتمندم و توانمندم و چیزی کم ندارم. و نمی‌دانی که بدبخت و بدبخت و فقیر و کور و برهنه هستی.»

وقتی گناه ادراکات اخلاقی را ساکت کرده است، فاعل شر، عیوب شخصیت خود را تشخیص نمی‌دهد و عظمت بدی را که مرتکب شده است، درک نمی‌کند. و اگر تسلیم قدرت قانع کننده روح القدس نشود، از گناه خود در کوری جزئی باقی می‌ماند. اعترافات آنها صادقانه و مصمم نیست. برای هر اعتراف به گناه خود، بهانه‌ای به بهانه راهش می‌افزاید و اعلام می‌کند که اگر شرایط خاصی نبود، این کار را انجام نمی‌داد و به همین دلیل مورد سرزنش قرار می‌گیرد.

بعد از اینکه آدم و حوا از میوه ممنوعه خوردند، احساس شرم و وحشت بر آنها چیره شد. اولاً، تنها فکر او این بود که چگونه گناه خود را بهانه کند و از حکم وحشتناک مرگ بگریزد. هنگامی که خداوند از او در مورد گناهش سؤال کرد، آدم پاسخ داد و تقصیر را تا حدی بر عهده خدا و تا حدی را به گردن همراهش انداخت: «زنی که مرا به همسری دادی، او از درخت به من داد و من خوردم». زن تقصیر را به گردن مار انداخت و گفت: «

مار مرا فریب داد و خوردم» (پیدایش 3:12، 13) چرا مار را ساختی؟ چرا سعی کردی او را در عدن قرار دهی؟ اینها سؤالاتی بود که در عذرخواهی او برای گناهش مستتر بود، بنابراین مسئولیت سقوط خود را بر عهده خدا می‌گرفت. روحیه خود توجیهی از پدر دروغ سرچشمه گرفته و توسط آن به نمایش گذاشته شده است

همه پسران و دختران آدم، اعتراف به این دستور الهام گرفته از روح الهی نیست و مورد قبول خداوند نخواهد بود. توبه واقعی باعث می‌شود که انسان تقصیر را به گردن خود بیاندازد و بدون فریب و ریا به آن اعتراف کند.

مانند باجگیر بیچاره، بدون اینکه چشمانش را به آسمان بلند کند، فریاد می‌زند: «خدایا به من گناهکار رحم کن.» و کسانی که به خطاهای خود اعتراف کنند عادل خواهند شد. زیرا عیسی با خون خود از طرف روح توبه کننده دعا خواهد کرد.

(2) چگونه انسان خدا را جلال می‌دهد؟ خوزه 7:19

ج: «سپس یوشع به آکان گفت: «پسر من، از تو می‌خواهم، خداوند، خدای اسرائیل را جلال ده و در حضور او اعتراف کن. و اکنون به من بگو چه کردی، آن را از من پنهان مکن.»

جمعه

(1) آیا دانیال هنگام اعتراف به گناه خود و قومش سعی در توجیه خطای خود داشت یا از گناه خود بکاهد؟ دان 9:4-15

ج: «و من به خداوند، خدای خود دعا کردم و اعتراف کردم و گفتم: آه! آقا! خدای بزرگ و عظیم، که به عهد و رحمت با کسانی که تو را دوست دارند و احکام تو را ننگ می‌دارند، نگاه می‌دارد. ما گناه کرده‌ایم، گناهان مرتکب شده‌ایم، و کارهای ناپسند انجام داده‌ایم، و سرکش بوده‌ایم و از احکام و احکام تو دوری کرده‌ایم. و ما به بندگان تو، انبیا، که به نام تو با پادشاهان ما، به امیران، و به پدران ما، و به تمامی مردم زمین سخن می‌گفتند، گوش نکردیم. ای خداوند، عدالت از آن توست، اما آشفتگی چهره از آن ماست، چنانکه امروز است. به مردان یهودا و ساکنان اورشلیم و به تمامی اسرائیل، به آنها نزدیک و آنها دور، در تمام کشورهای که آنها را به خاطر طغیانهایشان که علیه تو مرتکب شدند، رانده ای. ای خداوند، آشفتگی صورت از آن ماست، از آن پادشاهان ما، شاهزادگان و پدران ماست، زیرا ما به تو گناه کرده ایم. آنها از آن خداوند، خدای ما هستند.»

رحمت و مغفرت؛ زیرا ما بر ضد او عصیان کردیم و صدای بیهوش خدای خود را اطاعت نکردیم تا در قوانین او که به وسیله بندگان او انبیا به ما داده است رفتار کنیم. آری، تمامی اسرائیل از شریعت تو سرپیچی کردند و روی گردان شدند تا صدای تو را اطاعت نکنند. پس لعنت و سوگند که در شریعت موسی، بنده خدا نوشته شده است، بر ما ریخته شد. زیرا ما در برابر او گناه کرده‌ایم و او کلام خود را که بر علیه ما و بر قضات ما که ما را داوری می‌کردند، تأیید کرد و بلای بزرگی بر ما آورد. زیرا هرگز آنطور که در اورشلیم انجام شده است، در زیر تمام آسمان انجام نشده است. همانطور که در شریعت موسی نوشته شده است، همه این بلا به ما رسیده است. با وجود این، ما از خداوند خدای خود التماس نمی‌کنیم که از گناهان ما رویگردان شود و خود را به حقیقت تو متوسل کنیم. به همین دلیل است

خداوند بر بدی نظارت کرد و آن را بر ما آورد. زیرا یهوه خدای ما در تمام کارهایی که انجام داده عادل است. زیرا ما صدای او را اطاعت نکردیم. حالا پس، اوه
خداوندا، خدای ما، که قوم تو را با دستی نیرومند از سرزمین مصر بیرون آورد و برای خود نامی مانند امروز یافت. ما گناه کرده‌ایم، بد کرده‌ایم.»
دانیال. 4-15: 9

نمونه‌هایی از توبه و تحقیر واقعی که در کلام خدا یافت می‌شود روحیه اعتراف را آشکار می‌کند که در آن هیچ بهانه‌ای برای گناه یا تلاش برای توجیه خود وجود ندارد. پولس به دنبال محافظت از خود نبود. او گناه خود را به سیاه‌ترین رنگ آن نقاشی کرد، بدون اینکه سعی کند گناه خود را کاهش دهد. او می‌گوید: «من بسیاری از مقدسین را در زندان‌ها می‌بینم. و در برابر اینها رای دادم، وقتی آنها را کشتند.

من اغلب آنها را در هر کنیسه تنبیه می‌کردم، حتی آنها را مجبور می‌کردم که به کفرگویی کنند. و با خشم شدید بر ایشان، ایشان را حتی در شهرهای غریب تعقیب کرد.»
(اعمال رسولان. 11، 10:26 او از اعلام اینکه «مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکارانی را که من سرآمد آنها هستم، نجات دهد» تردید نکرد (اول تیموس. 1:15).

شنبه

(1 پسر ولخرج وقتی متوجه عشق پدرش به او شد چه کرد؟ لوک. 15:17-21)

ج: «و چون به خود آمد گفت: چه بسیارند از کارگران روزمزد پدرم نان فراوان دارند و اینجا از گرسنگی هلاک می‌شوم! من برخوام خاست و نزد پدرم خواهم رفت و به او خواهم گفت: ای پدر، من گناه کردم در برابر بهشت و پیش روی شما؛ من دیگر لایق این نیستم که پسر شما خوانده شوم. مرا شبیه یکی از روزنامه نگاران خود کن و او برخاست و نزد پدرش رفت... و پسر به او گفت: پدر، من گناه کردم. در برابر بهشت و در برابر تو، و من دیگر لایق این نیستم که پسر تو خوانده شوم.

قلب فروتن و شکسته که با توبه واقعی غلبه کرده است، قدردان عشق خدا و هزینه جلگه خواهد بود. و همانطور که یک پسر به پدری مهربان اعتراف می‌کند، توبه‌کننده واقعی نیز تمام گناهان خود را در پیشگاه خدا خواهد آورد. و نوشته شده است: "اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را ببخشد و ما را از هر ناراستی پاک کند" (اول یوحنا. 9) 1:

(2 طبق مثل، خدا چقدر حاضر است گناهکار را ببخشد؟ لوک. 22-20:15
24.

ج: «و برخاست و نزد پدرش رفت. و چون هنوز دور بود، پدرش او را دید و با دلسوزی نزدیک شد و در حال دویدن، خود را بر گردن او انداخت و او را بوسید...
پدر به خادمان خود گفت: به سرعت بهترین لباس‌ها را بیاورید. و او را بپوشان و انگشتری بر دست و صندل بر پاهایش بگذار. و گوساله پروار را بیاور و بکش. و بیایید بخوریم و شاد باشیم. زیرا این پسر من مرده بود و دوباره زنده شد، گم شده بود و پیدا شد. و آنها شروع به شادی کردند.»

درس - 5 تقدیس

متن اصلی: «کتاب گام‌های تا مسیح»، فصل - 5الن جی وایت.

آیه طلایی: «راه خود را به خداوند بسپارید. بر او توکل کن و او هر کاری را انجام خواهد داد.» مزمور 37:5 (ترجمه آمریکایی تجدید نظر شده و تصحیح شده).

یکشنبه

(1 کسانی که نزد عیسی می‌آیند چه باید بکنند تا توسط او تقدیس شوند؟ رام. 6:19)

ج: «من به عنوان یک مرد صحبت می‌کنم، به دلیل ضعف بدن شما. زیرا همانطور که اعضای خود را برای خدمت به پلیدی و شرارت را به جای شرارت عرضه کردید، اکنون نیز اعضای خود را برای تقدیس به خدمت عدالت معرفی کنید.»

وعده خدا این است: «مرا خواهید جست و می‌یابید، آنگاه که با تمام دل خود مرا بجویید» (ارم. 29:13)

تمام قلب باید به خدا تسلیم شود، وگرنه هرگز نمی‌توان تغییری در ما ایجاد کرد که به وسیله آن به تصویر او بازگردیم. ما ذاتاً از خدا بیگانه هستیم. روح القدس وضعیت ما را با کلمات زیر توصیف می‌کند: "مرده در گناهان و گناهان خود" (افس. 2:1) هر سر بیمار است و هر دل بیمار است" "در او هیچ صدایی نیست" (اشعیا 6، 5:1 ما را در دام شیطان محکم گرفته اند. "او را اسیر کرد تا اراده او را انجام دهد" (دوم تیم. 2:26) خدا می‌خواهد ما را شفا دهد، ما را آزاد کند. اما برای اینکه این اتفاق بیفتد، یک دگرگونی کامل، یک تجدید کامل ماهیت ما لازم است. ما باید کاملاً تسلیم او شویم. جنگ علیه خود بزرگترین نبردی است که تا به حال انجام شده است. تسلیم نفس، تسلیم کامل خود به خواست خدا، تلاش می‌خواهد. اما روح باید تسلیم خدا باشد تا بتواند در تقدس تجدید شود.

(2) پولس چه مقدار از «خود» خود را به خدا داد؟ پس چقدر باید تحویل دهیم؟
گال. 2:20.

الف: «من قبلاً با مسیح مصلوب شده ام. و دیگر من زنده نیستم، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند. و زندگی را که اکنون در جسم می‌گذرانم، با ایمان به پسر خدا زندگی می‌کنم که مرا محبت کرد و خود را برای من داد.»

دوشنبه

(1) آیا خدا ما را مجبور می‌کند که به او خدمت کنیم یا به ما آزادی انتخاب می‌دهد؟ داد. 30:19

ج: «امروز آسمانها و زمین را بر شما گواه می‌گیرم که زندگی و مرگ و برکت و لعنت را پیش روی شما قرار داده‌ام. پس زندگی را انتخاب کن تا خودت و نسلت زنده بمانی.»

حکومت خدا آنگونه نیست که شیطان ظاهر می‌کند و بر تسلیم کورکورانه و کنترل غیرمنطقی بنا شده است. عقل و وجدان را جذب می‌کند. «پس بیایید و با هم استدلال کنیم» دعوت خالق از موجوداتی است که ساخته است. خداوند اراده مخلوقاتش را اجبار نمی‌کند. او نمی‌تواند ادای دینی را که هوشمندانه و داوطلبانه انجام نمی‌شود بپذیرد. تسلیم اجباری صرف مانع از رشد واقعی ذهن یا شخصیت می‌شود. انسان را به یک خودکار تبدیل می‌کند. این هدف خالق نیست. او مایل است که انسان، تاج کار قدرت خلاق او، به بالاترین رشد ممکن دست یابد. او اوج برکتی را پیش روی ما قرار می‌دهد که می‌خواهد به لطف خود ما را به آن برساند. او ما را دعوت می‌کند تا خود را به او بسپاریم تا او بتواند اراده خود را در ما عملی کند. این به ما بستگی دارد که انتخاب کنیم آیا از بردگی گناه رهایی می‌یابیم، تا در آزادی باشکوه فرزندان خدا سهیم شویم.

(2) خدا به همه ما چه دعوتی می‌کند؟ خوزه، 24:15

ج: «اما، اگر خدمت به خداوند برای شما بد به نظر می‌رسد، امروز انتخاب کنید که چه کسی را خدمت می‌کنید. چه به خدایانی که پدران شما در آن سوی رودخانه خدمت می‌کردند، چه به خدایان اموریان که در سرزمین آنها ساکن هستید. اما من و خانهاام خداوند را خدمت خواهیم کرد.»

سهبشبه

(1) قوم اسرائیل که از خدا جدا شده‌اند، چه باید بکنند؟ امروز چه کنیم؟ دوم، 6-7:1

پاسخ: «هنگامی که یهوه خدایت تو را به سرزمینی که می‌خواهی آن را تصرف کنی آورد، و امت‌های بسیاری را از حضورت بیرون راند، هیتی‌ها، جرگاشی‌ها، اموریان، کنعانیان و فرزنی‌ها را. و حویان و بیوسیان، هفت ملتی که از شما بسیار و قدرتمندترند. و یهوه خدایت آنها را به حضور تو داده است تا آنها را بزنی، آنها را به کلی هلاک خواهی کرد. با آنها عهد نخواهی بست و به آنها رحم نخواهی کرد. و با آنها نسبتی نخواهی داشت. دختران خود را به پسرانشان ندهید و دختران خود را به پسران خود نگیرید. زیرا آنها فرزندان شما را از من دور می‌کنند تا خدایان دیگر را خدمت کنند. و خشم خداوند بر تو شعله‌ور می‌شود و به سرعت تو را می‌بلعد.»

اما تو با آنها چنین خواهی کرد: قربانگاه‌هایشان را خراب می‌کنی، مجسمه‌هایشان را می‌شکنی. و نخلستان‌های آنها را قطع کنی و مجسمه‌های تراشیده آنها را با آتش بسوزانید. زیرا شما قومی مقدّس برای یهوه خدای خود هستید. یهوه، خدایت، تو را به عنوان قوم خاص خود از میان تمامی مردم روی زمین برگزید.»

در سپردن خود به خدا، لزوماً باید هر چیزی را که ما را از او جدا می کند، رها کنیم. به همین دلیل، منجی می گوید: «پس هر که در میان شما از همه آنچه که دارد چشم پوشی نکند، نمی تواند شاگرد من باشد» (لوقا 14:33) هر چیزی که دل ما را از خدا دور می کند باید رها شود. هر چیزی که دل را از خدا دور می کند باید رها شود. مامون بت خیلی هاست. عشق به پول، میل به ثروت، زنجیر طلایی است که آنها را به شیطان می بندد. آبرو و افتخارات دنیوی را طبقه دیگری می پرستند. زندگی با سهولت خودخواهانه و رهایی از مسئولیت، بت دیگران است. اما این پیوندهای بردگی باید شکسته شود. ما نمی توانیم نیمی از خدا و نیمی از جهان باشیم. ما فرزندان خدا نیستیم مگر اینکه کاملاً چنین باشیم. کسانی هستند که با تکیه بر تلاش های خود برای اطاعت از شریعت او، شکل دادن شخصیت عادل و تضمین رستگاری، اظهار می کنند که به خدا خدمت می کنند. قلب آنها از احساس عمیق عشق مسیح متاثر نمی شود، بلکه به دنبال انجام وظایف زندگی مسیحی هستند که گویی خداوند آنها را از آنها خواسته است تا بهشت را به دست آورند. چنین دینی ارزشی ندارد. هنگامی که مسیح در قلب ساکن شود، روح آنچنان از عشق او و از شادی ارتباط با او پر می شود که با او متحد می شود. و با تفکر در او، خود فراموش می شود. عشق به مسیح محرک عمل خواهد بود. کسانی که محبت اجباری به خدا را احساس می کنند، نمی پرسند که چقدر می توان برای برآورده ساختن خواسته های خدا کاری انجام داد. آنها پایین ترین استاندارد را نمی خواهند، بلکه در آرزوی انطباق کامل با اراده نجات دهنده خود هستند. آنها با میل خالصانه همه چیز را می دهند و علاقه ای متناسب با ارزش هدفی که به دنبال آن هستند نشان می دهند.

اظهار مسیح بدون عشق عمیق او اشتباه محض، تشریفات خشک و بار سنگین است.

(2) وقتی به عشق مسیح فکر می کنیم، چه اتفاقی می افتد؟ دوم قرنیتان 17، 15، 14: 5

ج: "زیرا محبت مسیح ما را محدود می کند و ما را اینگونه قضاوت می کند: اگر یکی برای همه مرد، همه مردند. و او برای همه مرد، تا آنانی که زنده اند دیگر برای خود زندگی نکنند، بلکه برای او که برای آنها مرد و دوباره زنده شد... بنابراین، اگر کسی در مسیح است، او مخلوق جدیدی است. چیزهای قدیمی از بین رفته اند؛ بین همه چیز دوباره انجام می شود».

چهار شنبه

«و اینک مرد جوانی نزد او آمد و به او گفت: استاد خوب، چه کار خوبی انجام دهم تا زندگی جاودانی به دست بیاورم؟ و او به او گفت: چرا مرا نیکو می خوانی؟ هیچ خیری جز یکی نیست که خداست. با این حال، اگر می خواهید وارد زندگی شوید، دستورات را حفظ کنید. به او گفت: کدام یک؟ و عیسی گفت: قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مکن. به پدر و مادرت احترام بگذار و همسایه خود را مانند خود دوست خواهی داشت.

جوان به او گفت: همه اینها را از جوانی نگه داشته ام. من هنوز چه چیزی را از دست می دهم؟ عیسی به او گفت: اگر می خواهی کامل باشی برو، هر چه داری را بفروش و به فقرا بده تا در بهشت گنجی خواهی داشت. و بیا و مرا دنبال کن. و آن جوان چون این سخن را شنید، غمگین رفت، زیرا دارایی های بسیار بود.» متی 19:16-22

آیا احساس می کنید که تسلیم همه چیز به مسیح، قربانی بسیار بزرگی است؟ سؤال زیر را از خود پرسید: "مسیح چه چیزی برای من داد؟" پسر خدا همه چیز را داد: زندگی، عشق و رنج. برای رستگاری ما. و آیا ممکن است که ما، اشیاء نالایق عشق عظیم، دل خود را از او دریغ کنیم؟ ما در هر لحظه از زندگی خود از فیض او شریک بوده ایم و به همین دلیل نمی توانیم عمق جهل و بدبختی را که از آن نجات یافته ایم کاملاً درک کنیم. آیا می توانید به کسی که گناهان شما دارد نگاه کنید

سوراخ شد، و هنوز هم حاضرید تمام عشق و فداکاری او را خنثی کنید؟ آیا با توجه به ذلت بی پایان پروردگار جلال، زمزمه می کنیم زیرا تنها از طریق درگیری و انکار می توانیم وارد زندگی شویم؟

پنج شنبه

«سپس عیسی به شاگردان خود گفت: «اگر کسی می خواهد به دنبال من بیاید، خود را انکار کند و صلیب خود را بردارد و از من پیروی کند. زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد و هر که جان خود را به خاطر من از دست بدهد، آن را خواهد یافت.» متی. 16:24، 25

سؤال بسیاری از دلهای مغرور این است که "چرا باید پیش از اینکه بتوانم از پذیرش نزد خدا مطمئن شوم به توبه و ذلت بروم؟" من شما را به مسیح هدایت می کنم. او بدون گناه بود، و بیش از آن، او شاهزاده بهشت بود. اما به نفع انسان برای نژاد گناه شد. «او در شمار متخلفان قرار گرفت. گناهان بسیاری را بر دوش گرفت و برای متجاوزان شفاعت کرد.»

(اشعیا. 53:12)

اما وقتی همه چیز را می دهیم از چه چیزی دست می کشیم؟ قلبی آلوده به گناه، برای اینکه عیسی پاک کند، با خون خود پاک کند و با محبت بی نظیرش نجات دهد. و با این حال مردان فکر می کنند که دست کشیدن از همه چیز دشوار است! از شنیدن این موضوع شرمند ام، از نوشتن آن شرم دارم.

خدا از ما نمی خواهد که چیزی را که به نفع ماست برای حفظ آن رها کنیم. در هر کاری که انجام می دهد، رفاه فرزندانش را در نظر دارد. باشد که همه کسانی که مسیح را انتخاب نکرده اند بفهمند که او چیزی بسیار بهتر از آنچه که برای خود جستجو می کنند برای ارائه دارد. انسان زمانی بیشترین ضرر و ظلم را در حق خود می کند که بر خلاف اراده خدا فکر و عمل کند. هیچ شادی واقعی را نمی توان در مسیری که از سوی آن کسی که بهترین را می داند و برای خیر و صلاح مخلوقاتش برنامه ریزی می کند ممنوع کرده است، یافت. راه تجاوز، راه بدبختی و تباهی است.

«اگر انسان تمام دنیا را از دست بدهد چه سودی دارد؟ یا انسان در ازای جان خود چه خواهد داد؟» متی. 16:26

(1) آیا خداوند می خواهد به انسان خوشبختی بدهد؟ جر. 29:11

الف.: خداوند می گوید: «زیرا من افکاری را که در مورد شما فکر می کنم می دانم. افکار صلح، و نه شرارت، تا به تو پایانی بدهند که انتظارش را داری.»

این اشتباه است که فکر کنیم خدا از دیدن رنج فرزندان خشنود است. همه بهشت به سعادت انسان علاقه دارد. پدر آسمانی ما راه های شادی را به روی هیچ یک از مخلوقاتش نمی بندد. اقتضائات الهی بر ما فریاد میزند که از آن خوشگذرانی‌هایی که رنج و ناامیدی به بار می‌آورد و درهای خوشبختی و بهشت را به روی ما می‌بندد، دست برداریم. نجات دهنده جهان، انسان‌ها را همان گونه که هستند، با تمام خواسته‌ها، نقص‌ها و ضعف‌هایشان می‌پذیرد. و او نه تنها از گناه پاک می‌کند و با خون خود رستگاری می‌یابد، بلکه آرزوی دل‌های همه کسانی را که می‌پذیرند یوغ او را بردارند و بار او را به دوش بکشند، برآورده خواهد کرد. هدف او ابلاغ صلح و آرامش به همه کسانی است که برای نان زندگی نزد او می‌آیند. او از ما می‌خواهد که فقط وظایفی را انجام دهیم که گام‌های ما را به اوج برکتی که نافرمان هرگز نمی‌تواند به آن برسد، می‌رساند. زندگی واقعی و شاد روح این است که مسیح در درون شکل بگیرد، امید جلال.

(2) زندگی برای کسانی که به خدا اجازه می‌دهند نقشه خود را برای آنها انجام دهد چگونه خواهد بود؟ هست یک. 12، 8:55

ج.: خداوند می‌گوید: «زیرا اندیشه‌های من افکار شما نیست، و راه‌های شما راه‌های من نیستند، زیرا با شادی بیرون خواهید رفت و در سلامتی هدایت خواهید شد».

جمعه

«من راه حق را انتخاب کردم. من تصمیم گرفتم که از قضاوت تو پیروی کنم.» مزامیر 119:30

خیلی‌ها می‌پرسند "چگونه باید خود را به خدا بسپارم؟" شما می‌خواهید خود را به او بسپارید، اما از نظر قدرت اخلاقی ضعیف هستید، در اسارت شک هستید و تحت کنترل عادات زندگی گناه هستید. وعده‌ها و تصمیمات شما مانند ردی از شن است. شما نمی‌توانید افکار، انگیزه‌ها، احساسات خود را کنترل کنید. آگاهی از وعده‌های شکسته و عهدهای انجام نشده، اعتماد شما را نسبت به صداقت خود تضعیف می‌کند و باعث می‌شود احساس کنید که خدا نمی‌تواند شما را بپذیرد. اما نیازی نیست ناامید شوید آنچه شما باید درک کنید اراده واقعی است. این قدرت حاکم در طبیعت انسان، قدرت تصمیم‌گیری یا انتخاب است. همه چیز به عمل صحیح اراده بستگی دارد. خداوند قدرت انتخاب را به انسان داد؛ این وظیفه شماست که از آن استفاده کنید. شما نمی‌توانید قلب خود را تغییر دهید، نمی‌توانید خودتان محبت‌های خود را به خدا بدهید. اما شما می‌توانید انتخاب کنید که به او خدمت کنید. شما می‌توانید اراده خود را به او بدهید. سپس او در شما کار خواهد کرد تا بخواهید و مطابق رضای او عمل کنید. بنابراین تمام طبیعت شما تحت کنترل روح مسیح قرار خواهد گرفت. محبت شما بر او متمرکز خواهد شد، افکار شما با او هماهنگ خواهد بود.

شنبه

(1) چه زمانی می‌توانیم از حق انتخاب برای خدمت به خدا استفاده کنیم؟ خوزه. 24:15

پاسخ: "اما اگر خدمت به خداوند برای شما بد است، امروز انتخاب کنید که چه کسی را خدمت می کنید."

میل به خیر و قداست فی نفسه حق است؛ اما اگر در آنجا متوقف شوید، آنها بی ارزش خواهند شد. بسیاری از آنها در حالی که منتظرند و می خواهند مسیحی شوند گم خواهند شد. آنها به حدی نمی رسند که اراده خود را به خدا بسپارند. آنها انتخاب نمی کنند
اکنون مسیحی باشید

از طریق اعمال صحیح اراده می توان یک تغییر کامل در زندگی شما ایجاد کرد. با تسلیم اراده خود به مسیح، با قدرتی که بالاتر از همه قدرت ها و اختیارات است متحد می شوید. شما از بالا قدرت خواهید داشت تا شما را تزلزل ناپذیر نگه دارد و بدین ترتیب، با تسلیم دائمی در برابر خدا، قادر خواهید بود زندگی جدید، یعنی همان زندگی ایمانی را تجربه کنید.

(2) چگونه می توانیم با خدا همکاری کنیم تا قدرت او زندگی ما را متحول کند؟ نمک.
37:5؛ 119:173.

ج: «راه خود را به خداوند بسپارید. بر او توکل کن و او هر کاری را انجام خواهد داد.» «دستت برای کمک به من آماده باشد، زیرا من احکام تو را برگزیده‌ام.» (ترجمه المیدا تصحیح و تصحیح شده).

درس - 6 ایمان و پذیرش

متن پایه: «کتاب گام‌های تا مسیح»، فصل - 6الن جی وایت.

آبه طلایی: «و گفتند: به خداوند عیسی مسیح ایمان بیاور و تو و تو نجات خواهی یافت.

خانه". اعمال رسولان. 16:31.

یکشنبه

(1زن مبتلا به خون با چه وسیله ای شفا یافت؟ لوک. 8:46-48)

ج: «و عیسی گفت: شخصی مرا لمس کرد، زیرا می دانستم که فضیلت از من بیرون رفته است.

آنگاه چون زن دید که نمی تواند خود را پنهان کند، لرزان به او نزدیک شد و در حال سجده بر او، در حضور همه مردم به او گفت که چرا او را لمس کرده و چگونه به زودی شفا یافت. و به او گفت: دختر جان، خوش باش، ایمانت تو را نجات داده است. در آرامش باش".

به محض اینکه روح القدس وجدان شما را بیدار کرد، چیزی از بدخیم بودن گناه، قدرت، گناه و نفرین آن را دیدید. و با نفرت به او نگاه می کنی آیا احساس می کنید که گناه شما را از خدا جدا کرده است، که هستی؟

اسیر قدرت شر. هر چه بیشتر برای فرار تلاش کنید، درماندگی خود را بیشتر درک می کنید. انگیزه های آنها ناپاک است. دلت کثیف است می بینید که زندگی شما پر از خودخواهی و گناه بوده است. آرزوی بخشیده شدن، پاک شدن، آزاد شدن دارید. هماهنگی با خدا، تشابه با او، برای به دست آوردن آنها چه کاری می توانید انجام دهید؟

این آرامشی است که شما نیاز دارید، بخشش، آرامش آسمانی و عشق در روح. پول نمی تواند آنها را بخرد، عقل نمی تواند آنها را به دست آورد، خرد نمی تواند آنها را به دست آورد. شما هرگز نمی توانید امیدوار باشید، با تلاش خود، آنها را ایمن کنید. اما خدا آنها را به عنوان هدیه به شما تقدیم می کند، «بدون پول و بدون بها» (اشعیا 55:1) آنها مال شما هستند اگر فقط دست دراز کنید و آنها را بگیرید. خداوند می گوید: «اگرچه گناهان شما مثل قرمز باشد، مثل برف سفید خواهد شد. اگر چه سرخ مانند زرشکی باشند، مانند پشم خواهند شد.» (اشعیا 1:18) «من به تو دلی تازه خواهم بخشید و روحی تازه در تو خواهم نهاد» (حزقی، 36:26)

به گناهان خود اعتراف کردی و آنها را از دل خود رها کردی. تصمیم گرفتی خودت را به خدا بسپاری. اکنون نزد او برو و از او بخواه که فوراً گناهانت را پاک کند و قلب تازه ای به تو بدهد. پس باور کنید که او این کار را می کند زیرا وعده داده است. این درسی است که عیسی در زمانی که روی زمین بود به ما آموخت و آن این است که ما باید ایمان داشته باشیم که هدیه ای را که خدا برای ما وعده داده است، دریافت کرده ایم و این هدیه از آن ماست.

عیسی هنگامی که به قدرت او ایمان داشتند، مردم را از بیماری هایشان شفا داد. او در چیزهایی که می توانستند ببینند به آنها کمک می کرد، بنابراین در مورد چیزهایی که نمی توانستند به آنها اعتماد کنند، به آنها اعتماد کرد و آنها را به ایمان به قدرت او سوق داد.

برای بخشش گناهان او این را در شفای مرد فلج شده به طور کامل تعلیم داد: «اکنون برای اینکه بدانید پسر انسان بر روی زمین اقتدار دارد که گناهان را ببخشد - سپس به فلج گفت: برخیز، بستر را بردار و برو به

خانه تو» (متی 6: 9: یوحنا، مبشر، در مورد معجزات مسیح چنین می‌گوید: «اما اینها ثبت شد تا ایمان بیاورید که عیسی مسیح، پسر خداست، و با ایمان آوردن، به نام او حیات داشته باشید» (یوحنا 31: 20).

دوشنبه

از سوابق ساده کتاب مقدس در مورد چگونگی شفای بیماران توسط عیسی، می‌توانیم چیزی در مورد چگونگی ایمان آوردن به او برای آموزش گناهان بیاموزیم. بیایید به داستان فلج بتسدا برگردیم. رنجور بیچاره درمانده بود. او سی و هشت سال بود که از اندام خود استفاده نکرده بود. با این حال، عیسی به او دستور داد: «برخیز، بسترت را بردار و راه برو.» مرد بیمار می‌توانست بگوید: "پروردگارا، اگر مرا خوب کنی، از قول تو اطاعت خواهم کرد." اما نه، او به کلام مسیح ایمان آورد، معتقد بود که سالم شده است، و بلافاصله تلاش کرد. می‌خواست راه برود و راه رفت. او به کلام مسیح عمل کرد و خدا قدرت داد. او عاقل شد.

به همین ترتیب، شما یک گناهکار هستید. شما نمی‌توانید گناهان گذشته خود را جبران کنید. اما خدا وعده داده است که همه اینها را از طریق مسیح برای شما انجام خواهد داد. شما این قول را باور دارید. شما به گناهان خود اعتراف می‌کنید، و خود را به خدا می‌سپارید، اراده خود را برای خدمت به او. همانطور که شما این کار را انجام دهید، خداوند به قول خود به شما عمل خواهد کرد. اگر به وعده ایمان داری، باور کن که بخشیده شده و پاکیزه شده‌ای، خداوند چنین می‌کند. شما هستید درست شد، درست همانطور که مسیح به فلج قدرت داد تا وقتی مرد ایمان آورد که شفا یافته است، راه برود. اینطور است اگر شما آن را باور کنید.

انتظار نداشته باشید که احساس کنید کامل شده‌اید، بلکه بگویید: «من این را باور دارم. این چنین است، نه به این دلیل که من آن را احساس می‌کنم، بلکه به این دلیل است که خدا آن را وعده داده است.»

(1چرا وعده خدا در زندگی ابراهیم محقق شد؟ رام. 21-17:4)

ج: «چنانکه نوشته شده است: من تو را پدر امتهای بسیار قرار دادم) پیش از او که به او ایمان آورد، یعنی خدایی که مردگان را زنده می‌کند و چیزهایی را که گویی نیست می‌خواند. کسی که به امید بر خلاف امید ایمان آورد، به طوری که پدر امت های بسیاری شد، مطابق آنچه به او گفته شد: نسل تو نیز چنین خواهد بود. و بدون تضعیف ایمان، نه به بدن مرده خود که تقریباً صد ساله بود و نه به مرده رحم سارا توجهی نکرد. و او در وعده خدا از راه کفر شک نکرد، بلکه در ایمان تقویت شد و خدا را جلال داد و کاملاً متقاعد شد که آنچه را که وعده داده بود نیز قادر به انجام آن است.

آی تی."

سهشنبه

(1وقتی عیسی ایمان او را دید به فلج چه گفت؟ مرقس 2:5)

پاسخ: «عیسی چون ایمان آنها را دید، به فلج گفت: پسر، گناهایت آمرزیده شد.»

عیسی می‌گوید: «هر چه در دعا بخواهید، ایمان داشته باشید که آن را دریافت کرده‌اید و از آن شما خواهد شد» (مرقس 11:24). برای دریافت این وعده شرطی وجود دارد که به خواست خدا دعا کنیم. اما اراده خدا این است که ما را از گناه پاک کند، ما را فرزندان خود قرار دهد، و ما را قادر سازد تا زندگی مقدسی داشته باشیم. سپس می‌توانیم این نعمت‌ها را بخواهیم و باور کنیم که آنها را دریافت کرده‌ایم و خدا را شکر کنیم که آنها را دریافت کرده‌ایم. این افتخار ماست که به نزد عیسی بیاییم و پاک باشیم و بدون شرم و پشیمانی در برابر قانون بایستیم. "اکنون هیچ محکومیتی برای کسانی که در مسیح عیسی هستند وجود ندارد" (رومیان 8:1)

2) چه دگرگونی در کسانی که در مسیح هستند رخ می‌دهد؟ دوم قرن‌تیان 5:17.

الف.: «پس اگر کسی در مسیح باشد، مخلوق جدیدی است. چیزهای قدیمی از بین رفته اند؛ بین همه چیز دوباره انجام می‌شود.»

از این پس به خودتان تعلق ندارید. شما با قیمتی خریداری شده‌اید «می‌دانستید که با چیزهای فاسد مانند نقره یا طلا فدیة نشدید... بلکه با خون گرانها، مانند بره بی عیب یا خال، خون مسیح، نجات یافتید» (اول پطرس 1:18، 19). این عمل ساده ایمان به خدا، روح القدس زندگی جدیدی در قلب شما ایجاد کرد. شما مانند فرزندی هستید که در خانواده خدا به دنیا آمده است و او شما را همانطور که پسرش را دوست دارد دوست دارد.

اکنون که خود را به عیسی سپردید، به عقب برنگرد، از او دور نشوید، بلکه روز به روز بگویید: «من از آن مسیح هستم. من خود را به او سپردم» و از او بخواهید که روح خود را به شما بدهد و شما را به لطف خود حفظ کند. همانطور که با سپردن خود به خدا و ایمان به او فرزند او میشوید، باید در او زندگی کنید. رسول می‌گوید: "اکنون همانطور که مسیح عیسی را به عنوان خداوند پذیرفته‌اید، در او رفتار کنید" (کولسیان 2: 6)

«در من بمانید و من در شما. همانطور که شاخه به خودی خود میوه نمی‌دهد، مگر اینکه در تاک بماند، شما نیز نمی‌توانید، مگر اینکه در من بمانید. هر که در من و من در او بماند، ثمره بسیار می‌آورد. زیرا بدون من هیچ کاری نمی‌توانید انجام دهید... اگر احکام من را ننگه دارید، در عشق من خواهید ماند. همانطور که من احکام پدرم را نگاه داشتم و در محبت او می‌ماندم.» یوحنا 15:4، 5، 10.

چهارشنبه

1) خداوند به کدام مردم وعده بخشش گناهان و حیات جاودانی داده است؟ جو 3:16.

جواب: «زیرا خدا آنقدر جهان را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی داشته باشد.»

به نظر می رسد برخی احساس می کنند که باید در محاکمه باشند، و باید به خداوند ثابت کنند که اصلاح شده اند، قبل از اینکه بتوانند از او برکت بخواهند. اما الان هم می توانند از خداوند طلب برکت کنند. آنها باید فیض او، روح مسیح را برای کمک به ناتوانی های خود داشته باشند، در غیر این صورت نمی توانند در برابر شر مقاومت کنند. عیسی دوست دارد که ما همانگونه که هستیم، پر از گناه، درمانده، وابسته، نزد او آمدیم. ما می توانیم با تمام ضعفها، حماقتها، گناهکاریهایمان بیاییم و با توبه زیر پای او بیفتیم. جلال اوست که ما را در آغوش محبت خود بیچد و زخمهایمان را ببندد و ما را از هر ناپاکی پاک کند.

(2) عیسی برای چند نفر مرد؟ دوم قرنیتیان. 5:15

ج.: «وُ مَوْتُ لِلْهُم».

اینجاست که هزاران نفر شکست می خورند: آنها باور ندارند که عیسی آنها را شخصاً و به صورت فردی می بخشد. آنها در کلام خدا به خدا چنگ نمی زنند. این امتیاز برای همه کسانی است که شرایط را دارند که خودشان بدانند که بخشش برای هر گناهی رایگان است. این شبهه را دور بریزید که وعده های خدا برای شما نیست.

آنها برای هر فاسق توبه کننده ای هستند. قوت و فیض از طریق مسیح فراهم شده است تا توسط فرشتگان خدمتگذار به هر روح مؤمن آورده شود. هیچ کس آنقدر گناهکار نیست که نتواند قدرت، خلوص و عدالت را در عیسی، که برای آنها مرد، بیابد. او منتظر است تا جامه های آلوده و آلوده به گناه را از تنشان درآورد و جامه های سفید عدالت را بر آنها بگذارد. او به آنها دستور می دهد که زنده بمانند و نمرند.

پنجشنبه

(1) خواسته خدا از ما چیست؟ اول تیم. 2:4

ج.: «کسی که می خواهد همه مردم نجات یابند و به علم حق برسند».

خداوند با ما مذاکره نمی کند همانطور که انسان های محدود با یکدیگر مذاکره می کنند. افکار او افکار رحمت، عشق و مهربانی است. او می گوید: «شریر راه خود را رها کنید، شریر افکار خود را رها کنید. به سوی خداوندی که به شما رحم خواهد کرد، روی آورید و به خدای ما روی آورید، زیرا او در بخشش غنی است.» «گناهان شما را مانند مه محو خواهیم کرد و گناهان شما را مانند ابر محو خواهیم کرد» (اشعیا. (22:44؛ 7:55)

يَهُوه خدا می گوید: «زیرا من از مرگ کسی لذت نمی برم، پس تبدیل شوید و زندگی کنید» (حزقی. (32:18 شیطان آماده است تا فوراً تضمین های مبارک خدا را بدزد. او می خواهد هر بارقه امید و هر پرتو نوری را از روح ببرد. اما شما نباید به او اجازه این کار را بدهید. به سخنان وسوسه کننده گوش نده، بلکه بگو: «عیسی مرد تا من زنده بمانم. او مرا دوست دارد و نمی خواهد من هلاک شوم. من یک پدر آسمانی دلسوز دارم. و اگر چه از محبت او سوء استفاده کرده ام، با توجه به اینکه برکاتی که به من داده است هدر رفته است، برخاسته، نزد پدر خود خواهم رفت و خواهم گفت: "من به آسمان و در برابر تو گناه کرده ام. من دیگر لایق این نیستم که پسر تو خوانده شوم. با من به عنوان یکی از کارگزاران رفتار کن." مثل می گوید

چگونه از شخص گمشده پذیرایی خواهد شد: "او هنوز خیلی دور بود که پدرش او را دید و با دلسوزی بر او دوید و او را در آغوش گرفت و بوسید" (لوقا. 15:18-20)

اما حتی این مَثَل، همان طور که هست، لطیف و تکان دهنده، قادر نیست تمام شفقت بیکران پدر آسمانی را بیان کند. خداوند از طریق پیامبرش اعلام می‌دارد: «تو را با عشقی جاودانی دوست داشتم. بنابراین شما را با مهربانی جذب کردم» (ارم. 31:3). در حالی که گناهکار هنوز از خانه پدر دور است و خود را در سرزمینی غریب تلف می‌کند، دل پدر در حسرت اوست. و هر اشتیاقی که در روح بیدار می‌شود برای بازگشت به سوی خدا، چیزی کمتر از التماس لطیف روح او نیست، التماس، التماس، و سوق دادن به سوی قلب مهربان پدری او.

«اینک، خدا نجات من است. بر او توکل خواهم کرد و نخواهم ترسید، زیرا یَهُوه خدا قوت و آواز من است و او نجات من شده است.» اشعیا. 12:2

جمعه

«و کاتبان و فریسیان ایشان بر شاگردانش غر زدند و گفتند: چرا با باجگیران و گناهکاران می‌خورید و می‌نوشید؟ عیسی پاسخ داد و به آنها گفت: آنها که خوب هستند به پزشک نیاز ندارند، بلکه آنها که مریض هستند. من نیامده ام که صالحان را دعوت کنم، بلکه گناهکاران را به توبه دعوت کنم.» لوقا. 5:30-32

آیا با وعده‌های غنی کتاب مقدس پیش روی شما، می‌توانید به شک و تردید راه دهید؟ آیا می‌توانید باور کنید که وقتی گناهکار بیچاره آرزوی بازگشت را داشته باشد، آرزوی ترک گناهان خود را داشته باشد، خداوند او را شدیداً منع می‌کند تا با توبه به پای خود بیاید؟ دور از چنین افکاری! هیچ چیز نمی‌تواند بیشتر از این که چنین تصویری از پدر آسمانی ما داشته باشید، روح شما را آزار دهد. او از گناه متنفر است، اما گناهکار را دوست دارد، و خود را در شخص مسیح سپرد تا همه کسانی که بخواهند نجات یابند و در ملکوت جلال برکت ابدی داشته باشند. چه زبانی قوی‌تر یا لطیف‌تر از زبانی که او برای ابراز محبت خود نسبت به ما انتخاب کرد، می‌توانست استفاده شود؟ او می‌گوید: «آیا زن می‌تواند فرزندی را که هنوز شیر می‌دهد فراموش کند تا به فرزندی که در شکمش است رحم نکند؟ اما حتی اگر او را فراموش کند، من تو را فراموش نخواهم کرد.» (اشعیا. 49:15)

(1) آیا خداوند قلب توبه کننده را تحقیر خواهد کرد؟ ص. 51:17

الف.: «قربانی برای خدا روح شکسته است. خدایا دل شکسته و پشیمان را تحقیر نخواهی کرد.»

شنبه

«از آنجا که ما یک کاهن اعظم به نام عیسی پسر خدا داریم که به آسمان ها رفته است، بیایید اعتراف خود را محکم نگه داریم. چون ما کشیش اعظم نداریم

کسانی که نمی توانند با ضعف های ما همدردی کنند. با این حال، کسی که مانند ما در همه موارد وسوسه شده است، اما بدون گناه. پس بیایید با اطمینان به تخت فیض بیاییم تا رحمت برسیم و فیض را بیاییم تا در زمان نیاز به ما کمک شود.»
عبرانیان. 4: 14-16

ای شک و لرزان به بالا نگاه کن. زیرا عیسی زندگی می کند تا برای ما شفاعت کند. خدا را به خاطر هدیه پسر عزیزش شکر کنید و دعا کنید که او برای شما بیهوده نمرده باشد. روح امروز شما را دعوت می کند. با تمام قلب خود نزد عیسی بیایید و می توانید برکت او را طلب کنید.

به محض خواندن وعده ها، به یاد داشته باشید که آنها ابراز محبت و رحمت وصف ناپذیری هستند. قلب بزرگ عشق بیکران با شفقت بی پایان به سوی گناهکار کشیده می شود. "که در او به واسطه خون او فدیة داریم، آمرزش گناهان" (افس. 1:7). فقط باور کنید که خدا یاور شماست. او می خواهد تصویر اخلاقی خود را در انسان بازگرداند. همانطور که با اقرار و توبه به او نزدیک می شوید، او نیز با رحمت و مغفرت به شما نزدیک می شود.

(1 چگونه خداوند در کلام خود به ما توصیه می کند که نزد او بیاییم تا لطف و رحمت او را بخواهیم؟ عبری. 4:16)

الف.: «پس با اطمینان به عرش فیض بیاییم تا رحمت و فیض پیدا کنیم تا در وقت نیاز یاری یابیم.»

درس - 7 آزمون شاگردی

متن اصلی: «کتاب گام‌های تا مسیح»، فصل - 7 ال‌ن جی وایت.

آیه طلایی: «ای برادران من، چه سودی دارد که کسی بگوید ایمان دارم ولی اعمالی ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات دهد؟» یعقوب 2:14.

یکشنبه

(1) چه تغییری در زندگی کسانی که تسلیم مسیح می‌شوند رخ می‌دهد؟ گال. 2:20.

الف: «من قبلاً با مسیح مصلوب شده‌ام، و این دیگر من نیستم که زندگی می‌کنم، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند. و زندگی را که اکنون در جسم می‌گذرانم، با ایمان به پسر خدا زندگی می‌کنم که مرا محبت کرد و خود را برای من داد.»

«اگر کسی در مسیح باشد، مخلوق جدیدی است. چیزهای قدیمی از بین رفته‌اند؛ اینک چیزهای جدید شده است» (دوم قرنتی، 17) 5:

ممکن است شخص نتواند زمان یا مکان دقیق را تشخیص دهد یا کل آن را ردیابی کند زنجیره شرایط در فرآیند تبدیل؛ اما این ثابت نمی‌کند که او تبدیل نشده است. مسیح به نیقودیموس گفت: «باد هر جا که بخواهد می‌وزد، صدایش را می‌شنوید، اما نمی‌دانید از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. پس هر کس از روح متولد شده است» (یوحنا).

(3:8) مانند باد که نامرئی است، اما اثرات آن به وضوح دیده و احساس می‌شود، روح خداست که بر قلب انسان کار می‌کند. آن نیروی بازآفرینی که هیچ چشم انسانی نمی‌تواند ببیند، حیات تازه‌ای در روح ایجاد می‌کند. موجودی جدید در تصویر خدا ایجاد می‌کند. در حالی که کار روح ساکت و نامحسوس است، تأثیرات آن آشکار است. اگر قلب توسط روح خدا تجدید شده باشد، زندگی بر آن شهادت خواهد داد. حتی اگر کاری نکنیم که قلبمان را تغییر دهد یا با خدا هماهنگ کند. در حالی که ما به هیچ وجه نباید به خود یا کارهای خوب خود اعتماد کنیم، زندگی ما به هر طریقی نشان خواهد داد که فیض خدا در درون ما ساکن است. تغییر در شخصیت، عادات، اهداف مشاهده خواهد شد. تضاد بین آنچه بوده‌اند و آنچه هستند مشخص و مشخص خواهد شد. شخصیت، نه با کارهای خوب یا بد گاه به گاه، بلکه با گرایش به گفتار و کردار مرسوم آشکار می‌شود.

(2) زکیوس در نتیجه تغییر دین خود چه گفت؟ و بعد عیسی چه گفت؟ لوقا 9، 19:8.

الف: «و زکیوس برخاست و به خداوند گفت: خداوندا، اینک من نیمی از دارایی خود را به فقرا می‌دهم. و اگر از کسی خیانت کرده باشم، چهار برابر جبران می‌کنم. و عیسی به او گفت: امروز نجات به این خانه رسیده است، زیرا او نیز پسر ابراهیم است.»

درست است که می‌توان رفتار ظاهری را بدون نیروی تجدیدپذیر مسیح اصلاح کرد. عشق به نفوذ و میل به احترام دیگران می‌تواند یک زندگی منظم ایجاد کند. احترام به خود می‌تواند ما را به دوری از ظاهر شیطان هدایت کند. یک قلب خودخواه می‌تواند اعمال سخاوتمندانه انجام دهد. چرا دیگر، پس ما تعیین می‌کنیم که در کدام طرف هستیم؟ صاحب قلب کیست؟ افکار ما با کیست؟ دوست داریم با چه کسی صحبت کنیم؟ چه کسی شدیدترین محبت‌ها و بهترین انرژی‌های ما را دارد؟ اگر ما مال مسیح هستیم، افکارمان

با او هستیم و شیرین‌ترین افکار ما به اوست. ما هر چه داریم و هستیم برای او تقدیم شده است. ما مشتاقیم که تصویر او را حمل کنیم، از روح او دمیده شویم، اراده او را انجام دهیم و او را در همه چیز خشنود کنیم.

دوشنبه

(1) ایمانداران به مسیح چه هدیه‌ای دریافت می‌کنند؟ گال. 3:14.

الف: «تا برکت ابراهیم از طریق عیسی مسیح به غیریهودیان برسد و تا با ایمان، وعده روح را دریافت کنیم.»

(2) مؤمنان به چه وسیله‌ای هدایت می‌شوند؟ رام. 14، 8:1.

ج: «بنابراین، اکنون برای کسانی که در مسیح عیسی هستند، که نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح رفتار می‌کنند، محکومیتی وجود ندارد. زیرا همه کسانی که توسط روح خدا هدایت می‌شوند، فرزندان خدا هستند.»

کسانی که در مسیح عیسی مخلوقات جدیدی می‌شوند، ثمرات روح را نشان خواهند داد، «محبت، شادی، صلح، صبر، مهربانی، نیکی، وفاداری، ملایمت، خویشتن‌داری» (غلاطیان 22، 23، 5:22). آنها دیگر خود را بر اساس شهوات قبلی شکل نخواهند داد، بلکه با ایمان به پسر خدا از گام‌های او پیروی می‌کنند، شخصیت او را منعکس می‌کنند و خود را همانطور که او پاک است پاک می‌کنند. چیزهایی که زمانی از آنها متنفر بودند، اکنون دوست دارند. و چیزهایی که زمانی دوست داشتند از آنها متنفر بودند. متکبر و متکبر، با دل فروتن و فروتن می‌شود. بیهوده و مغرور جدی و معتدل می‌شود. مست هشیار می‌شود و فاسق پاک می‌شود. آداب و رسوم بیهوده و مدهای دنیا کنار گذاشته شده است. مسیحیان به دنبال «زیور ظاهری» نیستند، بلکه به دنبال «آدم درونی دل، متحد با لباس فاسد ناپذیر روح لطیف و آرام» خواهند بود (اول پطرس 3:3، 4).

هیچ دلیلی دال بر توبه واقعی وجود ندارد مگر اینکه اصلاحی انجام دهد. اگر گرو برگرداند، آنچه را که دزدیده است برمی‌گرداند، به گناهان خود اعتراف می‌کند و خدا و همسایه خود را دوست می‌دارد، گنهکار می‌تواند مطمئن باشد که از مرگ به زندگی رسیده است.

(2) تجربه جدید کسانی که عیسی را پذیرفتند چیست؟ اول یوحنا 3:9.

ج: «هر که از خدا زاده شود گناه نمی‌کند. زیرا بذر او در او باقی می‌ماند. و او نمی‌تواند گناه کند، زیرا او از خدا زاده شده است.»

هنگامی که ما به عنوان موجودات سرگردان و گناهکار به مسیح می‌آییم و در فیض بخشنده او شریک می‌شویم، عشق در قلب متولد می‌شود. هر وظیفه‌ای سبک است، زیرا یوغی که مسیح تحمیل می‌کند سبک است. اطاعت لذت می‌شود و قربانی لذت. راهی که زمانی در تاریکی پوشیده به نظر می‌رسید با پرتوهای خورشید عدالت روشن می‌شود.

زیبایی شخصیت مسیح در پیروان او دیده خواهد شد. این لذت او بود که اراده خدا را انجام دهد. عشق به خدا و غیرت برای جلال او، قدرت کنترل کننده در زندگی منجی ما بود. عشق همه اعمال او را زیبا و اصیل ساخت. عشق مال خداست قلب غیر تقدیمی نمی‌تواند آن را ایجاد کند یا تولید کند. فقط در قلب جایی که عیسی سلطنت می‌کند یافت می‌شود. "ما دوست داریم زیرا او ابتدا ما را محبت کرد" (اول یوحنا 4:19) در دلی که به فیض الهی تازه شده است، عشق اصل عمل است. شخصیت را تغییر می‌دهد، بر انگیزه‌ها حکومت می‌کند، احساسات را کنترل می‌کند، دشمنی‌ها را فرو می‌کشد و محبت‌ها را بزرگ می‌کند. این عشق که در روح نهفته است، زندگی را خوشایند می‌کند و تأثیری پاکیزه بر همه چیز در اطراف می‌گذارد.

سهبشبه

دو خطا وجود دارد که فرزندان خدا - به ویژه آنهایی که تازه به فیض او اعتماد کرده‌اند - به ویژه باید از خود محافظت کنند. اولین موردی که قبلاً ذکر شد این است که به کارهای خود نگاه کنند و به هر کاری که می‌توانند انجام دهند اعتماد کنند تا آنها را با خدا هماهنگ کنند. کسی که سعی می‌کند با تلاش خود برای حفظ قانون مقدس شود، در حال تلاش برای غیرممکن است. هر کاری که انسان بدون مسیح می‌تواند انجام دهد آلوده به خودخواهی و گناه است. فقط فیض مسیح از طریق ایمان است که می‌تواند ما را بسازد

سانتوس

(1) آیا ایمان به مسیح انسان را از اطاعت از شریعت خدا رها می‌کند؟ رام. 3:31

الف: «پس آیا ما شریعت را با ایمان لغو می‌کنیم؟ به هیچ وجه! بلکه ما قانون را وضع می‌کنیم.»

خطای مخالف و نه کمتر خطرناک این است که ایمان به مسیح انسان را از رعایت شریعت خدا رها می‌کند. از آنجایی که تنها با ایمان است که در فیض مسیح شریک می‌شویم، اعمال ما هیچ ربطی به رستگاری ما ندارد.

(2) کسانی که فیض خدا را با ایمان می‌پذیرند چگونه زندگی خواهند کرد؟ رام. 6:14

پاسخ: «زیرا گناه بر شما مسلط نخواهد شد، زیرا شما تحت شریعت نیستید، بلکه تحت فیض هستید.»

اما در اینجا توجه داشته باشید که اطاعت صرفاً رضایت ظاهری نیست، بلکه خدمت محبت آمیز است. قانون خدا بیانی از طبیعت خود اوست. و مظهر اصل عشق است و از این رو اساس حکومت او در آسمان و زمین است. اگر قلب ما به مثابه خدا تجدید شود، اگر عشق الهی در روح کاشته شود، آیا قانون خدا در زندگی اجرا نمی‌شود؟ هنگامی که اصل عشق در قلب نهادینه می‌شود، وقتی انسان در تصویر او که او را آفریده تجدید می‌شود،

و عهده عهد جدید محقق می شود، "قوانین خود را بر دل‌های ایشان خواهم گذاشت و آنها را بر ذهن ایشان خواهم نوشت" (عبرانیان 10:16) و اگر قانون در دل نوشته شود، آیا زندگی را شکل نخواهد داد؟ اطاعت - خدمت و تسلیم عشق - نشانه واقعی شاگردی است. و بنابراین کتاب مقدس می گوید: "زیرا محبت خدا این است که احکام او را نگاه داریم." «کسی که بگوید من او را می‌شناسم و احکام او را نگاه نمی‌دارم، دروغگو است و حقیقت در او نیست» (اول یوحنا 4: 2؛ 3: 5) به جای رهایی انسان از اطاعت، این ایمان و تنها ایمان است که ما را در فیض مسیح شریک می‌سازد که ما را قادر می‌سازد اطاعت کنیم.

چهار شنبه

(1) انگیزه ایمان واقعی که انسان به وسیله آن نجات می یابد چیست؟ گال. 5:6.

ج: «زیرا در عیسی مسیح نه ختنه و نه ختنه هیچ ارزشی ندارد. اما ایمانی که از طریق عشق عمل می کند.»

ما با اطاعت خود رستگاری به دست نمی آوریم. زیرا نجات هدیه رایگان خداست که با ایمان دریافت می شود. «همچنین می دانید که او ظاهر شد تا گناهان را بزاید و در او گناهی نیست. هر که در او بماند در گناه زندگی نمی کند. هر که گناه کند او را ندیده و نشناخته است» (اول یوحنا 3: 5 و 6). در اینجا آزمایش واقعی است. اگر در مسیح بمانیم، اگر محبت خدا در ما ساکن باشد، احساسات، افکار و اعمال ما با اراده خدا که در دستورات شریعت مقدس او بیان شده است، هماهنگ خواهد بود. «فرزندان کوچک، اجازه ندهید کسی شما را فریب دهد. کسی که عدالت می کند عادل است، همانطور که او عادل است.» (اول یوحنا 3:7) عدالت با معیار شریعت مقدس خدا، همانطور که در ده دستور داده شده در سینا بیان شده است، تعریف می شود.

آن ایمان پرگفته به مسیح که ادعا می کند انسان ها را از تعهد اطاعت از خدا رها می کند، ایمان نیست، بلکه فرض است. "زیرا به فیض از طریق ایمان نجات یافته اید." اما «ایمان، اگر اعمال نداشته باشد، به خودی خود مرده است» (افس. 8: 2؛ 17: 2).

عیسی قبل از آمدن به زمین درباره خود گفت: «ای خدای من، از انجام اراده تو لذت می برم. شریعت تو در قلب من است» (مزمور 40:8) و درست قبل از صعود دوباره به آسمان، او اعلام کرد: "من احکام پدر خود را نگاه داشته ام و در محبت او می مانم" (یوحنا 15:10) کتاب مقدس می‌گوید: «اکنون می‌دانیم که او را از این طریق شناختیم، که اگر احکام او را نگاه داریم... هر که می‌گوید در او می‌ماند، باید همانگونه که راه می‌رفت، رفتار کند» (اول یوحنا 2: 3-6). "زیرا مسیح نیز برای شما رنج کشید و برای شما سرمشقی گذاشت که در گامهای او پیروی کنید" (اول پطرس 2:21).

(2) آیا ایمانی که انسان را به اطاعت از خدا نمی کشاند درست است؟ عمه. 20، 18:2.

ج: «اما یکی می گوید: تو ایمان داری و من کارهایی دارم. ایمانت را بدون اعمالت به من نشان بده و من ایمانم را با اعمالم به تو نشان خواهم داد... ایمان بدون اعمال مرده است.»

پنج شنبه

1) همانطور که عیسی تعلیم داد، شرط ما برای داشتن زندگی ابدی چیست؟ متی. 17، 19:16

ج: «و اینک مرد جوانی به او نزدیک شد و به او گفت: استاد خوب، چه کار خوبی برای به دست آوردن حیات جاودانی انجام دهم؟ و او به او گفت: چرا مرا نیکو می خوانی؟ هیچ خیری جز یکی نیست که خداست. اما اگر می خواهید وارد زندگی شوید، احکام را حفظ کنید.»

شرایط زندگی ابدی اکنون همان است که همیشه بوده است - همان چیزی که در بهشت قبل از سقوط والدین ما بود - اطاعت کامل از قانون خدا، عدالت کامل. اگر زندگی ابدی به هر شرطی کمتر از این تضمین می شد، سعادت کل هستی در خطر بود. راه برای گناه، با همه توالی نفرین و بدبختی اش، برای جاودانه شدن باز خواهد بود.

این امکان برای آدم وجود داشت که قبل از سقوط، با اطاعت از شریعت خدا، شخصیتی صالح شکل دهد. اما او نتوانست این کار را انجام دهد و به دلیل گناه او طبیعت ما سقوط کرده است و ما نمی توانیم خودمان را عادل کنیم. از آنجایی که ما افراد گناهکار و بی خدا هستیم، نمی توانیم کاملاً از شریعت مقدس اطاعت کنیم. ما هیچ عدالتی از خود نداریم که بتوانیم ادعاهای قانون خدا را انجام دهیم. اما مسیح راه فراری برای ما ایجاد کرد. او در میان آزمایشها و وسوسههایی مانند وسوسههایی که ما باید با آن روبرو شویم، روی زمین زندگی می کرد. او زندگی بی گناهی داشت. او برای ما مرد، و اکنون او پیشنهاد می کند که گناهان ما را ببرد و عدالت خود را به ما بدهد. اگر خود را به او بسپارید و او را به عنوان نجات دهنده خود بپذیرید، هر چند زندگی شما گناهکار بوده است، به خاطر او، شما را عادل می دانند. شخصیت مسیح در جایگاه شخصیت شما قرار می گیرد و شما در پیشگاه خدا پذیرفته می شوید، همانطور که گویی هرگز گناه نکرده اید.

بیشتر از این، مسیح قلب را تغییر می دهد. با ایمان در قلب شما باقی می ماند. شما باید این ارتباط را با مسیح با ایمان و تسلیم مستمر اراده خود به او حفظ کنید. و مادامی که شما آن را حفظ کنید، او در شما کار خواهد کرد تا بخواهید و مطابق رضای او عمل کنید. سپس می توانید بگویید: «و این زندگی را که اکنون در جسم زندگی می کنم، با ایمان به پسر خدا زندگی می کنم که مرا محبت کرد و خود را برای من داد» (غل).

(2:20) بنابراین، عیسی به شاگردانش گفت: "این شما نیستید که صحبت می کنید، بلکه روح پدر شما در شما صحبت می کند" (متی. 10:20) سپس، با کارکردن مسیح در شما، شما همان روح را ظاهر خواهید کرد و همان اعمال را انجام خواهید داد - کارهای عدالت، اطاعت.

2) چگونه می توانیم کارهای خوب اطاعت خدا را انجام دهیم؟ یوحنا. 29، 6:28

ج: «پس به او گفتند: برای انجام کارهای خدا چه کنیم؟ عیسی پاسخ داد و به آنها گفت: این کار خداست که به کسی که او فرستاده ایمان بیاورید.

پس چیزی در خود نداریم که به آن بیالیم. ما دلیلی برای خود برتر بینی نداریم. تنها زمینه امید ما در عدالت مسیح است که به ما نسبت داده شده است، و در آن کار توسط روح او در درون و از طریق ما.

جمعه

1) چه اعتقادی است که انسان را توجیه و نجات می دهد؟ رام. 10، 9:10

الف: «در واقع: اگر با دهان خود به عیسی خداوند اعتراف کنی و در دل خود ایمان بیاوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت. زیرا با دل به عدالت ایمان می آورد و با زبان برای نجات اعتراف می کند.»

وقتی از ایمان صحبت می کنیم، یک تمایزی وجود دارد که باید در ذهن روشن شود. نوعی اعتقاد وجود دارد که کاملاً از ایمان متمایز است. وجود و قدرت خداوند و صحت کلام او حقایق است که حتی شیطان و لشکریانش نیز با دل نمی توانند آن را انکار کنند. کتاب مقدس می گوید که شیاطین نیز ایمان می آورند و می لرزند. «(یعقوس 19:2) اما این ایمان نیست جایی که نه تنها اعتقاد به کلام خدا، بلکه تسلیم اراده در برابر او وجود دارد. آنجا که دل به او داده می شود و محبت ها بر اوست، ایمان است. ایمانی که با عشق عمل می کند و روح را پاک می کند. از طریق این ایمان، قلب به صورت خدا تجدید می شود، و قلبی که در حالت تجدید ناپذیر بود، مشمول شریعت خدا نبود (و در واقع نمی توانست باشد)، اکنون از احکام مقدس او لذت می برد، و با صدای بلند فریاد می زند. مزمورنویس: «من چقدر شریعت تو را دوست دارم! این مراقبه من در تمام طول روز است!» (مزمور 97. 119) و عدالت شریعت در ما تحقق می یابد که «نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح» (رومیان 8:4)

(2) اگر پس از تسلیم شدن خود به عیسی، دوباره گناه کنیم، چه باید بکنیم؟ اول یوحنا 2:1

ج: «فرزندان من، اینها را برای شما می نویسم تا گناه نکنید. و اگر کسی گناه کند، ما یک وکیل نزد پدر داریم. عیسی مسیح عادل. و او کفاره گناهان ماست. نه تنها گناهان ما، بلکه برای تمام دنیا.

جهان".

کسانی هستند که محبت آمرزنده مسیح را می شناسند و واقعاً می خواهند فرزندان خدا باشند، اما هنوز فکر می کنند که شخصیت های آنها ناقص است، زندگی آنها ضعیف است، و آماده اند شک کنند که آیا به هیچ وجه قلب آنها توسط خدای مقدس تجدید شده است یا خیر. روح به اینها می گویم: تسلیم نامیدی نشوید. ما به خاطر اشتباهات و عیب هایمان مجبور خواهیم بود بارها به پای عیسی سجد کنیم و گریه کنیم. اما لازم نیست دلسرد شویم. حتی اگر از دشمن شکست بخوریم، دور نمی افتیم، رها و طرد نمی شویم. خیر؛ مسیح دست راست خداست و او نیز برای ما شفاعت می کند. جان عزیز می گوید: «فرزندان کوچک من،

اینها را به تو می نویسم تا گناه نکنی. اما اگر کسی گناه کند، نزد پدر وکیلی داریم، عیسی مسیح عادل» (اول یوحنا 2: 1) و سخنان مسیح را فراموش نکنید: "پدر خود شما را دوست دارد" (یوحنا 16:27) او می خواهد شما را با خودش آشتی دهد تا پاکی و قداست خود را در شما منعکس کند. و اگر به او تسلیم شوید، کسی که کار نیکی را در شما آغاز کرده است، آن را تا روز عیسی مسیح پیش خواهد برد. با اشتیاق بیشتر دعا کنید؛ کامل تر باور کن همانطور که اعتماد به نیروی خود را از دست می دهیم، به خود اجازه دهیم به قدرت نجات دهنده خود اعتماد کنیم، بنابراین، او را که سلامت صورت ماست ستایش خواهیم کرد.

«اگر ما خیانت کنیم، او وفادار می ماند. نمی تواند خود را انکار کند.» دوم تیموتائوس 13:2

شنبه

(1) یک مسیحی واقعی چگونه خود را در نظر می‌گیرد؟ اول تیم. 16، 1:15

ج: «این سخنی صادقانه و سزاوار پذیرش همه است که مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکارانی را که من رئیس آنها هستم نجات دهد. اما به این دلیل رحمت یافتم تا در من که اصلی هستم، عیسی مسیح تمام صبر خود را نشان دهد، تا سرمشقی برای کسانی باشد که برای زندگی جاودانی به او ایمان می‌آورند.»

هر چه به عیسی نزدیکتر شوید، در چشمان خود کمبود بیشتری خواهید دید. زیرا دید شما واضح تر خواهد بود و نقص های شما در تضاد گسترده و مشخص با ذات کامل او خواهد بود. این گواه بر این است که فریب های شیطان قدرت خود را از دست داده است. که تأثیر حیات بخش روح خدا شما را بیدار می‌کند.

هیچ عشق ریشه‌ای به عیسی نمی‌تواند در قلبی که گناهکاری خود را درک نمی‌کند، ساکن شود. روحی که با فیض مسیح دگرگون شده است، شخصیت الهی او را تحسین خواهد کرد. اما اگر ما ناهنجاری اخلاقی خود را نبینیم، این شاهدهی غیرقابل انکار است که ما بینشی از زیبایی و تعالی مسیح نداشته ایم.

هر چه کمتر در خود قدردانی کنیم، در خلوص بی‌پایان و دوست داشتنی منجی خود بیشتر قدردانی خواهیم کرد. رؤیایی از گناهکاری ما را به سوی کسی هدایت می‌کند که می‌تواند ببخشد. و هنگامی که روح که به درماندگی خود پی برد، خود را به دنبال مسیح افکند، او خود را با قدرت آشکار خواهد کرد. هر چه احساس نیاز ما را بیشتر به سوی او و کلام خدا سوق دهد، دیدگاه های متعالی تری نسبت به شخصیت او خواهیم داشت و تصویر او را کاملتر منعکس خواهیم کرد.

(2) کسی که در رنج و ناامیدی خود را بر مسیح می‌اندازد چه چیزی دریافت می‌کند؟ مرقس. 26-23:9

الف: «و عیسی به او گفت: اگر بتوانی ایمان بیاوری، همه چیز برای کسی که ایمان دارد ممکن است. و بلافاصله پدر پسر در حالی که گریه می‌کرد گفت: ایمان دارم پروردگارا! به بی‌ایمانی من کمک کن و عیسی چون دید که جمعیت در حال آمدن است، روح ناپاک را سرزنش کرد و به او گفت: «روح لال و کر، به تو دستور می‌دهم: از او بیرون بیا و دیگر در او وارد نشو. و او در حالی که فریاد می‌زد و او را به شدت تکان می‌داد بیرون رفت. و پسر مثل مرده ماند، به طوری که بسیاری گفتند او مرده است. اما عیسی دست او را گرفت و او را بلند کرد و او برخاست.»

درس - 8 رشد در مسیح

متن اصلی: «کتاب گام‌های تا مسیح»، فصل هشتم -الن جی وایت.

آیه طلایی: "من تاک هستم، شما شاخه‌ها، هر که در من بماند و من در او، میوه بسیار می‌دهد، زیرا بدون من کاری نمی‌توانید انجام دهید." یوحنا 15:5

یکشنبه

(1 هدف خدا از کسانی که عیسی را به عنوان نجات دهنده پذیرفتند چیست؟ من تز. 3:4رام 6:22)

ج: «زیرا این خواست خدا، تقدیس شماست». "اما اکنون که از گناه‌های یافته‌اید و بندگان خدا شده‌اید، میوه خود را برای تقدیس و پایان زندگی جاودانی دارید."

تغییر قلبی که به موجب آن فرزندان خدا می‌شویم در کتاب مقدس تولد جدید نامیده می‌شود. باز هم با جوانه زدن بذر خوب کاشته شده توسط کشاورز مقایسه می‌شود. به همین ترتیب، کسانی که به تازگی به مسیح گرویده‌اند، مانند «فرزندان تازه متولد شده»، «بزرگ می‌شوند» (اول پطرس 2:2؛ افس. (4:15) به قد مردان و زنان در مسیح می‌رسند. عیسی. یا مانند بذر خوبی که در مزرعه کاشته می‌شود باید رشد کند و میوه بدهد. اشعیا می‌گوید که آنها را باید "بلوط‌های عدالت نامید که خداوند برای جلال او کاشته است" (اشعیا 61:3) بنابراین، تصاویری از زندگی طبیعی ترسیم می‌شود تا به ما کمک کند تا حقایق اسرارآمیز زندگی معنوی را بهتر درک کنیم.

(2 چه کسی انسان را تقدیس می‌کند و او را به ثمر رساندن برای خدا سوق می‌دهد؟ ایزی. 20:12)

ج: «و من نیز سبتهای خود را به آنها دادم تا علامتی بین من و آنها باشد. تا بدانند که من خداوند هستم که آنها را تقدیس می‌کنم.»

تمام خرد و مهارت انسان نمی‌تواند در کوچکترین شیء طبیعت زندگی ایجاد کند. فقط از طریق زندگی است که خود خدا اعلام کرده است که هم گیاه و هم حیوان می‌توانند زندگی کنند.

بنابراین، تنها از طریق زندگی خداوند است که زندگی معنوی در دل انسان ها ایجاد می شود. تا زمانی که انسان «از بالا زاده شود» (یوحنا، 3:3) نمی تواند در زندگی که مسیح آمده است شریک شود.

همانطور که در زندگی است، در مورد رشد نیز چنین است. این خداست که جوانه را به گل تبدیل می کند و گل را به میوه تبدیل می کند. با قدرت او است که بذر رشد می کند، «اول تیغ، سپس خوشه، و سرانجام دانه کامل در خوشه» (مرقس، 4:28) و هوشع نبی در مورد اسرائیل می گوید که «مثل سوسن شکوفا خواهد شد.» «آنها مانند غلات زنده خواهند شد و مانند تاک شکوفا خواهند شد» (هوس، 7، 5، 14)

دوشنبه

(11) از طریق چه کسی می توانیم رشد معنوی و تقدیس کنیم؟ اول کور. 1:30

الف.: "اما شما در عیسی مسیح از او هستید که به وسیله خدا حکمت و عدالت و تقدیس و فدیة برای ما آفریده شد."

و عیسی ما را دعوت می کند تا «نیلوفرها را در نظر بگیریم که چگونه رشد می کنند» (لوقا، 12:27) گیاهان و گلها نه با مراقبت، اضطراب یا تلاش خود، بلکه با دریافت آنچه خداوند برای تأمین زندگی آنها فراهم کرده رشد می کنند. کودک با هیچ اضطراب یا قدرتی نمی تواند قد خود را افزایش دهد. و دیگر نمی توانید از طریق اضطراب یا تلاش شخصی، رشد معنوی را تضمین کنید. گیاه و

فرزند، با دریافت از آنچه در اطراف خود است رشد کنید. چیزی که زندگی شما را تأمین می کند - هوا، نور خورشید و غذا، این هدایای طبیعت برای حیوانات و گیاهان همان چیزی است که مسیح برای کسانی است که به او اعتماد می کنند. او «نور ابدی»، «خورشید و سپر» آنهاست.

(اشعیا 60:19؛ مزمو 84:11) او مانند شبنم برای اسرائیل خواهد بود. «او مانند بارانی خواهد آمد که بر مزرعه درو شده نازل می شود» (هوس، 14:15؛ مزمو 72:6) او آب زنده است، «نان خدا... که از آسمان نازل می شود و به جهان حیات می بخشد» (یوحنا، 6:33)

در هدیه بی نظیر پسرش، خداوند جهان را با فضایی از فیض واقعی احاطه کرده است که مانند هوایی که در سراسر جهان می چرخد. همه کسانی که این فضای حیات بخش را تنفس می کنند، در مسیح عیسی زندگی خواهند کرد و به قد مردان و زنان خواهند رسید.

همانطور که گل به سمت خورشید می چرخد تا پرتوهای درخشان به کمال زیبایی و تقارن آن کمک کند، ما نیز باید به خورشید عدالت روی آوریم تا نور آسمانی بر ما بتابد تا شخصیت ما به شکلی شبیه شود. از مسیح

عیسی همین را تعلیم می دهد وقتی می گوید: «در من بمانید و من در شما خواهم ماند. همانطور که شاخه از خود نمی تواند میوه دهد، مگر اینکه در تاک بماند، شما نیز نمی توانید، مگر اینکه در من بمانید... بدون من هیچ کاری نمی توانید انجام دهید» (یوحنا، 5) 15:4، شما برای داشتن یک زندگی مقدس به همان اندازه به مسیح وابسته هستید که شاخه روی تنه برای رشد و ثمر دادن هستید. غیر از او زندگی ندارید.

شما قدرتی ندارید که در برابر وسوسه مقاومت کنید یا در فیض و تقدس رشد کنید. با اقامت در او می توانید شکوفا شوید. زندگی خود را از او می گیری، تو

نه پژمرده خواهد شد و نه بی ثمر. شما مانند درختی خواهید بود که در کنار رودخانه های آب کاشته شده است.

(2) آیا می توانیم بدون کمک مسیح زندگی مقدسی داشته باشیم؟ یوحنا. 15:5

پاسخ: "بدون من [عیسی مسیح] هیچ کاری نمی توانید انجام دهید".

بسیاری تصور می کنند که باید برخی از کارها را خودشان انجام دهند. آنها برای آمرزش گناه به مسیح اعتماد کرده اند، اما اکنون با تلاش خود به دنبال زندگی عادلانه هستند. اما هر تلاشی با این ماهیت شکست خواهد خورد. عیسی گفت: جز من هیچ کاری نمی توانید انجام دهید. رشد ما در فیض، شادی ما، سودمندی ما، همه به اتحاد ما با مسیح بستگی دارد. از طریق ارتباط با او، روزانه، ساعتی، - با اقامت در او - است که ما باید در فیض رشد کنیم. او نه تنها نویسنده، بلکه تکمیل کننده ایمان ماست. مسیح اول، آخر و همیشه است.

او نه تنها در ابتدا و انتهای مسیر، بلکه در هر قدم باید همراه ما باشد. داوود می گوید: «ای خداوند، من او را همیشه پیش روی خود دارم. همانطور که او در دست راست من ایستاده است، من تکان نخواهم خورد» (مزمو. 16:8)

سهشنبه

(1) چگونه در مسیح باقی میمانیم؟ رام. 1:17

پاسخ: «عادل با ایمان زندگی می کند».

شما می پرسید، "چگونه در مسیح خواهیم ماند؟" - همان طور که در ابتدا او را پذیرفتید. "اکنون همانطور که مسیح عیسی خداوند را پذیرفته اید، در او سیر کنید." «عادلان به ایمان زندگی خواهند کرد» (کولسیان 2:6؛ عبرانیان 10:38) شما خود را به خدا سپردید تا کاملاً او باشید، تا از او خدمت کنید و از او اطاعت کنید، و مسیح را به عنوان نجات دهنده خود گرفتید. شما نمی توانید به تنهایی کفاره گناهان خود را بپردازید یا قلب خود را تغییر دهید. اما با سپردن خود به خدا، ایمان آوردی که او به خاطر مسیح همه این کارها را برای تو انجام داد. با ایمان مسیح شدی و با ایمان باید در او رشد کنی.

دادن و گرفتن شما باید همه چیزتان را - قلبتان، ارادهتان، خدمتتان - را به او بسپارید تا از تمام نیازهای او پیروی کنید. و شما همه چیز را دریافت خواهید کرد - مسیح، پری همه برکات، تا در قلب شما بماند، قوت، عدالت شما، یاور ابدی شما باشد - تا به شما قدرت اطاعت بدهد.

(2) چگونه با خدا همکاری کنیم تا در مسیح بمانیم؟ ص. 37:5

پاسخ: راه خود را به خداوند بسپارید، بر او توکل کنید و او آن را انجام خواهد داد.

صبح خود را وقف خدا کن. این را اولین فعالیت خود کنید بگذارید دعای شما این باشد: «خداوند مرا بگیر تا کاملاً مال تو باشم. من تمام نقشه هایم را زیر پای تو می گذارم، امروز مرا در خدمتت به کار گیر. با من بمان و تمام کارهایم را در خودت بساز.» این یک مسئله روزمره است. هر روز صبح خود را برای آن روز به خدا تقدیم کنید. تمام نقشه های خود را به او بسپارید تا آنطور که مشیت او نشان می دهد اجرا شود یا رها شود. پس تو

شما می توانید زندگی خود را روز به روز به دستان خدا بسپارید و زندگی شما بیشتر و بیشتر شبیه زندگی مسیح خواهد شد.

چهار شنبه

«بیا بیاید نزد من، ای همه زحمتکشان و گران بارها، و من به شما آرامش خواهم داد. یوغ مرا بر خود بگیرید و از من بیاموزید، زیرا من نرم و فروتن هستم. و برای روح خود آرامش خواهید یافت. زیرا یوغ من آسان و بار من سبک است.»

متی، 11:28-30

زندگی در مسیح زندگی آرام است. ممکن است خلسه از احساس وجود نداشته باشد، اما باید یک اعتماد پایدار و صبور وجود داشته باشد. امید شما به خودتان نیست؛ او در مسیح است. ضعف شما با قدرت او، نادانی شما با خرد او، ضعف شما با نیروی پایدار او متحد شده است. بنابراین نباید به خود نگاه کنید، نباید ذهن را بر خود متمرکز کنید، بلکه به مسیح نگاه کنید. ذهن را معطوف عشق او، به زیبایی، کمال او کن

شخصیت. مسیح در انکار خود، مسیح در تحقیر خود، مسیح در خلوص و قدوسیت خود، مسیح در عشق بی همتای خود، - این موضوع برای تفکر روح است. با دوست داشتن او، کپی برداری از او، کاملا وابسته به او است که باید به شباهت او تبدیل شوید.

عیسی می گوید: در من بمان. این کلمات ایده استراحت، ثبات، اعتماد به نفس را منتقل می کند. او دوباره دعوت می کند: "بیا پیش من... و من به شما آرامش خواهم داد." (متی، 11:28، 29) کلمات مزمورنویس بیانگر همین فکر است: "در خداوند آرام بگیرید و برای او صبر کنید." و اشعیا یقین می دهد: "در آرامش و اطمینان قوت تو خواهد بود" (مزمور 37:7؛ اشعایی 30:15) این استراحت در عدم فعالیت یافت نمی شود. زیرا در دعوت منجی، وعده استراحت با دعوت به کار یکی شده است: "یوغ مرا بر خود بگیرید... و آرامش خواهید یافت."

(متی، 11:29) قلبی که به طور کامل در مسیح آرام می گیرد، فداکارترین و فعال ترین قلب در کار برای او خواهد بود.

(1) افکار ما باید روی چه کسی متمرکز شود تا در زندگی مسیحی رشد کنیم؟ عبری 3، 2:12

ج: «به عیسی بنگریم، مؤلف و پایان دهنده ایمان، که برای شادی پیش روی او، صلیب را تحمل کرد، شرم را تحقیر کرد و در سمت راست تخت خدا نشست. پس او را در نظر بگیرید که چنین تضادهای گناهکاران را علیه خودش تحمل کرد تا شما ضعیف و بیهوش نشوید.»

هنگامی که ذهن بر خود متمرکز می شود، از مسیح، منبع قدرت و زندگی، منحرف می شود. به همین دلیل، تلاش دائمی شیطان برای منحرف ساختن توجه از منجی، و در نتیجه جلوگیری از اتحاد و ارتباط روح با مسیح است. او سعی می کند ذهن را به یک یا همه این نکات معطوف کند: لذت های دنیا، دغدغه های زندگی، گنجی ها و غم ها، عیب های دیگران، یا عیب ها و نقص های خودمان.

فریب نیرنگ های آنها را نخورید. او اغلب رهبر بسیاری از کسانی است که هستند

واقعاً با وجدان، و مایل به زندگی برای خدا، تمرکز بر عیوب و ضعف های خود، و در نتیجه امید به کسب پیروزی با جدا کردن آنها از مسیح است. نباید خود را مرکز قرار دهیم و نگرانی و ترس از اینکه نجات خواهیم یافت یا نه.

همه اینها روح را از منبع قدرت ما منحرف می کند. حضانت روح را به خدا بسیار و به او توکل کن. درباره عیسی صحبت کنید و در مورد او فکر کنید. بگذار خود در او گم شود. تمام شک و تردید را رها کنید؛ ترس های خود را رد کنید مانند پولس رسول بگویید: «دیگر من نیستم که زندگی می کنم، بلکه مسیح در من زندگی می کند. و این زندگی را که اکنون در جسم زندگی می کنم، با ایمان به پسر خدا زندگی می کنم که مرا محبت کرد و خود را برای من داد» (غل).

(2:20) خدا استراحت بده او قادر است آنچه را که به او بخشیده ای حفظ کند، اگر خود را به دست او بسپاری، به واسطه ی کسی که تو را دوست داشته است، تو را بیش از یک فاتح قرار می دهد.

پنج شبه

«پس همانطور که عیسی مسیح خداوند را پذیرفتید، در او راه بروید، در او ریشه دار و بنا شده و در ایمان استوار باشید، همانطور که به شما تعلیم داده شد و در آن با شکرگزاری فراوان شوید. مواظب باش که کسی تو را با فلسفه و نیرنگ بیهوده، طبق سنت انسانها، طبق اصول جهان، و نه بر اساس مسیح، طعمه بگیرد.» کولسیان 2: 6-8

هنگامی که مسیح ماهیت انسانی را بر خود گرفت، بشریت را با پیوندی از عشق به خود پیوند داد که هرگز با هیچ قدرتی به جز انتخاب خود انسان نمی تواند گسسته شود. شیطان دائماً اغوا می کند تا ما را فریب دهد

این پیوند را بشکنید - انتخاب کنید که خود را از مسیح جدا کنیم. اینجاست که باید تماشا کنیم، بجنگیم، دعا کنیم، تا هیچ چیز نتواند ما را وسوسه کند که پروردگار دیگری را انتخاب کنیم. زیرا ما همیشه در انجام این کار آزادیم. اما بیایید چشمانمان را به مسیح دوخته باشیم و او ما را حفظ خواهد کرد. با نگاه به عیسی، ما در امان هستیم. هیچ چیز نمی تواند ما را از دست او بیرون کند. با مشاهده دائم او، ما "از جلال به جلال به شکل خود او تبدیل می شویم، همانطور که توسط خداوند روح" (اول قرنتیان 3:18)

این گونه بود که شاگردان نخستین به منجی عزیز شباهت پیدا کردند. وقتی آن شاگردان سخنان عیسی را شنیدند، نیاز خود را به او احساس کردند. او را جستجو کردند، او را یافتند، او را دنبال کردند. آنها در خانه، سر میز، در اتاق، در مزرعه با او بودند. آنها به عنوان شاگرد با معلمی همراه او رفتند و هر روز از زبان او درس های حقیقت مقدس را دریافت کردند. آنها به عنوان بندگان ارباب خود به او نگاه کردند تا وظیفه خود را بیاموزند. آن شاگردان مردانی بودند که «آنگونه که ما هستیم تابع احساسات بودند» (یعقوش 5:17). آنها همان نبرد با گناه را برای مبارزه داشتند. آنها برای زندگی مقدس به همین لطف نیاز داشتند.

حتی جان، شاگرد محبوب، کسی که شباهت منجی را به طور کامل منعکس می کرد، طبعاً از آن صفت دوست داشتنی برخوردار نبود. او نه تنها بیهوده و جاه طلب بود، بلکه در هنگام آزرده شدن نیز تندخو و کینه توز بود. اما به محض اینکه شخصیت خداوند بر او تجلی یافت، نقص خود را دید و در برابر این معرفت فروتن شد. قدرت و صبر، قدرت و لطافت، عظمت و فروتنی که او در زندگی روزمره پسر خدا مشاهده کرد،

روحش را پر از تحسین و عشق کرد. روز به روز قلب او به سمت مسیح معطوف شد، تا اینکه در عشق به استادش، خود را از دست داد. خلق و خوی جاه طلب و کینه توز او با قدرت شکل دهی مسیح تسلیم شد. تأثیر بازآفرینی روح القدس قلب او را تازه کرد. قدرت عشق مسیح باعث دگرگونی شخصیت شد. این نتیجه قطعی اتحاد با عیسی است. وقتی مسیح در قلب ساکن می شود، تمام طبیعت دگرگون می شود. روح مسیح، عشق او، قلب را نرم می کند، روح را تسخیر می کند، و افکار و خواسته ها را به سوی خدا و بهشت بالا می برد.

جمعه

(1) چگونه رسولان مسیح در پنطیکاست تقدیس شدند و روح القدس را دریافت کردند؟ اعمال 14، 13:1

ج: «و چون وارد شدند، به بالاخانه رفتند، جایی که پطرس و یعقوب، یوحنا و اندریاس، فیلیپ و توماس، بارتولمیوس و متی، یعقوب پسر آلفائوس، شمعون غیور و یهوذا برادر جیمز همه اینها با زنان و مریم مادر عیسی و برادرانش یکدل در دعا و نیایش استقامت کردند.»

هنگامی که مسیح به آسمان عروج کرد، حس حضور او هنوز در میان پیروانش بود. حضوری شخصی بود پر از عشق و نور. عیسی نجات دهنده که با آنها راه می رفت، صحبت می کرد و دعا می کرد، که امید و آرامش را در دل های آنها برانگیخت، در حالی که پیام صلح هنوز بر لبانش بود، به آسمان رفته بود و آهنگ های صدای او می آمد. دوباره به آنها، به محض اینکه ابرهای فرشتگان او را پذیرفتند: "و اینک، من همیشه با شما هستم، حتی تا آخر زمان."

(متی 28:20) او در قالب انسانیت به آسمان عروج کرده بود. آنها می دانستند که او در برابر تخت خداست و هنوز دوست و نجات دهنده آنهاست. که همدردی او تغییر نکرده است. که او هنوز با انسانیت رنج دیده شناخته می شد. او شایستگی خون گرانهای خود را به خداوند تقدیم می کرد و دست و پای زخمی خود را به یاد بهایی که برای نجات یافتگانش پرداخت کرد، نشان می داد. آنها می دانستند که او به آسمان عروج کرده است تا مکان هایی را برای آنها آماده کند و دوباره خواهد آمد و آنها را نزد خود خواهد برد.

به محض ملاقات، پس از معراج، مشتاق بودند تا درخواست های خود را به نام عیسی به پدر ارائه دهند. آنها با ترس شدید در نماز سجده کردند و این اطمینان را تکرار کردند: «اگر چیزی از پدر بخواهید، به نام من به شما خواهد داد. تا به حال چیزی به نام من نپرسیده ای. بخواهید و دریافت خواهید کرد تا شادی شما کامل شود» (یوحنا 16:23، 24) آنها با این استدلال قوی دست ایمان را بالاتر و بالاتر دراز کردند: "این مسیح عیسی است که مرد، یا بهتر است بگوییم زنده شد، که در دست راست خداست و همچنین برای ما شفاعت می کند" (روم 8: 34) و پنطیکاست حضور تسلی دهنده را که مسیح در مورد او گفته بود «در شما خواهد بود» برایشان آورد.

و بعداً گفته بود: «بهتر است که من بروم، زیرا اگر نروم، تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم، او را نزد شما خواهم فرستاد» (یوحنا 14:17؛ 16:7) پس، مسیح از طریق روح، پیوسته در قلب فرزندان خود ساکن خواهد شد. پیوند آنها با او نزدیکتر از زمانی بود که او شخصاً با آنها بود. نور، عشق و قدرت ساکن شدن مسیح درخشید

از آنها، و بنابراین، آن مردان، در حال تفکر، «تعجب کردند. و فهمیدند که با عیسی بوده اند.» (اعمال رسولان. 4:13)

شنبه

(1 آیا عیسی می تواند ما را امروز تقدیس کند همانطور که در گذشته رسولان خود را تقدیس کرد؟ عبری. 8:13)

پاسخ: «عیسی مسیح دیروز، امروز و برای همیشه یکسان است.»

تمام آنچه مسیح برای شاگردان اول بود، امروز می خواهد برای فرزندانش باشد. زیرا در آخرین دعا، هنگامی که گروه کوچکی از شاگردان دور او جمع شدند، او گفت: "من فقط برای اینها نیستم، بلکه برای کسانی که به واسطه کلام آنها به من ایمان دارند نیز دعا می کنم" (یوحنا. 17:20)

عیسی برای ما دعا کرد و از ما خواست که با او یکی باشیم، همانطور که او یکی است با پدر این چه اتحاد است! نجات دهنده در مورد خود گفت: "پسر هیچ کاری از خود نمی تواند انجام دهد." «پدری که در من می ماند، اعمال خود را انجام می دهد» (یوحنا. 14:10; 5:19)

بنابراین، اگر مسیح در قلب ما ساکن است، او در ما کار خواهد کرد "هم برای اراده و هم برای انجام رضایت او" (فیلیسیان 2:13) ما همانطور که او کار کرد کار خواهیم کرد. ما همان روحیه را نشان خواهیم داد. و بنابراین، او را دوست داشته باشیم و در او بمانیم، "در همه چیز به او که سر است، مسیح، بزرگ خواهیم شد" (افس. 4:15)

درس - 9 کار و زندگی

متن اصلی: «کتاب گام‌هایی به مسیح»، فصل - 9الن جی وایت.

آیه طلایی: «و او به آنها گفت: به تمام جهان بروید و به هر موجودی انجیل دهید.»

مارکوس 16:15

یکشنبه

(1 عیسی گفت، چه اتفاقی در زندگی کسانی که به او ایمان آوردند، خواهد افتاد؟ یوحنا 39، 7:38)

"کسی که به من ایمان آورد... نهرهایی از آب زنده از شکمش جاری خواهد شد. و این را از روح گفت که کسانی که به او ایمان آوردند دریافت خواهند کرد."

خداوند منبع حیات، نور و شادی در جهان است. مانند پرتوهای نور خورشید، مانند نهرهای آبی که از چشمه‌ای زنده می‌ترکد، برکات از سوی او بر همه مخلوقاتش جاری می‌شود. و جان خدا هر جا در دل آدمیان باشد در محبت و برکت به سوی دیگران جاری خواهد شد.

شادی ناچی ما در نشاط و رستگاری مردان سقوط کرده بود. از این رو او جان گرانهای خود را برای خود حساب نکرد، بلکه صلیب را تحمل کرد و شرم را نادیده گرفت. به همین ترتیب، فرشتگان همیشه متعهد هستند که برای خوشبختی دیگران تلاش کنند. این شادی شماست. کاری که دل‌های سرافراز آن را خدمت خوارکننده و خدمت به بدبختان و به تمام معنا از نظر شخصیت و مقام پست می‌داند، کار فرشتگان بی گناه است. روح عشق فداکارانه مسیح روحی است که در بهشت نفوذ می‌کند و جوهره شادی‌های آن است.

این روحیه است که پیروان مسیح خواهند داشت، کاری که انجام خواهند داد.

هنگامی که عشق مسیح در دل تنیده می‌شود، مانند عطری شیرین، نمی‌توان آن را پنهان کرد. تأثیر مقدس او را همه کسانی که با آنها در تماس هستیم احساس خواهند کرد. روح مسیح در دل مانند چشمه‌ای در بیابان است که برای تازه کردن همه چیز بیرون می‌ریزد و کسانی که آماده هلاکت هستند می‌توانند با حرص از آب زندگی بنوشند.

عشق به عیسی در میل به کار همانطور که او کار می‌کرد، برای برکت و اعتلای بشریت آشکار خواهد شد. او عشق، مهربانی، همدردی و مراقبت از پدر آسمانی ما را برای همه مخلوقات به ارمغان خواهد آورد.

دوشنبه

زندگی منجی بر روی زمین زندگی آسان و فداکاری برای خودش نبود. او با تلاش پیگیر، فداکار و خستگی ناپذیر برای نجات بشریت از دست رفته تلاش کرد. از آخور تا جلگه راه انکار نفس را در پیش گرفت و سعی کرد از کارهای طاقت فرسا، سفرهای طاقت فرسا و مراقبت و زحمت طاقت فرسا رها نشود. او گفت: «پسر انسان نیامد تا او را خدمت کنند، بلکه نیامد تا خدمت کند و جان خود را برای بسیاری فديه دهد» (متی 20:28). این تنها هدف و هدف بزرگ زندگی او بود. هر چیز دیگری فرعی بود و اهمیت کمتری داشت. این غذا و نوشیدنی او بود که اراده خدا را انجام دهد و کار او را تمام کند. خود و منفعت شخصی در کار او نقشی نداشت.

(1) اراده پولس چه بود؟ دوم قرن تیان 12:15

"من با کمال میل خرج خواهم کرد و به خودم اجازه می دهم برای روح شما خرج شوم، حتی اگر با دوست داشتن بیشتر و بیشتر، کمتر مورد محبت قرار بگیرم."

بنابراین، کسانی که در فیض مسیح شریک هستند، آماده هر گونه قربانی خواهند بود، تا دیگری که او به خاطر آنها مرد، در هدیه آسمانی شریک باشند. آنها هر کاری که می توانند انجام خواهند داد تا دنیا را برای حضور در آن بهتر کنند. این روح نتیجه مطمئن یک روح واقعاً تبدیل شده است. به محض اینکه کسی نزد مسیح می آید، میل در دل او ایجاد می شود که دوست گرانمایی را که در عیسی یافته است به دیگران بشناساند. حقیقت نجات دهنده و تقدیس کننده نمی تواند در قلب شما ساکت باشد. اگر ما لباس عدالت مسیح را بپوشیم و از شادی روح او در درون پر شویم، نمی توانیم ساکت بمانیم. اگر چشیده باشیم و ببینیم که پروردگار خوب است، حرفی برای گفتن داریم. مانند فیلیپ که با ناجی روبرو شد، ما دیگران را به حضور او دعوت خواهیم کرد. ما به دنبال ارائه جاذبه های مسیح و واقعیت های غیبی جهان آینده به آنها خواهیم بود. میل شدیدی برای پیمودن راهی که عیسی طی کرد وجود خواهد داشت. یک اشتیاق اختصاصی برای اطرافیان ما وجود خواهد داشت که «بره خدا را که گناه جهان را برمی دارد» ببینند.

و تلاش برای برکت دادن به دیگران برکتی را برای خود ما به همراه خواهد داشت. این هدف خدا از دادن نقشی به ما در طرح رستگاری بود. او به انسان ها این امتیاز را داد که در طبیعت الهی شریک شوند و در عوض به هموعان خود برکت دهند. این بالاترین افتخار، بزرگترین لذتی است که ممکن است خداوند نصیب انسان کند. کسانی که بدین ترتیب در کارهای عشق شرکت می کنند به خالق خود نزدیکتر می شوند.

سهشنبه

(1) خدا کار موعظه انجیل را به چه کسی سپرد؟ اول قرن تیان 3:9

"زیرا ما با خدا کارگر هستیم، شما دامپروری خدا و بنای خدا هستید."

خدا می توانست پیام انجیل و تمام کار خدمت به عشق را به فرشتگان آسمانی واگذار کند. او می توانست از ابزارهای دیگری برای به انجام رساندن هدف خود استفاده کند. اما در عشق بی پایان خود، او تصمیم گرفت که ما را با او، با مسیح و فرشتگان همکار کند تا بتوانیم برکت، شادی، اعتلای معنوی را که حاصل این خدمت فداکارانه است، شریک شویم.

ما از طریق مشارکت در مصائب او با مسیح همدردی می‌شویم. هر فداکاری برای خیر و صلاح دیگران روحیه خیرخواهی را تقویت می‌کند در قلب بخشنده، او را بیشتر با نجات دهنده جهان متحد می‌کند، که «ثروتمند بود، اما به خاطر ما فقیر شد تا از طریق فقر او ما ثروتمند شویم.» و تنها زمانی است که ما هدف الهی را در خلقت خود محقق کنیم، زندگی می‌تواند برای ما برکت باشد.

چهارشنبه

(1) خداوند برای چه هدفی به هر فرد هدایایی و مسئولیت کار برای نجات دیگران داده است؟ افه. 4:11-13

«و خود عده‌ای را به رسولان و برخی نبی‌ها و برخی مبلّغان و برخی شبان‌ها و معلمان داد، که می‌خواهند قدیسان را برای کار خدمت، برای تعالی بدن مسیح کامل کنند تا همه ببایم. به وحدت ایمان و معرفت پسر خدا، یک انسان کامل، به اندازه قامت کامل مسیح.»

اگر همانطور که مسیح شاگردانش را تعیین می‌کند کار کنید و روح‌ها را به سوی او جلب کنید، نیاز به تجربه عمیق تر و دانش بیشتر در امور الهی را احساس خواهید کرد و گرسنه و تشنه عدالت خواهید بود. با خدا دعا خواهی کرد و ایمانت تقویت خواهد شد و روح از چاه نجات آبهای عمیق تری خواهد نوشید. مواجهه با مخالفت‌ها و مبارزات شما را به کتاب مقدس و دعا می‌رساند. شما در فیض و دانش مسیح رشد خواهید کرد و تجربه ای غنی خواهید داشت.

روحیه کار فداکارانه برای دیگران به شخصیت عمق، ثبات و زیبایی مسیحی می‌بخشد و برای صاحب آن آرامش و شادی به ارمغان می‌آورد. آرزوها بالاست جایی برای تنبلی و خودخواهی نیست. کسانی که به این ترتیب فیض‌های مسیحی را اعمال می‌کنند رشد خواهند کرد و برای کار برای خدا قوی خواهند شد. آنها بینش معنوی روشن، ایمان محکم و رو به رشد و قدرت فزاینده ای در دعا خواهند داشت. روح خدا که بر روح شما حرکت می‌کند، هماهنگی‌های مقدس روح را در پاسخ به لمس الهی بیدار می‌کند. کسانی که به این ترتیب خود را وقف تلاش فداکارانه برای خیر و صلاح دیگران می‌کنند، مطمئناً برای نجات خود تلاش می‌کنند.

پنجشنبه

(1) چگونه برای نفع و رستگاری خود با خدا همکاری می‌کنیم؟ اول تیم. 4:13، 16.

"به خواندن، نصیحت و تعلیم ادامه دهید... مواظب خود و تعلیم باشید؛ در این چیزها استقامت کنید، زیرا با انجام این کار هم خود و هم کسانی که شما را می‌شنوند نجات خواهید داد."

تنها راه رشد فیض این است که بی‌علاقه همان کاری را انجام دهیم که مسیح بر عهده ما گذاشته است، -به اندازه توانایی‌هایمان، خودمان را مشغول کمک و برکت دادن به کسانی کنیم که به کمکی که می‌توانیم به آنها بدهیم. قدرت از طریق ورزش به دست می‌آید. فعالیت شرط اصلی زندگی است. کسانی که به دنبال حفظ زندگی مسیحی با پذیرش منفعلانه برکاتی هستند که از طریق فیض حاصل می‌شود، بدون اینکه کاری برای مسیح انجام دهند، صرفاً سعی می‌کنند زندگی کنند.

برای غذا خوردن بدون کار کردن و در عالم روحانی، مانند عالم طبیعت، این امر همواره به انحطاط و زوال منجر می‌شود. مردی که از ورزش کردن اندام‌های خود امتناع می‌کند، به زودی تمام قدرت استفاده از آنها را از دست می‌داد. بنابراین، مسیحی که عطایای خدا را به کار نمی‌گیرد، نه تنها در مسیح رشد نمی‌کند، بلکه قدرتی را که از قبل داشت از دست می‌دهد. کلیسای مسیح عاملی است که خدا برای نجات انسان تعیین کرده است. مأموریت آن رساندن انجیل به جهان است. و این تعهد بر عهده همه مسیحیان است. هر کدام به اندازه استعدادها و فرصت‌های خود باید مأموریت منجی را انجام دهند. محبت مسیح که در ما آشکار شد، ما را به همه کسانی که او را نمی‌شناسند بدهکار می‌کند. خدا به ما نور داده است، نه تنها برای خودمان، بلکه برای فرو ریختن بر آنها.

جمعه

(1) وظیفه اعضای کلیسای واقعی مسیح چیست؟ مارکس 16:15

"به تمام جهان بروید، انجیل را به هر موجودی موعظه کنید."

اگر پیروان مسیح برای انجام وظیفه بیدار بودند، هزاران نفر در جایی که امروز وجود دارند، وجود داشتند که انجیل را در سرزمین‌های بت پرست اعلام می‌کنند. و هر کس نمی‌تواند شخصاً در کار مشارکت داشته باشد باید با امکانات خود و همدردی و دعای خود از آن حمایت کند. و باید در کشورهای مسیحی کار اختصاصی تری برای ارواح وجود داشته باشد.

(2) کجا می‌توانیم برای مسیح کار کنیم؟ اول قرن‌تینان 7:20

«هر کس در حالتی که در آن خوانده شد باقی بماند».

ما لازم نیست به سرزمین‌های بت پرست برویم، یا حتی دایره باریک خانه را ترک کنیم، اگر مسئولیت ما در آنجاست. برای کار برای مسیح. ما می‌توانیم این کار را در حلقه خانواده، در کلیسا، در میان کسانی که با آنها معاشرت داریم و با آنها تجارت می‌کنیم انجام دهیم.

بخش اعظم زندگی ناجی ما بر روی زمین در کار صبورانه در مغازه نجاری در ناصره سپری شد. فرشتگان خدمتگزار هنگامی که خداوند زندگی را در کنار دهقانان و کارگران راه می‌رفت، بدون اینکه شناخته شود و مورد احترام قرار گیرد، تماشا کردند. او در حین کار در پیشه‌ی حقیرانه‌ی خود به همان اندازه که بیماران را شفا می‌داد یا بر امواج طوفانی جلیل راه می‌رفت، مأموریت خود را صادقانه انجام می‌داد. بنابراین، در پست‌ترین وظایف و پست‌ترین موقعیت‌های زندگی، می‌توانیم برای عیسی راه برویم و کار کنیم.

رسول می‌گوید: "هر کس در برابر خدا در آنچه خوانده شده است بایستد" (اول قرن‌تینان 7:24) تاجر می‌تواند تجارت خود را به گونه‌ای انجام دهد که می‌خواهد

مولایش را به خاطر وفاداری او ستایش کن. اگر او پیرو واقعی مسیح باشد، دین خود را در تمام کارهایی که انجام می‌شود خواهد برد و روح مسیح را برای مردم آشکار خواهد کرد. مکانیک ممکن است نماینده کوشا و وفادار او باشد که در مسیرهای فروتنانه زندگی در میان کوه های جلیل تلاش کرد. هرکسی که نام مسیح را می‌برد، باید تلاش کند تا دیگران، با دیدن کارهای نیک آنها، به جلال خالق و نجات دهنده خود هدایت شوند.

شنبه

(1) چند نفر از اعضای کلیسا باید برای عیسی و کسانی که او را نمی شناسند کاری انجام دهند؟ اول قرنتیان 12:17-22

"اگر تمام بدن چشم بود، شنوایی کجا بود؟ اگر تمام شنوایی بود، حس بویایی کجا بود؟ اما اکنون خداوند اعضا را در بدن قرار داده است، هر یک از آنها را به میل خود. و اگر بودند. همه یک عضو، بدن کجاست؟ حالا اعضا بسیارند، اما یک بدن. و چشم نمی تواند به دست بگوید: من به تو نیازی ندارم، و نه به سر و نه پاها بگوید: من به شما نیازی ندارم. اما اعضای بدن که ضعیف‌ترین ظاهر می‌شوند ضروری هستند.»

بسیاری خود را از تسلیم هدایای خود به خدمت مسیح معذور کرده اند، زیرا دیگران از هدایا و مزایای برتر برخوردار بودند. این عقیده غالب شده است که فقط کسانی که استعداد خاصی دارند باید توانایی های خود را وقف خدمت به خدا کنند. برای بسیاری درک شده است که استعدادها فقط به یک طبقه مطلوب داده می شود، به استثنای دیگرانی که آشکارا برای سهم شدن در کارها یا پاداش ها فراخوانده نشده اند.

اما این در تمثیل به این شکل نشان داده نشده است. هنگامی که صاحب خانه خادمان خود را فراخواند، به هر یک از افراد کار خود را داد.

با روحیه عشق، ما باید وظایف فروتنانه زندگی را «مثل خداوند» انجام دهیم (کولسیان 3:23) اگر محبت خدا در دل باشد در زندگی متجلی می شود. عطر شیرین مسیح ما را احاطه خواهد کرد و تأثیر ما را نشاط و برکت خواهد داد.

قبل از رفتن به کار برای خدا نباید منتظر اتفاقات بزرگ باشید یا منتظر توانایی های خارق العاده باشید. نیازی نیست به این فکر کنید که دنیا در مورد شما چه فکری خواهد کرد. اگر زندگی روزمره شما گواه پاکي و خلوص ایمان شما باشد و دیگران متقاعد شوند که می خواهید به آنها سود ببرید، زحمات شما به طور کامل هدر نمی رود.

فروتن ترین و فقیرترین شاگردان عیسی می تواند برای دیگران برکت باشد. آنها ممکن است متوجه نشوند که کار خیر خاصی انجام می دهند، اما با تأثیر ناخودآگاه خود ممکن است امواجی از نعمت را آغاز کنند که گسترده و عمیق تر می شود و از نتایج مبارک هرگز تا روز پاداش نهایی ندانند. آنها احساس نمی کنند یا نمی دانند که دارند کار بزرگی انجام می دهند.

آنها فراخوانده نشده اند که خود را با اضطراب موفقیت خسته کنند. آنها فقط باید با آرامش به جلو بروند و با وفاداری کارهایی را که مشیت الهی تعیین کرده است انجام دهند و زندگی آنها بیهوده نخواهد بود. روح آنها بیشتر و بیشتر به شکل مسیح رشد خواهد کرد. آنها در این زندگی با خدا همکاری می کنند و از این رو خود را برای کار بزرگتر و لذت واقعی زندگی آینده آماده می کنند.

درس - 10 معرفت خدا

متن پایه: «کتاب گام‌های تا مسیح»، فصل - 10الن جی وایت.

آیه طلایی: "و این است حیات جاودانی تا تو را تنها خدای حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند." یوحنا 17:3

یکشنبه

(1 چگونه خدا در مورد عشق و جلال خود با حواس ما صحبت می کند؟ صمیر 3:1-19، رام 20، 1:19)

«آسمان ها جلال خدا را آشکار می کنند و فلک کار دست های او را اعلام می کند. یک روز به روز دیگر بیان می کند و یک شب به شب دیگر حکمت را نشان می دهد. بدون زبان، بدون گفتار، صدایشان شنیده می شود؛ «زیرا آنچه را که از خدا می توان شناخت، در آنها متجلی می شود، زیرا خداوند آن را برایشان آشکار کرده است. زیرا چیزهای نامرئی او از آفرینش جهان، هم قدرت ابدی و هم الوهیت او، با چیزهایی که آفریده شده است درک می شوند و به وضوح دیده می شوند.»

راههای بسیاری وجود دارد که خداوند در پی آن است تا خود را به ما بشناساند و ما را با خود در ارتباط قرار دهد. طبیعت بدون توقف با حواس ما صحبت می کند. O

قلب باز تحت تأثیر عشق و جلال خدا قرار خواهد گرفت که از طریق کارهای دستان او آشکار شده است. گوش توجه می تواند ارتباطات خدا را از طریق چیزهای طبیعت بشنود و درک کند. مزارع سرسبز، درختان سر به فلک کشیده، غنچه ها و گل ها، ابری که می گذرد، باران می بارد، نهر خروشان و شکوه های آسمان، با قلب ما سخن می گوید و ما را دعوت می کند تا با کسی که همه آنها را آفریده آشنا شویم. . .

نجات دهنده ما درس های ارزشمند خود را با چیزهای طبیعت پیوند داد. درختان، پرندگان، گل‌های دره‌ها، تپه‌ها، دریاچه‌ها و آسمان‌های زیبا، و نیز حوادث و محیط زندگی روزمره، همگی با سخنان حقیقت پیوند خورده بودند، تا درس‌های او بدین‌گونه باشد. حتی در میان مشغله های زندگی کاری انسان، بارها به یادگار مانده است.

دوشنبه

خدا مایل است فرزندانش از کارهای او قدردانی کنند و از زیبایی ساده و آرامی که او خانه زمینی ما را با آن زینت داده است، لذت ببرند. او عاشق زیبایی است و بیش از هر چیزی که در ظاهر جذاب است، زیبایی شخصیت را دوست دارد. او از ما می‌خواهد که خلوص و سادگی، لطف آرام‌گله‌ها را پرورش دهیم.

(1) مزمورنویس پس از تعمق در آثار آفریده خدا چه گفت؟ ص. 31، 28، 27، 104:24

«خداوند، چقدر اعمال متنوع است، همه چیز را با حکمت آفریدی، زمین پر از ثروت توست... همه منتظر تو هستند تا در وقت خود به آنها روزی بدهی، با دادن آن، آن را جمع می‌کنند. دست خود را باز می‌کنی و آنها از چیزهای خوب پر می‌شوند... جلال خداوند تا ابدالابد! خداوند از اعمال او شادی کند!».

اگر دقت بیشتری داشته باشیم، آثار آفریده خداوند به ما درس‌های گرانبهائی از اطاعت و حقیقت خواهد آموخت. از ستارگانی که در سفر نامرئی خود در فضا، قرن به قرن مسیر تعیین شده برای آنها را دنبال می‌کنند، تا کوچکترین اتم، چیزهای طبیعت مطیع اراده خالق هستند. و خداوند بر هر چیزی ناظر است و هر چه را که آفریده است حفظ می‌کند. کسی که جهان‌های بی‌شمار را از طریق بیکران حفظ می‌کند، در عین حال مراقب نیازهای گنجشک قهوه‌ای کوچکی است که ملودی فروتنانه خود را بدون ترس می‌خواند. هنگامی که مردان به کار روزانه خود می‌روند، و همچنین هنگامی که خود را به نماز می‌سپردند؛ شب هنگام به رختخواب رفتن و صبح هنگام بیدار شدن؛ وقتی مرد ثروتمند در قصر خود عید می‌گیرد یا وقتی مرد فقیر فرزندان خود را دور سفره ناچیز جمع می‌کند، پدر آسمانی هر کدام را با مهربانی مورد توجه قرار می‌دهد. هیچ اشکی نمی‌ریزد مگر اینکه خدا متوجه آن باشد. هیچ لبخندی وجود ندارد که او متوجه نشود.

اگر فقط این را باور کنیم، تمام اضطراب‌های بی‌مورد رها می‌شود. زندگی ما مثل الان پر از ناامیدی نخواهد بود. زیرا همه چیز، چه بزرگ و چه کوچک، به دست خداوندی سپرده می‌شود که از کثرت عنایت شرمنده نیست و سنگینی آن را بر دوش نمی‌کشد. پس باید از آرامش روحی لذت ببریم که خیلی‌ها مدت‌ها با آن غریبه بوده‌اند.

در حالی که حواس شما از زیبایی‌های جذاب زمین لذت می‌برد، به دنیا فکر کنید که قرار است بیاید، که هرگز لکه‌گناه و مرگ را نخواهد شناخت. جایی که سطح طبیعت دیگر سایه نفرین را نخواهد پوشید. اجازه دهید تخیل شما خانه نجات یافته را نقاشی کند و به یاد داشته باشید که با شکوه تر از آن چیزی است که عالی‌ترین تخیل شما می‌تواند به تصویر بکشد. در هدایای متنوع خداوند در طبیعت، ما فقط ضعیف‌ترین درخشش جلال او را می‌بینیم. نوشته شده است: «چشم ندیده و گوش نشنیده است و آنچه را که خدا برای دوستدارانش آماده کرده به دل انسان وارد نکرده است» (اول قرنتیان. 9: 2)

شاعر و طبیعت‌شناس در مورد طبیعت چیزهای زیادی برای گفتن دارند. اما این مسیحی است که از زیبایی زمین با قدردانی بیشتر خوشحال می‌شود، زیرا او کار پدر خود را می‌شناسد و عشق او را در گل، بوته و درخت درک می‌کند. هیچ‌کس نمی‌تواند اهمیت کوه‌ها و دره‌ها، رودخانه‌ها و دریاها را به طور کامل درک کند، بدون اینکه به آنها به عنوان ابراز محبت خداوند به انسان نگاه کند.

سه‌شنبه

(1) خدا با چه وسیله ای خود را بر ما آشکار می کند؟ اول قرنیتیان 2:10؛ 1:18.

«خداوند آنها را به روح خود بر ما نازل کرد»؛ "خدا را هرگز کسی ندیده است. پسر یگانه که در آغوش پدر است، او را شناخته است."

خدا از طریق اعمال مشیتهی خود و از طریق تأثیر روح خود بر قلب با ما صحبت می کند. در شرایط و همسایگی‌هایمان، در تغییراتی که هر روزه در اطرافمان رخ می‌دهد، می‌توانیم درس‌های گرانبهایی بیابیم، اگر دلمان برای تشخیص آنها باز باشد. مزمورنویس با توصیف کار مشیت خدا می‌گوید: «زمین از نیکویی خداوند پر شده است» (مزمور 33:5) «هر که حکیم است به این چیزها توجه کند و به رحمت خداوند توجه کند» (مزمور 107:43).

خدا در کلام خود با ما صحبت می کند. در اینجا ما با خطوط روشنی از شخصیت او، از رفتار او با مردم، و از کار بزرگ رستگاری آشکار می‌شویم. تاریخ پدرسالاران، انبیا و سایر مقدسین دوران باستان در برابر ما باز است.

آنها مردانی بودند که «مطلوب همان احساسات ما هستند» (یعقوس 5:17) می‌بینیم که چگونه با دلسردی‌هایی مانند ما مبارزه کردند، چگونه مانند ما تحت وسوسه‌ها قرار گرفتند، و با این حال دوباره تشویق شدند و به لطف خدا مغلوب شدند و با تماشای آنها، ما در مبارزه برای عدالت دلگرم می‌شویم.

وقتی از تجربیات گرانبهایی که به آنها داده شد، نور، عشق و برکتی که برای لذت بردن به آنها عطا شد، و کاری که به واسطه فیضی که به آنها داده شده بود، می‌خوانیم، روحی که آنها را برانگیخت، شعله‌ای از انگیزه مقدس را در قلب ما روشن می‌کند. و میل به شبیه شدن به آنها در شخصیت و مانند آنها برای راه رفتن با خدا.

چهارشنبه

(1) چه کسی را باید از طریق کتاب مقدس بشناسیم؟ جو 5:39.

«کتاب مقدس را جستجو کنید، زیرا فکر می‌کنید در آنها حیات جاودانی دارید و آنها هستند که درباره من شهادت می‌دهند.»

عیسی در مورد کتب عهد عتیق گفت - و بسیار بیشتر از آن در مورد عهد جدید صادق است - "آنها هستند که در مورد من شهادت می‌دهند" (یوحنا 5:39)، نجات دهنده، کسی که امیدهای ما به زندگی ابدی در اوست. متمرکز شده است. بله، کل کتاب مقدس از مسیح صحبت می‌کند.

از اولین گزارش آفرینش، زیرا "بدون او هیچ چیز ساخته نشد" (یوحنا - 3: 1 تا وعده نهایی: "اینک، من به سرعت می‌آیم" (مکاشفه 22:12)، در حال خواندن از آثار او و شنیدن صدای او. اگر می‌خواهید با منجی آشنا شوید، کتاب مقدس را مطالعه کنید.

تمام قلب خود را با سخنان خدا پر کنید. آنها آب زنده‌ای هستند که تشنگی سوزان شما را سیراب می‌کنند. آنها نان زنده بهشت هستند عیسی می‌گوید: «تا گوشت پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات نخواهید داشت.» و او آن را با گفتن این جمله توضیح می‌دهد: «کلامی که به شما گفتم روح است و حیات است» (یوحنا 6: 53 و 63) بدن ما با آنچه می‌خوریم و می‌نوشیم ساخته می‌شود. و همانطور که در اقتصاد طبیعی اتفاق می‌افتد، در اقتصاد معنوی نیز چنین است: این چیزی است که ما در مورد آن تعمق می‌کنیم که به طبیعت معنوی ما لحن و قوت می‌بخشد.

موضوع رستگاری موضوعی است که فرشتگان مایلند در آن شرکت کنند. این دانش و آواز رستگاران در طول قرون بی وقفه ابدیت خواهد بود. آیا اکنون شایسته بررسی و مطالعه دقیق نیست؟ رحمت و محبت بی‌پایان عیسی، فداکاری که از جانب ما انجام شد، جدی‌ترین و جدی‌ترین تأمل را می‌طلبد. ما باید به شخصیت منجی و شفیع محبوبمان فکر کنیم. ما باید در رسالت کسی که آمد تا قومی را از گناهانشان نجات دهد تأمل کنیم. وقتی به این ترتیب به موضوعات آسمانی می‌اندیشیم، ایمان و عشق ما قوی تر می‌شود و دعاهاى ما بیشتر و بیشتر مورد قبول خداوند قرار می‌گیرد، زیرا بیش از پیش با ایمان و عشق آمیخته می‌شود. آنها باهوش و پرشور خواهند بود. اعتماد دائمی بیشتری به عیسی وجود خواهد داشت، و تجربه ای زنده و روزانه از قدرت او برای نجات، به طور کامل، همه کسانی که از طریق او به خدا می‌آیند، وجود خواهد داشت.

هنگامی که در کمالات منجی تعمق می‌کنیم، آرزو می‌کنیم که کاملاً دگرگون شویم و به صورت پاکى او تجدید شویم. گرسنگی و تشنگی روح برای شبیه شدن به او که ما او را می‌پرستیم وجود خواهد داشت. هر چه بیشتر افکارمان در مورد مسیح باشد، بیشتر درباره او با دیگران صحبت خواهیم کرد و او را به جهان معرفی خواهیم کرد.

پنج شنبه

(1) آیا می‌توانیم برای شناخت اراده خدا به دیگران وابسته باشیم یا خودمان باید به دنبال شناخت آن باشیم؟ رام 14:12 اعمال رسولان. 17:11

«تا هرکس حساب خود را به خدا بدهد؛» «حالا اینها از کسانی که در تسالونیکى بودند نجیب‌تر بودند، زیرا کلمات را با شادی فراوان پذیرفتند و هر روز کتاب مقدس را بررسی می‌کردند که آیا اینها چنین است یا خیر.»

کتاب مقدس فقط برای مطالعه شده نوشته نشده است. بلکه برای مردم عادى طراحی شده بود. حقایق بزرگی که برای رستگاری لازم است، مانند ظهر روشن می‌شوند. و هیچ کس فریب نمی‌خورد و راه خود را گم نمی‌کند، مگر کسانی که از قضاوت خود پیروی می‌کنند نه اراده آشکار خدا.

ما نباید شهادت کسی را در مورد آنچه کتاب مقدس تعلیم می‌دهد بگیریم، بلکه باید سخنان خدا را برای خود مطالعه کنیم. اگر اجازه دهیم دیگران به جای ما فکر کنند، انرژی ما ضعیف می‌شود و توانایی‌هایمان کم می‌شود.

قوای نجیب ذهن می‌توانند به دلیل عدم تمرین در مورد موضوعاتی که ارزش تمرکز آنها را دارند، چنان ضعیف شوند که توانایی درک معنای عمیق کلام خدا را از دست دهند. اگر در جستجوی رابطه موضوعات کتاب مقدس، مقایسه کتاب مقدس با کتاب مقدس، و چیزهای روحانی با معنویت به کار گرفته شود، ذهن بزرگ می‌شود.

هیچ چیز حساب شده تر از مطالعه کتاب مقدس برای تقویت عقل نیست.

هیچ کتاب دیگری به اندازه حقایق گسترده و اصیل‌کننده کتاب مقدس در ارتقای افکار و نیرو بخشیدن به قوا نیست. اگر کلام خدا آنطور که باید مورد مطالعه قرار می‌گرفت، انسان‌ها دارای ذهن بزرگی، شخصیت نجیب و ثبات هدفی بودند که در این زمان‌ها به ندرت دیده می‌شود.

جمعه

(1 چگونه باید کتاب مقدس را مطالعه کنیم؟ هست یک. 28:13)

"پس کلام خداوند برای آنها امر به امر، امر به امر، حکم بر قانون، حکومت بر حکومت خواهد بود: اینجا اندک، کمی آنجا."

اما از خواندن عجولانه کتب مقدس سود بسیار اندکی وجود دارد. یک شخص می تواند کل کتاب مقدس را از جلد به بالا بخواند و در عین حال زیبایی آن را ببیند یا معنای عمیق و پنهان آن را درک نکند. یک قطعه مطالعه شده تا زمانی که مفهوم آن برای ذهن روشن شود و ارتباط آن با برنامه نجات آشکار شود، ارزش بسیار بیشتری از مطالعه بسیاری از فصل ها بدون هدف مشخص و بدون کسب هیچ دستورا عمل مثبتی دارد. کتاب مقدس خود را نزد خود نگه دارید. وقتی فرصت دارید، آن را بخوانید؛ متون را در حافظه خود اصلاح کنید

حتی وقتی در خیابان راه می روید، می توانید قسمتی را بخوانید و روی آن مدیتیشن کنید و در نتیجه آن را در ذهن خود تثبیت کنید.

ما نمی توانیم بدون توجه پرشور و مطالعه دعا به حکمت دست یابیم. برخی از بخش های کتاب مقدس، در واقع، آنقدر واضح هستند که به اشتباه درک شوند.

درک کرد؛ اما دیگرانی هستند که معنایشان در ظاهر نیست، که با یک نگاه قابل درک است. کتاب مقدس باید با کتاب مقدس مقایسه شود. باید تحقیق و تأمل دقیق همراه با دعا باشد. و چنین مطالعه ای پاداش فراوان خواهد داشت. همانطور که معدنچی رگه هایی از فلز گرانبها را در زیر سطح زمین کشف می کند، کسی که با پشتکار کلام خدا را به عنوان گنج پنهان جستجو می کند، حقایقی با بالاترین ارزش را می یابد که از دید جستجوگر بی دقت پنهان است. سخنان الهام که در دل تأمل می شود، همچون سیلاب هایی خواهند بود که از چشمه های حیات جاری می شوند.

شنبه

(1 چه کسی می تواند درک ما را برای درک کتاب مقدس باز کند؟ با چه وسیله ای؟
من کور. 2:10)

«خداوند آنها را با روح خود بر ما آشکار کرد.»

کتاب مقدس هرگز نباید بدون دعا مطالعه شود. قبل از باز کردن صفحات آن، ما باید نور روح القدس را بخواهیم، و داده خواهد شد. هنگامی که ناتانائیل نزد عیسی آمد، نجات دهنده فریاد زد: «اینک یک اسرائیلی واقعاً که در او نیرنگ نیست.»

ناتانائیل گفت: «من را از کجا می شناسی؟» عیسی پاسخ داد: «پیش از اینکه فیلیپ تو را بخواند، وقتی زیر درخت انجیر بودی، تو را دیدم» (یوحنا 1:47,48) و عیسی نیز ما را در مکانهای پنهان دعا خواهد دید، اگر نور او را بجوییم، تا بدانیم حقیقت چیست. فرشتگان عالم نور در کنار کسانی خواهند بود که با خضوع و خضوع دل، هدایت الهی را می طلبند.

روح القدس منجی را تعالی و جلال می بخشد. وظیفه او ارائه مسیح، خلوص عدالت او و نجات بزرگی است که ما از طریق او داریم. عیسی گفت: "او آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما اعلام خواهد کرد" (یوحنا 16:14) روح حقیقت است

تنها معلم مؤثر حقیقت الهی. خدا چقدر به نوع بشر احترام گذاشت، زیرا پسرش را داد تا برای آن بمیرد و روح خود را معلم و راهنمای دائمی انسان قرار داده است!

درس - 11 امتیاز دعا

متن پایه: «کتاب گام‌های تا مسیح»، فصل یازدهم -الن جی وایت.

آبه طلایی: «در هیچ چیز مضطرب نباشید، بلکه خواسته‌هایتان را در هر کاری با دعا و نیایش و شکرگزاری به پیشگاه خدا اعلام کنید».

فیلم‌پیان 6: 4

یکشنبه

(1 خداوند به ما توصیه می‌کند که همیشه چه کار کنیم؟ من تز. 5:17)

«دعا بی وقفه»

از طریق طبیعت و مکاشفه، از طریق مشیت خود، و با تأثیر روح خود، خداوند با ما صحبت می‌کند. اما این کافی نیست؛ ما همچنین باید قلب خود را به سوی او بریزیم. برای داشتن زندگی معنوی و انرژی، باید با پدر آسمانی خود رابطه واقعی داشته باشیم. ذهن ما می‌تواند به سوی او هدایت شود. ما می‌توانیم در کارهای او، رحمت‌های او، برکات او تفکر کنیم. اما این به معنای وسیع، ارتباط با او نیست.

دعا، گشایش دل به سوی خداوند است، همان‌گونه که به سوی دوست. نه اینکه برای اینکه خدا را بشناسیم چه هستیم لازم است. بلکه برای اینکه بتوانیم او را دریافت کنیم. دعا خدا را نزد ما پایین نمی‌آورد، بلکه ما را به سوی او بالا می‌برد.

هنگامی که عیسی بر روی زمین بود، به شاگردان خود یاد داد که چگونه دعا کنند. او به آنها دستور داد که نیازهای روزانه خود را در پیشگاه خداوند عرضه کنند و همه دغدغه‌های خود را بر عهده او بگذارند. و یقینی که او به آنها داد که به درخواستهایشان رسیدگی خواهد شد، برای ما نیز یقین است.

خود عیسی، زمانی که در میان مردم زندگی می‌کرد، اغلب در حال دعا بود. ناجی ما خود را با نیازها و ضعف‌های ما شناسایی کرد، که در آنها به یک دعاکننده تبدیل شد، یک گدا که از پدرش منابع جدید نیرو می‌جوید، تا بتواند برای انجام وظیفه و آزمایش قوی‌تر پیش برود. او در همه چیز الگوی ماست.

او در ناتوانی‌های ما برادر است: «او مانند ما از هر جهت وسوسه شد». اما مانند آن معصوم، ذات او از شر دور شد. او در دنیای گناه، مبارزات و شکنجه‌های روحی را تحمل کرد. انسانیت او نماز را یک ضرورت و امتیاز قرار داد. او آسایش و شادی را در مشارکت با پدر خود و اگر نجات دهنده یافت

از بین انسانها، پسر خدا، نیاز به دعا را احساس کرد، چه اندازه انسانهای ضعیف و پر از گناه باید نیاز به دعای پرشور و دائمی را احساس کنند.

دوشنبه

(1) خدا می خواهد به کسانی که در دعا خواسته های خود را به او می رسانند چه بدهد؟ اول قرنتیان. 2:9

«چیزهایی را که خدا برای دوستدارانش مهیا کرده است، چشم ندیده، گوش نشنیده و به قلب انسان وارد نشده است.»

پدر آسمانی ما منتظر است تا برکت کامل خود را بر ما بریزد. این افتخار ماست که عمیقاً از چشمه عشق نامحدود بنوشیم. چقدر خوب است که ما اینقدر کم دعا می کنیم! خدا آماده و مایل است که دعای خالصانه ترین فرزندان را بشنود، و با این حال هنوز اکره آشکاری از سوی ما برای اعلام نیازهای خود به خدا وجود دارد. فرشتگان بهشت در مورد انسان های فقیر و ناامید که در معرض وسوسه قرار می گیرند، چه فکری می کنند، وقتی که قلب عشق بی پایان خدا با اشتیاق به سوی آنها متمایل شده و آماده است بیش از آنچه می توانند بخواهند یا فکر کنند به آنها بدهد و با این حال دعا می کنند؟ و خیلی کم ایمان دارید؟ فرشتگان عاشق سجده برای خدا هستند. آنها دوست دارند نزدیک او باشند و ارتباط با خدا را بالاترین لذت خود می دانند و با این حال فرزندان زمین که آنقدر به کمکی نیاز دارند که فقط خدا می تواند بدهد، به نظر می رسد که از راه رفتن بدون نور روح او راضی هستند. او از حضور او.

ظلمت شیطان، کسانی را که از نماز غافل می شوند احاطه کرده است. وسوسه های پیشنهادی دشمن ما را به گناه می کشاند. و همه اینها به این دلیل است که از امتیازاتی که خداوند در قرار الهی به آنها داده است استفاده نمی کنند. چرا باید پسران و دختران خدا تا این حد از دعا اکره کنند، در حالی که دعا کلید دست ایمان برای گشودن انبار بهشت است، جایی که منابع بی حد و حصر قدرت مطلق در آن ذخیره شده است؟ بدون دعای بی وقفه و بیداری مجدانه، در خطر غفلت و انحراف از صراط مستقیم هستیم. دشمن پیوسته در پی آن است که راه رسیدن به عرش رحمت را مسدود کند، مبادا با تضرع و ایمان پرشور، فیض و قدرت مقاومت در برابر وسوسه را بدست آوریم.

سهشنبه

(1) کتاب مقدس چه توصیه ای به ما می کند تا توسط شیطان گمراه نشویم؟ تس. 5:17.

بی وقفه دعا کنید.

شرایط خاصی وجود دارد که ما می توانیم انتظار داشته باشیم که خداوند دعاها را بشنود و مستجاب کند. یکی از اولین موارد این است که ما نیاز خود را به کمک او احساس می کنیم. او وعده داد: بر تشنه ها آب خواهیم ریخت و بر خشکی جویبار.

(اشعیا. 44:3) کسانی که گرسنه و تشنه عدالت هستند و مشتاق خدا هستند، مطمئن باشند که سیر خواهند شد. قلب باید به روی تأثیر روح باز باشد، در غیر این صورت نمی توان برکت خدا را دریافت کرد.

نیاز بزرگ ما خود یک استدلال است و با شیوایی ترین استدعا می کند
به نفع ما اما باید خداوند را جستجو کرد تا این کارها را برای ما انجام دهد.
می‌گوید: بخواهید تا به شما داده شود. (متی. 7:7) کسی که پسر خود را دریغ نکرد بلکه او را برای همه ما تسلیم کرد، چگونه
با او نیز همه چیز را به ما نخواهد داد (رومیان 8:32)؟

اگر گناه را در دل خود نگه داریم، اگر به گناه شناخته شده ای بچسبیم، خداوند صدای ما را نخواهد شنید. ولی دعای توبه
کنندگان و پشیمان همیشه قبول است. وقتی همه اشتباهات شناخته شده اصلاح شود، می توانیم باور کنیم که خدا
درخواست های ما را خواهد داد. شایستگی های خودمان هرگز ما را به لطف خدا توصیه نمی کند. این شایستگی مسیح
است که ما را نجات خواهد داد، خون اوست که ما را پاک خواهد کرد. با این حال، برای رعایت شرایط پذیرش کار داریم.

(2) چگونه باید درخواست های خود را به خداوند ارائه دهیم؟ عمه. 1:6

«اما با ایمان بخواهید، نه شک».

یکی دیگر از عناصر غلبه بر نماز ایمان است. «... کسی که به خدا نزدیک می شود، باید باور کند که او وجود دارد و به کسانی
که او را می جویند پاداش می دهد» (عبرانیان. 11: 6)
عیسی به شاگردانش گفت: "هر چه در دعا بخواهید، ایمان داشته باشید که آنها را می گیرید و خواهید داشت" (مرقس
11:24) آیا ما او را به قول او قبول داریم؟

یقین گسترده و نامحدود است. و امین است آن که وعده داده است. وقتی دقیقاً چیزهایی را که می‌خواهیم در زمانی که
می‌خواهیم دریافت نمی‌کنیم، همچنان باید باور داشته باشیم که خداوند می‌شنود و او دعاهای ما را اجابت خواهد کرد. ما
آنقدر خطاپذیر و کوتاه فکر هستیم که گاهی چیزهایی را طلب می‌کنیم که برای ما و پدر آسمانی ما برکت نباشد.

با محبت به دعاهای ما پاسخ می دهد و به ما چیزی را می دهد که به نفع ماست - آن چیزی که خودمان آرزو می کنیم اگر با
بینش روشن الهی، همه چیز را آنطور که واقعاً هستند ببینیم. وقتی دعای ما بی پاسخ به نظر می رسد، باید به عهد خود
پایبند باشیم. زیرا قطعاً زمان پاسخ فرا خواهد رسید و ما برکتی را که بیشتر به آن نیاز داریم دریافت خواهیم کرد. اما اینکه
وانمود کنیم که دعا باید همیشه به یک شکل و برای چیز خاصی که ما می خواهیم مستجاب شود، فرض است. خدا حکیم
تر از آن است که خطا کند و نیکوتر از آن است که هیچ چیز خوبی را از کسانی که درست راه می روند دریغ نکند. بنابراین، از
اعتماد به او نترسید، حتی اگر پاسخ فوری به دعای خود نبینید. بر وعده مطمئن او تکیه کنید: «بخواهید تا به شما داده شود»
(متی. 7:7)

چهارشنبه

(1) عیسی درباره نتایج دعای بی وقفه چه گفت؟ لوقا. 8، 7:18

«و آیا خداوند برگزیدگان خود را که روز و شب او را ندا می دهند، با اینکه با آنها کند است، عدل نمی دهد؟

اگر با تردیدها و ترس‌های خود مشورت کنیم، یا به دنبال حل همه چیزهایی باشیم که نمی‌توانیم به وضوح ببینیم، قبل از
اینکه ایمان داشته باشیم، سردرگمی‌ها بیشتر و عمیق‌تر می‌شوند. اما اگر به سوی خدا برویم، احساس ناتوانی می‌کنیم و

همانگونه که واقعاً هستیم، وابسته هستیم و با ایمان متواضعانه و متواضع، نیازهای خود را به کسی که علمش بی نهایت است، که همه چیز را در خلقت می بیند، و به اراده و کلام خود بر همه حکومت می کند، می شناسیم و می تواند فریاد ما را پاسخ دهد. ، و نور را در قلب ما می درخشد. از طریق دعای خالصانه ما در ارتباط با ذهن نامتناهی قرار می گیریم. ما ممکن است در همان لحظه شواهد قابل توجهی نداشته باشیم که چهره نجات دهنده ما از روی شفقت و عشق به سمت ما خم شده است. اما این فقط راه است. ما ممکن است لمس مشهود او را احساس نکنیم، اما دست او با عشق و مهربانی بر ماست.

(2) اگر گناهان برادرانمان را نبخشیم چه اتفاقی می افتد؟ متی. 6:15

"اما اگر شما گناهان مردم را نبخشید، پدر شما نیز گناهان شما را نخواهد بخشید."

وقتی برای طلب رحمت و برکت خداوند می آییم، باید روحیه محبت و بخشش در دل داشته باشیم. چگونه می توانیم دعا کنیم: «قرضهای ما را ببخش، همانطور که ما بدهکاران خود را می بخشیم» (متی، 6:12 و همچنان روح آشتی را در خود پرورش دهیم؟ اگر انتظار داریم دعایمان مستجاب شود، باید دیگران را به همان اندازه و به همان اندازه که خودمان انتظار داریم مورد بخشش قرار بگیریم، ببخشیم.

استقامت در نماز شرط قبولی شده است. اگر می خواهیم ایمان و تجربه رشد کنیم، باید همیشه دعا کنیم. ما باید «در دعا پافشاری کنیم»، تا «به دعا ادامه دهیم و با شکرگزاری مراقب باشیم» (رومیان 12:12؛ کول. 4:2). پطرس مؤمنان را تشویق می کند که «در دعا هوشیار و هوشیار باشند» (اول پطرس. 7: 4)

پولس تعلیم می دهد: «اما در هر چیزی درخواستهای خود را با دعا و تضرع و شکرگزاری در حضور خدا اعلام کنید» (فیلیسیان 4:6). (4:6) یهودا می گوید: «اما شما عزیزان، با دعای روح القدس، خود را در محبت خدا نگه دارید» (یهودا 20 و 21). دعای بی وقفه پیوند بی وقفه روح با خداست تا حیات خدا در زندگی ما جاری شود. و از زندگی ما پاکی و قدوسیت به سوی خدا سرازیر می شود.

در نماز نیاز به اهتمام است؛ اجازه نده هیچ چیز شما را متوقف کند. تمام تلاش خود را بکنید تا ارتباط آشکار بین عیسی و روح خود را حفظ کنید. هر فرصتی را جستجو کنید تا به جایی بروید که معمولاً نماز خوانده می شود. کسانی که واقعاً به دنبال ارتباط با خدا هستند، در مجلس دعا دیده می شوند، وفادار به انجام وظیفه، و توجه و مشتاق برای بهره مندی از همه مزایایی که ممکن است به دست آورند.

آنها از هر فرصتی استفاده خواهند کرد تا خود را در جایی قرار دهند که بتوانند پرتوهای نور را از بهشت دریافت کنند.

پنجشنبه

(1) دانیال چند بار در روز در خلوت با خدا دعا می کرد؟ دان. 6:10

دانیال... روزی سه بار زانو می زد و در پیشگاه خدایش دعا می کرد و شکر می کرد، همانطور که قبلاً می کرد.

ما باید در حلقه خانواده دعا کنیم. و بالاتر از همه، ما نباید از آن غافل شویم دعای پنهانی، زیرا حیات روح است. رستگاری روح در حالی که نماز غفلت می شود محال است. نماز خانواده و نماز عمومی کافی نیست. در خلوت اجازه دهید روح به نگاه جستجوگر خدا باز شود. دعای پنهانی را فقط خدایی که دعاها را می شنود باید بشنود. هیچ گوش فضولی نباید زیر بار این گونه عرایض باشد. در نماز پنهانی، روح از تأثیرات محیطی آزاد است، از تحریک و بی قراری. او با آرامش، اما مشتاقانه به خدا خواهد رسید. تأثیری لطیف و دائمی از جانب کسی است که در نمان می بیند و گوشش برای شنیدن دعای دل باز است. با ایمانی آرام و ساده، روح با خدا ارتباط برقرار می کند و پرتوهای نور الهی را جذب می کند تا آن را در درگیری با شیطان تقویت و حفظ کند. خدا برج قوت ماست

در اوقات نماز بخوان؛ و در حالی که به کارهای روزانه خود می پردازید، اجازه دهید قلبتان بارها به سوی خدا بلند شود. اینگونه بود که خنوخ با خدا راه رفت. این دعاها بی صدا مانند عودهای گرانبها در برابر عرش فیض بالا می روند. شیطان نمی تواند بر کسی که قلبش متمایل به خداست غلبه کند.

هیچ زمان و مکان نامناسبی برای تقدیم عریضه به خداوند وجود ندارد. هیچ چیز نمی تواند ما را از اینکه قلبمان را با روحیه دعای خالصانه بالا ببرد، باز دارد. در ازدحام خیابان، در بحبوحه یک معامله تجاری، می توانیم به درگاه خداوند عریضه برسانیم و برای هدایت الهی دعا کنیم، همانطور که نحمیا هنگام ارائه درخواست خود به پادشاه انجام داد.

اردشیر. هر جا که باشیم، گنجه نماز پیدا می شود. ما باید درهای قلبمان را دائماً باز کنیم و دعوتمان را بالا ببریم تا عیسی بیاید و به عنوان مهمان آسمانی در روح ما ساکن شود.

اگرچه ممکن است یک فضای آلوده و فاسد در اطراف ما وجود داشته باشد، اما ما نیازی به تنفس این میاسما نداریم، اما می توانیم در محیط ناب بهشت زندگی کنیم. ما می توانیم با اعتلای روح خود به حضور خداوند با دعای خالصانه، هر دری را به روی تصورات ناپاک و افکار نامقدس ببندیم. کسانی که قلبشان برای دریافت کمک و برکت خداوند باز است، در فضایی مقدس تر از زمین قدم خواهند زد و ارتباط دائمی با بهشت خواهند داشت.

ما باید دیدگاههای متمایزتری نسبت به عیسی داشته باشیم و درک وسیع تری از ارزش واقعیت های ابدی داشته باشیم. زیبایی تقدس باید دل فرزندان خدا را پر کند. و برای تحقق این امر، ما باید به دنبال آیات الهی از چیزهای بهشتی باشیم.

روح وسعت و تعالی باشد تا خداوند دمی از فضای ملکوتی به ما عطا فرماید. آیا می توانیم آنقدر به خدا نزدیک بمانیم که در هر آزمایش غیرمنتظره ای، افکارمان به طور طبیعی به سوی او معطوف شود.

گل به سمت خورشید می چرخد

نیازها، شادیها، غمها، نگرانیها و ترسها را در پیشگاه خدا ننگه دارید. شما نمی توانید او را بیش از حد بارگذاری کنید. شما نمی توانید او را خسته کنید. کسی که موهای سرش را می شمارد نسبت به نیازهای فرزندانش بی تفاوت نیست. «... زیرا خداوند سرشار از رحمت و رحیم است» (یعقوس 5:11) قلب پرمهر او از غم و اندوه ما و حتی بیان ما از آنها متأثر می شود. هر چیزی را که ذهن شما را گیج می کند نزد او بیاورید. هیچ چیز آنقدر بزرگ نیست که او بتواند حمل کند

او جهان‌ها را نگه می‌دارد و بر همه‌ی امور عالم حکومت می‌کند. هیچ چیزی که به هیچ وجه به آرامش ما مربوط می‌شود برای او بی اهمیت نیست. هیچ فصلی در تجربه ما برای خواندن آن تاریک نیست. هیچ ابهامی وجود ندارد که حل آن برای او دشوار باشد. هیچ بلایی نمی‌تواند به فرزندان او برسد. هیچ اضطرابی روح آنها را آزار نمی‌دهد. هیچ فریادی از شادی، هیچ دعای قلبی از لبان آنها خارج نمی‌شود، که پدر آسمانی ما متوجه آن نمی‌شود، یا علاقه فوری او را جلب نمی‌کند. او «شکسته‌های دل را شفا می‌دهد و زخم‌هایشان را می‌بندد» (مزمور 147:3) روابط بین خدا و هر روحی چنان متمایز و کامل است که گویی هیچ روح دیگری وجود ندارد که او پسر محبوب خود را برای او بخشیده باشد.

جمعه

عیسی گفت: "شما به نام من درخواست خواهید کرد، و من به شما نمی‌گویم که برای شما از پدر خواهم خواست، زیرا خود پدر شما را دوست دارد" (یوحنا 16:26 و 27) "من شما را برگزیدم... تا هر چه از پدر به نام من بخواهید، به شما بدهد" (یوحنا 15:16) اما دعا به نام عیسی بیش از ذکر نام او در ابتدا و انتهای دعا است. این دعا بر اساس ذهن و روح عیسی است، زیرا ما به وعده‌های او ایمان داریم، در فیض او استراحت می‌کنیم و کارهای او را انجام می‌دهیم.

(1) مأموریت مسیح چه بود؟ متی 20:28

«پسر انسان نیامد تا به او خدمت کنند، بلکه آمد تا خدمت کند و جان خود را به عنوان فدیة بسیاری ببخشد.»

خداوند قصد ندارد که هیچ یک از ما گوشه نشین یا راهب شویم و از دنیا کناره‌گیریم تا خود را وقف اعمال عبادی کنیم. زندگی باید مانند زندگی مسیح باشد - بین کوه و جمعیت. کسی که جز نماز کاری نمی‌کند به زودی از این کار دست می‌کشد و گرنه نمازش رسمی و روتین می‌شود. وقتی انسانها از زندگی اجتماعی، دور از حیطه وظایف مسیحی، و از حمل صلیب کناره‌گیری می‌کنند. وقتی از کار سخت برای استادی که برای آنها سخت کار کرده است دست بردارند، خود را از موضوع اصلی دعا محروم می‌کنند و انگیزه‌ای برای عبادت ندارند. دعاها شما شخصی و خودخواهانه می‌شود. آنها نمی‌توانند برای نیازهای بشریت یا ساختن پادشاهی مسیح دعا کنند و برای کار کردن با آنها قدرت بخواهند.

وقتی از امتیاز تقویت و تشویق یکدیگر در خدمت خداوند غفلت می‌کنیم برای ما ضرر است. حقایق کلام او قدرت و اهمیت خود را در ذهن از دست می‌دهند. قلب‌های ما با تأثیر تقدیس‌کننده آن روشن و بیدار نمی‌شود و معنویت مان کاهش می‌یابد. ما در روابط خود به عنوان مسیحی به دلیل عدم همدردی با یکدیگر چیزهای زیادی از دست می‌دهیم. کسی که خود را می‌بندد، جایگاهی را که خداوند برای او طراحی کرده است، پر نمی‌کند. پرورش صحیح عناصر اجتماعی طبیعت ما را به همدردی با دیگران سوق می‌دهد و وسیله‌ای برای رشد خود و قوی تر شدن در بندگی خداوند است.

(2) خدا انتظار دارد چه رابطه‌ای بین فرزندان خدا وجود داشته باشد تا از نظر روحی رشد کنند؟ کول 12-16:3

«پس به عنوان برگزیدگان خدا، مقدّس و محبوب، اعماق رحمت، مهربانی، فروتنی، ملایمت، بردباری، بردباری و بخشش یکدیگر را بپوشید، اگر کسی از دیگری شکایتی داشته باشد، همانطور که مسیح شما را آمرزید. و شما هم همینطور. و بالاتر از اینها، لباس محبت بپوشید که پیوند کمال است، و آرامش خدا که در یک بدن به آن فرا خوانده شده اید، در دلهای شما حاکم باشد و شکرگزار باشید. کلام مسیح با تمام حکمت فراوان در شما ساکن است و با مزامیر و سرودها و سرودهای روحانی یکدیگر را تعلیم و نصیحت می‌کند و با فیض در دل خود برای خداوند بخوانید.»

اگر مسیحیان با هم معاشرت کنند و به یکدیگر از عشق خدا و حقایق گرانبهای رستگاری بگویند، دلهایشان شاداب می‌شود و یکدیگر را شاداب می‌کنند. ما باید هر روز بیشتر از پدر آسمانی خود بیاموزیم و تجربه جدیدی از فیض او به دست آوریم. سپس مایل خواهیم بود که از عشق او صحبت کنیم، و در حین انجام این کار، قلب ما گرم و دلگرم خواهد شد. اگر بیشتر در مورد عیسی و کمتر در مورد خود فکر می‌کردیم و صحبت می‌کردیم، حضور او بسیار بیشتر بود.

اگر به همان اندازه که شواهدی دال بر عنایت او نسبت به خود داریم به خدا فکر می‌کردیم، او را همیشه در افکار خود نگه می‌داشتیم و از صحبت درباره او و ستایش او لذت می‌بردیم. ما در مورد چیزهای زمانی صحبت می‌کنیم زیرا به آنها علاقه مندیم. ما در مورد دوستان خود صحبت می‌کنیم زیرا آنها را دوست داریم. شادی‌ها و رنج‌های ما با آنها یکی شده است. با این حال، ما دلایل بی‌نهایت بزرگتری برای دوست داشتن خدا نسبت به دوست داشتن دوستان زمینی خود داریم. و این باید طبیعی‌ترین چیز در جهان باشد که در تمام افکار خود به او جایگاه اول را بدهیم، از خوبی او صحبت کنیم و از قدرت او بگوئیم. آیا با دادن چنین هدایای غنی به ما، طرح او این نبود که افکار ما را جذب کنند و آنقدر آنها را گرمی بدارند که چیزی برای دادن به او نداشته باشیم؟ اینها باید دائماً او را به ما یادآوری کنند و ما را با پیوندهای عشق و قدرانی به بخشنده آسمانی خود پیوند دهند. ما بسیار وابسته به زمین زندگی می‌کنیم. ما باید چشمان خود را به درب باز عبادتگاه بالا ببریم، جایی که نور جلال خدا در چهره مسیح می‌درخشد، که «همچنین قادر است کسانی را که از طریق او نزد خدا می‌آیند تا حد زیادی نجات دهد» (عبرانیان، 25: 7).

شنبه

(ابا چه روحی باید در کار خداوند مشارکت کنیم؟ سرهنگ 3:17)

«و هر کاری که در گفتار یا کردار انجام می‌دهید، همه را به نام خداوند عیسی انجام دهید، خدای پدر را بخاطر او شکر می‌کنم.»

ما باید خدا را بیشتر «به خاطر نیکویی و اعمال شگفت‌انگیزش نسبت به فرزندان آدمیان» ستایش کنیم (مزمور 107:8). عبادات ما نباید فقط خواستن و گرفتن باشد. به خود اجازه ندهیم که همیشه به نیازهای خود فکر کنیم و هرگز به منافع دریافتی خود فکر نکنیم. ما زیاد نماز نمی‌خوانیم و در شکرگزاری فقیرتر هستیم. ما دائماً مشمول رحمت خدا هستیم، و با این حال چقدر کم شکر می‌کنیم، چقدر کم او را به خاطر کارهایی که برای ما انجام داده است، ستایش می‌کنیم!

در زمان‌های قدیم خداوند به اسرائیل دستور داد، هنگامی که برای عبادت او جمع شدند: «آنجا در حضور یهوه خدای خود خواهید خورد و از هر کاری که انجام می دهید، شما و خانه هایتان، از آنچه که یهوه خدایتان شما را برکت داده است، شادی خواهید کرد.» (تثنیه، 12:7)
آنچه برای جلال خداوند انجام می شود باید با شادی، سرودهای حمد و شکر انجام شود، نه با اندوه و اندوه.

خدای ما پدری مهربان و مهربان است، خدمت او را نباید تمرینی دردناک و غم انگیز تلقی کرد. پرستش خداوند و شرکت در کار او باید لذت بخش باشد. خدا نمی‌خواهد فرزندانش که چنین نجات بزرگی را برایشان تدارک دیده است، طوری رفتار کنند که گویی او یک مدیر کار سخت و سخت‌گیر است. او بهترین دوست آنهاست، و امیدوار است که وقتی او را می پرستند، او بتواند با آنها باشد تا آنها را برکت دهد و آرامش دهد و قلب آنها را پر از شادی و عشق کند. خداوند مایل است فرزندانش در خدمت او آرامش پیدا کنند و در خدمت او لذت بیشتری نسبت به سختی بیابند. او مایل است که کسانی که برای پرستش او می آیند، افکار گرانبه‌ای مراقبت و محبت او را به همراه داشته باشند، تا در همه مشاغل زندگی روزمره خوشحال شوند و فیض را به دست آورند که در همه چیز صادقانه و صادقانه رفتار کنند.

ما باید دور صلیب جمع شویم. مسیح و او مصلوب شده باید موضوع تفکر، گفتگو و شادی بخش ترین احساسات ما باشند. ما باید هر نعمتی را که از جانب خدا دریافت می کنیم در افکار خود نگه داریم و وقتی محبت بزرگ او را درک کردیم، حاضر باشیم همه چیز را به دستی بسپاریم که برای هر یک از ما به صلیب میخ شده است.

روح می تواند با بال های ستایش به بهشت نزدیک تر شود. خداوند با سرود و آهنگ در بارگاه های بهشتی پرستش می شود و با ابراز سپاس
ما را به پرستش لشکریان آسمانی نزدیکتر می کند. «کسی که قربانی شکرگزاری را به من تقدیم می کند، خدا را جلال می بخشد» (مزمور، 50:23) بیایید با «شکرگزاری و آواز موسیقی» با شادی در برابر خالق خود بیاییم (اشعیا، 51:3)

درس - 12 با شک ها چه کنیم؟

متن پایه: «کتاب گام‌های تا مسیح»، فصل - 12 الن جی وایت.

آیه طلایی: «وقتی گفتم پای من تلو تلو می خورد، ای خداوند مهربانی تو مرا حمایت کرد» مزمو 94:18.

یکشنبه

(1) ایوب پس از شنیدن چیزهایی از خدا که قادر به درک آنها نبود چه گفت؟ ایوب 4:1-42

"آنگاه ایوب به خداوند پاسخ داد و گفت: "من می دانم که تو می توانی همه چیز را انجام دهی، و هیچ یک از افکار تو مانع نمی شود. بگو تو که بدون دانش اندرز را پنهان می کنی، کیست؟ بنابراین من چیزهایی را گفتم که نمی فهمیدم. چیزهایی که برای من شگفت‌انگیز بود و نمی‌فهمیدم، پس به من گوش کن تا صحبت کنم، از تو خواهم پرسید و تو به من بیاموز."»

بسیاری، به ویژه آنهایی که تازه وارد زندگی مسیحی شده اند، گاهی اوقات با پیشنهادها شک و تردید دچار مشکل می شوند. چیزهای زیادی در کتاب مقدس وجود دارد که آنها نمی توانند توضیح دهند یا حتی درک کنند، و شیطان از آنها استفاده می کند تا ایمان آنها به کتاب مقدس را به عنوان مکاشفه ای از جانب خدا متزلزل کند. می پرسند: «چگونه راه درست را بشناسم؟ اگر کتاب مقدس در واقع کلام خداست، چگونه می توانم از این تردیدها و گجی ها رها شوم؟»

خداوند هرگز از ما نمی خواهد که ایمان بی‌اوریم بدون اینکه شواهد کافی برای استوار کردن ایمان خود به ما ارائه دهد. وجود او، شخصیت او، حقیقت کلام او، همه با شهادتی است که به عقل ما متوسل می شود. و این شهادت فراوان است.

با این حال، خداوند هرگز احتمال شک را از بین نمی برد. ایمان ما باید مبتنی بر شواهد باشد، نه برهان. کسانی که می خواهند شک کنند این فرصت را خواهند داشت. در حالی که کسانی که واقعاً مایل به دانستن حقیقت هستند، شواهد فراوانی خواهند یافت که بر اساس آن ایمان خود را استوار کنند.

درک کامل شخصیت و آثار موجود نامتناهی برای ذهن های محدود غیرممکن است. برای درک دقیق‌ترین، تحصیل‌کرده‌ترین ذهن، وجود مقدس باید همیشه در راز پنهان بماند. «آیا رمز خدا را باز خواهی کرد یا به کمال خداوند متعال نفوذ خواهی کرد؟ همان گونه که بلندی های آسمان ها حکمت اوست. چه کاری می توانی انجام بدهی؟ او از پرتگاه عمیق تر است. چه چیزی می توانید بدانید؟» (ایوب 7:11 و 8)

پولس رسول می گوید: «ای ژرفای ثروت، هم حکمت و هم معرفت خدا! چقدر قضاوت‌های او ناشناخته است و راههای او چقدر ناشناخته است!» (روم. 11:33) اما اگرچه "ابرها و تاریکی ها او را احاطه کرده اند"، "عدالت و داوری اساس تخت او است" (مزمو 97:2) ما می توانیم رفتار او با ما و دلایل عملکرد او را به قدری درک کنیم که غیرقابل مقایسه باشیم

عشق و رحمت، متحد با قدرت بی پایان. ما ممکن است به همان اندازه ای از اهداف او را درک کنیم که برای دانستن خیر ما لازم است. و علاوه بر این، به دستی که قادر مطلق است، به قلبی که پر از عشق است اعتماد کنید.

"چیزهای پنهان برای یهوه، خدای ما است، اما چیزهای آشکار شده برای ما و فرزندان ما تا ابد است تا تمامی سخنان این شریعت را انجام دهیم."
تثنیه 29:29

دوشنبه

(1) کتاب مقدس پس از گزارش برخی از کارهایی که او انجام می دهد و درک آنها برای انسان دشوار است، در مورد خدا چه می گوید؟ هست یک. 45:15

«به راستی که تو خدایی هستی که خود را پنهان می کنی، خدای اسرائیل، نجات دهنده».

کلام خدا، مانند شخصیت نویسنده الهی خود، اسرار را ارائه می دهد که هرگز نمی توانند به طور کامل توسط موجودات محدود درک شوند. ورود گناه به جهان، تجسم مسیح، تجدید حیات، رستاخیز و بسیاری از موضوعات دیگر که در کتاب مقدس ارائه شده اند، اسرار بسیار عمیقی هستند که ذهن انسان قادر به توضیح یا حتی درک کامل آن نیست. اما دلیلی نداریم که در کلام خدا شک کنیم زیرا اسرار مشیت او را درک نمی کنیم.

در دنیای طبیعی، ما دائماً در محاصره رازهایی هستیم که نمی توانیم آنها را درک کنیم. ساده ترین اشکال زندگی مشکلاتی را به همراه دارد که خردمندترین فیلسوف قادر به توضیح آنها نیست. همه جا شگفتی هایی وجود دارد که فراتر از دانش ماست. پس آیا باید تعجب کنیم که در دنیای معنوی نیز اسرار وجود دارد که ما نمی توانیم آنها را درک کنیم؟ دشواری تنها در ضعف و تنگی ذهن انسان است. خداوند در کتاب مقدس شواهد کافی برای شخصیت الهی خود به ما داده است و ما نباید در کلام او شک کنیم زیرا نمی توانیم تمام اسرار مشیت او را درک کنیم.

پطرس رسول می گوید که در کتاب مقدس «چیزهای معینی وجود دارد که درک آنها دشوار است، که نادانان و ناپایدار آنها را تحریف می کنند... تا خود آنها را نابود کنند» (دوم پطرس 3:16). دشواری های کتاب مقدس توسط شکاکان به عنوان استدلالی علیه کتاب مقدس ذکر شده است. با این حال، به دور از آن، اینها شواهد قدرتمندی از الهام الهی آنها هستند. اگر چیزی در مورد خداوند جز آنچه که ما به راحتی می توانیم درک کنیم در آن وجود نداشت. اگر عظمت و عظمت او توسط ذهن های محدود قابل درک باشد، کتاب مقدس اعتبار غیرقابل انکار قدرت الهی را ارائه نخواهد کرد. عظمت و رمز و راز موضوعاتی که در معرض دید قرار می گیرند باید ایمان به آن را به عنوان کلام خدا برانگیزد.

انجیل حقیقت را به سادگی و با چنان سازگاری کامل با نیازها و خواسته های قلب انسان آشکار می کند، که تحسین و افسون را در ذهن فرهیخته ترین اذهان برانگیخته است و در عین حال فروتنان و نادانان را قادر می سازد تا مسیر را تشخیص دهند. از رستگاری و با این حال، این حقایق ساده اعلام شده مربوط به موضوعاتی است که آنقدر رفیع، دامنه وسیعی دارد، آنقدر فراتر از قدرت درک بشر است که ما فقط می توانیم آنها را بپذیریم زیرا خداوند آنها را اعلام کرده است. بنابراین طرح رستگاری در برابر ما گسترده می شود، تا هر فردی بتواند مراحل را که باید در توبه به سوی خدا و ایمان به خداوند ما عیسی مسیح بردارد، ببیند.

تا در راهی که خدا نشان داده است نجات یابد. با این حال، در زیر این حقایق به راحتی قابل درک، اسرار نهفته است که محل اختلافی جلال او هستند - اسرار که ذهن را در جستجوی خود تحت تأثیر قرار می دهد. با این حال به جوینده صادق حقیقت، احترام و ایمان الهام می بخشند. هر چه او بیشتر در مورد کتاب مقدس تحقیق می کند، اعتقادش عمیق تر می شود که این کلام خدای زنده است و عقل بشری در برابر عظمت وحی الهی سر تعظیم فرود می آورد.

سهشنبه

(1 آیا می توانیم خدا و راه های او را به طور کامل درک کنیم؟ هست یک. 40:28)

«آیا نمی دانی، مگر نشیده‌ای که خدای ابدی، خداوند، خالق انتهای زمین، نه خسته است و نه خسته؟ عقل او جستجو نمی‌شود.»

تشخیص اینکه ما نمی توانیم حقایق بزرگ کتاب مقدس را به طور کامل درک کنیم، تنها به این معناست که اذعان کنیم که ذهن محدود قادر به درک نامتناهی نیست. که انسان با دانش محدود انسانی خود نمی تواند اهداف علم کل را درک کند.

بدبین و کافر از آنجا که نمی توانند تمام اسرار آن را درک کنند، کلام خدا را رد می کنند. و همه کسانی که ادعا می کنند به کتاب مقدس اعتقاد دارند در این مورد از خطر آزاد نیستند. رسول می‌گوید: «ای برادران مراقب باشید، مبادا در هیچ یک از شما قلب کفر و بی‌ایمانی باشد که شما را از خدای زنده دور کند» (عبرانیان 3:12 درست است که آموزه های کتاب مقدس را به دقت بررسی کنیم، و «اعماق خدا» (اول قرن‌تیان 2:10) را تا آنجا که در کتاب مقدس برای ما مکتشف شده است، جستجو کنیم. در حالی که «چیزهای پنهان متعلق به یهوه خدای ماست»، «امور مکتشف از آن ماست» (تثنیه).

(29:29) اما کار شیطان این است که قوای تحقیقی ذهن را منحرف کند. غرور خاصی با توجه به حقیقت کتاب مقدس آمیخته می شود. به طوری که اگر نتوانند هر بخش از کتاب مقدس را به میزان رضایت خود توضیح دهند، بی تاب می شوند و احساس ناامیدی می کنند. برای آنها بسیار تحقیرکننده است که تشخیص دهند کلمات الهام شده را درک نمی کنند. حاضر نیستند صبورانه منتظر بمانند تا خدا ببیند که حق برایشان راحت است. آنها احساس می کنند که خرد انسانی بدون کمک آنها برای درک کتاب مقدس کافی است و در صورت عدم انجام این کار، عملاً اقتدار آن را انکار می کنند. درست است که بسیاری از نظریه‌ها و آموزه‌هایی که عموماً برگرفته از کتاب مقدس هستند، مبتنی بر آموزه‌های آن نیستند و در واقع برخلاف روش کلی الهام هستند. این موارد باعث شک و تردید بسیاری از اذهان شده است. با این حال، آنها را به کلام خدا نسبت نمی دهند، بلکه بیشتر به انحرافی که مردم از آن می کنند، نسبت داده می شوند.

اگر مخلوقات می‌توانستند به درک کامل خدا و آثار او دست یابند، پس از رسیدن به این نقطه، دیگر چیزی برای کشف حقیقت، هیچ پیشرفتی در معرفت، رشد ذهن و قلب باقی نمی‌ماند. خدا دیگر برتر نخواهد بود. و انسان با رسیدن به سرحد دانش و دستاورد، از پیشرفت باز می ایستد. خدا را شکر کنیم که اینطور نیست. خدا بی نهایت است؛ در او "همه گنجینه های حکمت و دانش" یافت می شود (کولسیان 3: 2) و در سرتاسر ابدیت، انسانها ممکن است همیشه در جستجو باشند، همیشه بیاموزند، بدون اینکه گنجینه های حکمت، خوبی و قدرت او را تمام کنند.

چهار شنبه

(1) با چه وسیله ای می توانیم کلام خدا را بفهمیم؟ اول کور. 12، 2:10

"اما خدا آنها را بوسیله روح خود به ما آشکار ساخت، زیرا روح در همه چیز نفوذ می کند، حتی در اعماق خدا... اما ما روح جهان را نگرفتیم، بلکه روحی را که از جانب خداست، دریافت کردیم تا بدانیم چه چیزی از آن ماست. به طور رایگان توسط خدا داده شده است."

خدا می خواهد که حتی در این زندگی، حقایق کلام او همیشه برای قومش آشکار شود. تنها یک وسیله وجود دارد که از طریق آن می توان به این دانش دست یافت. ما فقط از طریق روشنایی روحی که کلمه به وسیله آن داده شده است، می توانیم به درک کلام خدا دست یابیم. «هیچکس چیزهای خدا را نمی داند مگر روح خدا». "زیرا روح همه چیز، حتی اعماق خدا را جستجو می کند" (اول قرنتیان 2: 11 و 10) و وعده ناجی به پیروانش این بود: "هنگامی که او، روح حقیقت، بیاید، شما را به تمام حقیقت هدایت خواهد کرد... زیرا او آنچه از آن من است، خواهد گرفت و به شما اعلام خواهد کرد" (یوحنا 13: 16) و (14).

خدا می خواهد که انسان قوای استدلال خود را به کار گیرد. و مطالعه کتاب مقدس باعث تقویت و ارتقای ذهن خواهد شد که هیچ مطالعه دیگری نمی تواند. اما باید از خدایی کردن عقل که در معرض ضعف و ناتوانی بشریت است بر حذر باشیم. اگر نمی خواهیم کتاب مقدس به روی درک ما بسته شود، به طوری که واضح ترین حقایق درک نشود، باید سادگی و ایمان یک کودک کوچک را داشته باشیم، مایل به یادگیری باشیم و از روح القدس کمک بخواهیم. احساس قدرت و حکمت خداوند و ناتوانی ما در درک عظمت او باید فروتنی را به ما القا کند و کلام او را با احترام بگشاییم، گویی با هیبت مقدس وارد حضور او شده ایم. وقتی به کتاب مقدس می رسیم، عقل باید مقامی بالاتر از خودش را بشناسد و قلب و عقل باید در برابر آن بزرگی که من هستم تعظیم کند.

چیزهای زیادی وجود دارد که ظاهراً دشوار یا مبهم است، که خداوند آنها را برای کسانی که به این ترتیب به دنبال درک آنها هستند، روشن و ساده می کند. اما بدون هدایت روح القدس، ما پیوسته در معرض تحریف کتاب مقدس یا تفسیر نادرست آنها هستیم. خواندن کتاب مقدس بدون فایده و در بسیاری موارد مضرات مثبت زیاد است. هنگامی که کلام خدا بدون احترام و بدون دعا باز می شود. وقتی افکار و عواطف بر خدا متمرکز نباشد یا با اراده او هماهنگ نباشد، ذهن از شک و تردید تیره می شود. و در مطالعه خود کتاب مقدس، شک و تردید قوی تر می شود. دشمن کنترل افکار را به دست می گیرد و تفسیرهایی را پیشنهاد می کند که صحیح نیست. هر گاه مردم با گفتار و عمل به دنبال هماهنگی با خدا نباشند، هر قدر هم که آمادگی داشته باشند، ممکن است در درک خود از کتاب مقدس دچار خطا شوند و اعتماد به توضیحات آن امن نیست. کسانی که برای یافتن اختلاف به کتاب مقدس نگاه می کنند، تشخیص روحانی ندارند. با دید تحریف شده، آنها دلایل زیادی برای شک و بی ایمانی به چیزهایی که واقعاً هستند پیدا می کنند

واضح و ساده

پنج شنبه

(1) کافران چگونه مورد توجه خداوند قرار می گیرند؟ عبری. 19، 3:18

«و به چه کسی سوگند یاد کرد که جز برای فاسقان در آرامش او وارد نشوند؟ و می بینیم که به خاطر کفرشان نتوانستند داخل شوند».

هرچقدر هم که پنهان شده باشند، علت واقعی شک و تردید، در بیشتر موارد، عشق به گناه است. آموزه ها و محدودیت های کلام خدا مورد استقبال قلب مغرور و گناه دوست نیست و کسانی که مایل به اطاعت از الزامات آن نیستند، آماده اند در صلاحیت آن شک کنند. برای رسیدن به حقیقت باید میل خالصانه به شناخت آن و قلبی مایل به اطاعت از آن داشته باشیم. همه کسانی که با این روحیه به مطالعه کتاب مقدس می آیند، شواهد فراوانی خواهند یافت که این کلام خداست، و قادر خواهند بود به درک درستی از حقایق او دست یابند که آنها را برای نجات خردمند می سازد.

مسیح گفت: "اگر کسی بخواهد اراده او را انجام دهد، آموزه را خواهد دانست." (یوحنا 7:17) به جای پرسش و غرض ورزی در مورد چیزی که نمی فهمید، به نوری که از قبل بر شما می تابد توجه کنید و نور بیشتری دریافت خواهید کرد. به فیض مسیح، هر وظیفه ای را که برای درک شما روشن شده است، انجام دهید، و شما قادر خواهید بود آنچه را که اکنون در آن تردید دارید، درک کرده و به انجام برسانید.

جمعه

(1) آیا یوحنا رسول به تجربه عیسی را می شناخت یا به تازگی در مورد او شنیده بود؟ من جان. 3-1:1

«آنچه را با چشمان خود دیدیم و دیدیم و دست هایمان را از کلام زندگی لمس کردیم (زیرا زندگی آشکار شد و ما آن را دیدیم و بر آن شهادت می دهیم و به تو ابدی را اعلام می کنیم. زندگی که نزد پدر بود و بر ما آشکار شد، آنچه را دیدیم و شنیدیم به شما اعلام می کنیم.»

آزمونی وجود دارد که برای همه -چه باسوادترین و چه بی سوادترین- باز است -آزمون تجربه. خدا ما را دعوت می کند تا حقیقت کلام او و صداقت وعده های او را برای خود تأیید کنیم. او ما را دعوت می کند: «بچشید و ببینید که خداوند نیکو است» (مزمور 34:8) به جای وابستگی به حرف های دیگران، باید آن را برای خودمان ثابت کنیم. او اعلام می کند: «بخواهید و خواهید گرفت» (یوحنا 16:24) وعده های شما محقق خواهد شد. آنها هرگز شکست نخوردند. آنها هرگز نمی توانند شکست بخورند. و با نزدیک شدن به عیسی و شادی در کمال محبت او، تردیدها و تاریکی های ما در نور حضور او ناپدید می شوند.

پولس رسول می گوید که "او (خدا) ما را از امپراتوری تاریکی آزاد کرد و ما را به ملکوت پسر عشق او تبدیل کرد" (کولسیان 1:13) و هرکسی که از مرگ به زندگی گذر کرده است، می تواند «تصدیق کند که خدا راست است» (یوحنا 3:33) او می تواند شهادت دهد: «من به کمک نیاز داشتم، و آن را در عیسی یافتم. هر نیازی بود

فراهم شد، گرسنگی روحم سیر شد. و اکنون کتاب مقدس برای من مکاشفه عیسی مسیح است. می پرسی چرا من به عیسی ایمان دارم؟ - چون او برای من منجی الهی است. چرا من به کتاب مقدس اعتقاد دارم؟ - چون او را صدای خدا برای روح من یافته ام. ما می توانیم در خود شهادت دهیم که کتاب مقدس صادق است و مسیح پسر خداست. می دانیم که از افسانه های ساخته شده مصنوعی پیروی نکرده ایم.

شنبه

(1) وقتی عیسی را می پذیریم، آیا تمام حقیقت را یکباره می آموزیم یا باید در دانش رشد کنیم؟ سرهنگ. 1:10

"تا در حضور خداوند شایستگی گام بردارید و او را در همه چیز خشنود کنید و در هر کار نیک ثمر دهید و در معرفت خدا افزایش دهید."

پطرس برادران خود را تشویق کرد که "در فیض و دانش خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح" رشد کنند (دوم پطرس 3:18). وقتی قوم خدا در فیض رشد می کنند، دائماً درک واضح تری از کلام او به دست خواهند آورد.

آنها نور و زیبایی جدید را در حقایق مقدس آن تشخیص خواهند داد. این در تاریخ کلیسا در هر عصری صادق بوده است و تا انتها نیز صادق خواهد بود. "اما راه عادلان مانند نور سپیده دم است که تا روز کامل می درخشد و روشن تر می شود" (امثال 4:18).

با ایمان می توانیم به آینده نگاه کنیم و به وعده خدا برای رشد عقل توسط قوای انسانی که با خدا و همه متحد می شوند، پایبند باشیم.

توانایی روح در تماس مستقیم با منبع نور. ما می توانیم از این که هر چیزی که ما را در مشیت های خدا دچار سرگشتگی کرده است، آنگاه روشن می شود، خوشحال باشیم. چیزهایی که درک آنها دشوار است، توضیحی خواهند یافت. و در جایی که ذهن محدود ما فقط آشفتگی و اهداف شکسته را کشف کرده است، کامل ترین و زیباترین هارمونی را خواهیم دید. «در حال حاضر ما مانند یک آینه، تاریک می بینیم. سپس ما چهره به چهره خواهیم دید. اکنون، تا حدی می دانم؛ آنگاه همانگونه که شناخته شده ام خواهم دانست» (اول قرنتیان. 13:12)

درس - 13 شادی در خداوند

متن پایه: «کتاب گام‌های تا مسیح»، فصل - 13 الن جی وایت.

آیه طلایی: «ای عادلان، در خداوند شادی کنید و شادی کنید، و ای جمیع راستدلان به شادی بخوانید.» مزامیر. 33:1

یکشنبه

(1 به چه چیزی گفته می‌شویم؟ متی. 16، 14:5)

"شما نور جهان هستید... پس بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیک شما را ببینند و پدر شما را که در آسمان است جلال دهند."

فرزندان خدا خوانده می‌شوند تا نمایندگان مسیح باشند و نیکی و رحمت خداوند را نشان دهند. همانطور که عیسی شخصیت واقعی پدر را به ما آشکار کرد، ما نیز باید مسیح را به جهانی که عشق لطیف و مهربان او را نمی‌شناسد، آشکار کنیم. عیسی گفت: «همانطور که مرا به جهان فرستادی، من آنها را نیز به جهان فرستادم.» "من در آنها و تو در من... تا جهان بداند که تو مرا فرستادی" (یوحنا. 17:18، 23). پولس رسول به شاگردان عیسی می‌گوید: «بدیهی است که شما نامه مسیح هستید»، «همه مردم آن را می‌شناسند و می‌خوانند» (دوم قرنتیان 3:3 و 2).

عیسی در هر یک از فرزندان خود نامه ای به جهان می‌فرستد. اگر پیرو مسیح هستید، او برای شما نامه ای به خانواده، روستا، خیابانی که در آن زندگی می‌کنید می‌فرستد. عیسی که در شما ساکن است، می‌خواهد با قلب کسانی صحبت کند که با او آشنا نیستند، شاید آنها کتاب مقدس را نمی‌خوانند یا به صدایی که از صفحات آن با آنها صحبت می‌کند گوش نمی‌دهند. محبت خدا را از طریق اعمال او نبینید. اما اگر شما نماینده واقعی عیسی هستید، ممکن است از طریق شما چیزی از خوبی او را درک کنند، و متقاعد شوند که او را دوست داشته باشند و به او خدمت کنند.

مسیحیان به عنوان نورانی در مسیر بهشت قرار می‌گیرند و باید نوری را که از مسیح بر آنها می‌تابد بر جهان منعکس کنند. زندگی و شخصیت آنها باید به گونه ای باشد که دیگران از طریق آنها درک درستی از مسیح و خدمت او داشته باشند.

(2) چگونه یک مسیحی خود را متعهد به خدمت به استاد می‌کند؟ ص. 100:2

"خداوند را با شادی عبادت کنید و با سرود به او تقدیم کنید."

اگر نماینده مسیح باشیم، خدمت او را چنان که واقعاً هست جذاب جلوه خواهیم داد. مسیحیان که سایه ها و اندوه ها را بر روح خود می ریزند، زمزمه می کنند و شکایت می کنند، به دیگران تصویری نادرست از خدا و زندگی مسیحی می دهند. آنها این تصور را ایجاد می کنند که خدا از خوشحالی فرزندان خود راضی نیست و در این کار شهادت دروغینی درباره پدر آسمانی ما منتشر می کنند.

شیطان وقتی می تواند فرزندان خدا را به سوی بی ایمانی و ناامیدی سوق دهد شادی می کند. او از اینکه ما را در حال بی اعتمادی به خدا، تردید در اراده و قدرت او برای نجات ما، خوشحال می کند. او دوست دارد به ما این احساس را بدهد که خدا با مشیت هایش به ما آسیب خواهد رساند. این کار شیطان است که خداوند را به عنوان فاقد شفقت و ترحم معرفی کند. حقیقت را در مورد او تحریف می کند. او تصورات نادرست درباره خدا را پر می کند و به جای اینکه ذهن ما را به حقیقت پدر آسمانی خود معطوف کند،

ما غالباً ذهن خود را متوجه دروغ های شیطان می کنیم و با بی اعتمادی به او و زمزمه کردن بر علیه او به خدا بی احترامی می کنیم. او می خواهد که به نظر ما سخت و دشوار باشد. و هنگامی که مسیحی این دیدگاه از دین را در زندگی خود ارائه می کند، از طریق بی ایمانی خود، از دروغ شیطان حمایت می کند.

دوشنبه

بسیاری که در مسیر زندگی قدم می زنند، بیش از حد در اشتباهات، عیب ها و ناامیدی های خود می اندیشند و دل هایشان پر از اندوه و دلسردی می شود. زمانی که در اروپا بودم، خواهی که این کار را می کرد و در ناراحتی عمیقی به سر می برد، به من نامه نوشت و از من خواست تا چند کلمه دلگرم کننده بگویم. شب بعد با خواندن نامه شما در خواب دیدم که در باغی هستم و شخصی که به نظر صاحب باغ است مرا در مسیرهای آن هدایت می کند. داشتم گلها را می چیدم و از عطرشان لذت می بردم که این خواهر که کنارم راه می رفت توجهم را به گیاهان زشت و خاردار جلب کرد که جلوی راه او را گرفته بودند. آنجا بود، ناله و سوگوار. او در مسیر راه نمی رفت و راهنما را دنبال می کرد، بلکه در میان خارها و خارها قدم می زد. "اوه!" او با تاسف گفت: "حیف نیست که این باغ زیبا به خار آلوده شود؟"

سپس راهنما گفت: «خارها را کنار بگذارید، زیرا آنها فقط به شما آسیب می رسانند. گل رز، نیلوفر و میخک را برداشت کنید.»

(1) چرا مزمورنویس همه را به ستایش خداوند دعوت می کند؟ مز. 2، 1:117

"ای جمیع قومها، خداوند را ستایش کنید، ای مردم او را ستایش کنید، زیرا که محبت او نسبت به ما بسیار است و حقیقت خداوند تا ابدالابد است."

آیا هیچ نقطه روشنی در تجربه شما وجود نداشته است؟ آیا لحظات ارزشمندی نداشته اید که قلب شما در پاسخ به روح خدا به تپش افتاده باشد؟

وقتی به فصل های تجربه زندگی خود نگاه می کنید، صفحات دلپذیری پیدا نمی کنید؟ آیا وعده های خدا مانند گل های خوشبو با هر قدم در راهی که می روید رشد نمی کند؟ و آیا نمی گذاری زیبایی و شیرینی او دلت را پر از شادی کند؟

خارها و خارها فقط برای آزار و اذیت شما خواهند بود. و اگر فقط این چیزها را جمع کنید و به دیگران عرضه کنید، نه تنها خوبی های خدا را تحقیر نمی کنید، بلکه اطرافیان خود را از قدم زدن در مسیر زندگی باز می دارید؟

عاقلمانه نیست که تمام خاطرات ناخوشایند زندگی گذشته -گناهان و ناامیدی های آن -را جمع آوری کنیم و در مورد آنها صحبت کنیم و ناله کنیم تا زمانی که غرق در دلسردی شویم. روح ناامید پر از تاریکی می شود و نور خدا را از روح خود می بندد و بر راه دیگران سایه می افکند.

خدایا شکر بابت تصاویر درخشانی که به ما تقدیم کردی. بیایید همه وعده های مبارک محبت او را با هم جمع کنیم تا مدام به آنها بنگریم. پسر خدا با ترک تخت پدرش، الوهیت خود را با انسانیت پوشانید تا انسان را از قدرت شیطان نجات دهد. پیروزی او از جانب ما، بهشت را به روی انسان می گشاید، اتفاقی را که الوهیت در آن جلال او را آشکار می کند، بر بینش انسان آشکار می کند. نژاد سقوط کرده از ورطه ویرانی که گناه آن را در آن فرو برده است برخاسته و دوباره با خدای نامتناهی ارتباط برقرار کرده است و با ایمان به نجات دهنده ما در امتحان الهی ایستادگی کرده است، لباس عدالت مسیح را پوشانده و تا تخت او بلند شده است -اینها تصاویری هستند که خداوند از ما می خواهد که در آن فکر کنیم.

سهشنبه

(1) برای اینکه خدا را غمگین نکنیم چه کار نکنیم؟ ایه 30، 4:29

"از دهان شما سخن ناپسند بیرون نیاید، بلکه فقط آن چیزی که برای بنای نیکو است، تا به شنوندگان فیض عطا کند. و روح القدس خدا را که برای روز رستگاری در او مهر شده اید غمگین مکن."

هنگامی که ما تمایل داریم به عشق خدا شک کنیم و به وعده های او بی اعتماد شویم، او را بی حرمت می کنیم و روح القدس او را غمگین می کنیم. اگر مادری دائماً از او شکایت می کرد، گویی نمی خواست آنها خوشحال باشند، چه احساسی پیدا می کرد، در حالی که تمام تلاش او برای پیش بینی علایق آنها و ایجاد آرامش برای آنها بوده است؟ فرض کنید آنها به عشق او شک کردند. قلبش را می شکست

هر پدر و مادری چه احساسی دارد که با فرزندانش چنین رفتاری داشته باشد؟ و چگونه پدر آسمانی ما می تواند ما را در نظر بگیرد وقتی ما به عشق او بی اعتمادیم، که باعث شد او پسر یگانه خود را بدهد تا ما زندگی داشته باشیم؟ رسول می نویسد: «کسی که پسر خود را دریغ نکرد، بلکه او را برای همه ما تسلیم کرد، آیا او با او نیز همه چیز را رایگان به ما نخواهد داد؟» (روم، 8:32). دوست دارم، اما او مرا دوست ندارد!»

همه اینها به روح شما آسیب می رساند، زیرا هر کلمه شک و تردیدی که به زبان می آورید وسوسه های شیطان را دعوت می کند. گرایش به شک را در شما تقویت می کند و فرشتگان خدمتگزار را از شما دور می کند. وقتی شیطان تلاش می کند

تو، یک کلمه شک و تاریکی نگو. اگر تصمیم بگیرید که در راه روی پیشنهادات آنها باز کنید، ذهن شما پر از بی اعتمادی و پرسش های سرکش می شود. اگر احساسات خود را بیان کنید، هر شکلی که ابراز می کنید نه تنها به آن واکنش نشان می دهد

خودت، اما بذری است که جوانه می زند و در زندگی دیگران میوه می دهد. و ممکن است مقابله با تأثیر سخنان او غیرممکن باشد. شما خود ممکن است بتوانید از دوره وسوسه و فریب شیطان خلاص شوید، اما دیگری که تحت تأثیر نفوذ شما قرار گرفته‌اند ممکن است نتوانند خود را از بی‌ایمانی که شما پیشنهاد کرده‌اید رها کنند. چقدر مهم است که ما فقط چیزهایی را بیان کنیم که قدرت معنوی و زندگی می بخشد!

فرشتگان گوش می دهند تا بشنوند که چه نوع گزارشی از استاد آسمانی خود به دنیا می دهید. بگذارید گفتگوی شما با کسی باشد که زنده است تا برای شما نزد پدر شفاعت کند. وقتی دست دوستی را می گیرید، اجازه دهید ستایش خدا بر لبان و قلب شما باشد. این افکار شما را به سوی عیسی می کشاند.

چهار شنبه

(آیا به دلیل مشکلات باید بی قرار و مضطرب باشیم؟ افکار ما باید کجا متمرکز شوند؟ فایل. 8-4:6)

"برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه درخواستهای شما را در هر چیزی با دعا و تضرع و شکرگزاری به خدا نشان دهید. و صلح خدا که از هر فهمی برتر است، دلها و ذهنهای شما را در مسیح عیسی حفظ خواهد کرد. سرانجام، برادران، هر چه حق است، هر چه شرافت دارد، هر چه عادل است، هر چه پاک است، هر چه دوست داشتنی است، هر چه قابل تحسین است، اگر فضیلتی دارد و اگر ستایشی است، فکر کنید."

همه آزمایش‌هایی دارند، اضطراب‌هایی که تحمل آن‌ها دشوار است، وسوسه‌هایی که مقاومت در برابر آنها دشوار است. مشکلات خود را به هموعان خود نگوئید، بلکه همه چیز را در دعا به خدا بسپارید.

این را به عنوان یک قانون در نظر بگیرید که هرگز یک کلمه تردید یا دل‌سردی به زبان نیاورید. شما می توانید برای روشن کردن زندگی دیگران و تقویت تلاش آنها با سخنان امیدوارانه و شادی مقدس بسیار انجام دهید.

بسیاری از روح‌های شجاع هستند که به شدت تحت فشار وسوسه قرار می‌گیرند و آماده غش کردن در درگیری با خود و قدرت‌های شیطانی هستند. او را در نبرد دشواریش ناامید نکنید. او را با کلمات شجاعانه و امیدی که او را در مسیرش سوق می دهد، تشویق کنید. بنابراین نور مسیح می تواند از شما ساطع شود. "هیچ یک از ما برای خود زندگی نمی کنیم" (روم. 7:14) با نفوذ ناخودآگاه ما، دیگران ممکن است تشویق و تقویت شوند، یا دل‌سرد شوند و از مسیح و حقیقت دور شوند.

بسیاری هستند که تصور اشتباهی از زندگی و شخصیت مسیح دارند. آنها فکر می کنند که او عاری از گرما و جنب و جوش بود، او جدی، شدید و بی شادی بود. در بسیاری از موارد، کل تجربه دینی با این دید تاریک رنگ آمیزی می شود.

اغلب گفته می شود که عیسی گریه کرد، اما هرگز خندان دیده نشد. نجات دهنده ما در واقع مردی غمگین و آشنا با پریشانی بود، زیرا او قلب خود را به روی همه رنج‌های انسان گشود. اما گرچه زندگی او انکار نفس و در سایه دردها و نگرانی‌ها بود، روح او فرو ریخته نشد. قیافه شما اینطور نیست

او ابراز ناراحتی و نارضایتی، اما همیشه از آرامش مسالمت آمیز ارائه کرد. قلب او منبع خوبی برای زندگی بود. و هر جا می رفت آرامش و آرامش و شادی و خشنودی می آورد.

نجات دهنده ما عمیقاً جدی و به شدت مصمم بود، اما هرگز تاریک یا خسته کننده زندگی کسانی که از او تقلید می کنند سرشار از هدف صادقانه خواهد بود. آنها احساس عمیقی از مسئولیت شخصی خواهند داشت. بیهودگی سرکوب خواهد شد. هیچ سرگرمی پر سر و صدا، هیچ شوخی بدی وجود نخواهد داشت. اما دین عیسی مانند رودخانه آرامش می دهد. روشنایی شادی را خاموش نمی کند. نه شادی را محدود می کند و نه بر چهره درخشان و خندان سایه می اندازد. مسیح آمد نه برای خدمت، بلکه برای خدمت. و هنگامی که محبت او در قلب حاکم شود، ما از او الگو خواهیم گرفت.

اگر اجازه دهیم اعمال ناروا و ناعادلانه دیگران در ذهن ما غالب شود، محال است که آنها را همانطور که مسیح ما را دوست داشته است دوست داشته باشیم. اما اگر افکار ما بر عشق و ترحم شگفت‌انگیز مسیح برای ما متمرکز شود، همان روح به سوی دیگران جاری خواهد شد. با وجود ایرادات و عیوبی که با دیدن آنها نمی توانیم به یکدیگر کمک کنیم، باید همدیگر را دوست داشته باشیم و به هم احترام بگذاریم. تواضع و بی اعتمادی

باید خود را پرورش داد و نسبت به عیوب دیگران مهربانی صبورانه داشت. این همه خودخواهی های کوچک را از بین می برد و ما را سخاوتمند و قلب بزرگ می کند.

پنجشنبه

(1 با نگرانی ها چه کنیم؟ لوقا. 12:29-31)

«و اگر خدا علف‌هایی را که امروز در مزرعه است و فردا در تنور می‌اندازند، این‌چنین می‌پوشاند، برای شما ای کم‌ایمانان چه قدر بیشتر است؟ پس نپرسید چه می‌خورید یا چه می‌خواهید. بنوشید و بیقرار راه نروید زیرا امتهای جهان همه این چیزها را می‌طلبند، اما پدر شما می‌داند که شما به آنها نیاز دارید.»

مزمورنویس می گوید: «به خداوند توکل کن و نیکی کن. در زمین ساکن شوید و از حقیقت تغذیه کنید» (مزمور 37:3) به خداوند اعتماد کن. " هر روز وظایف، دغدغه ها و سرگشتگی های خود را دارد. و وقتی همدیگر را می‌بینیم، چقدر آماده‌ایم تا از سختی‌ها و آزمایش‌های خود صحبت کنیم! آنقدر مصائب قرض گرفته شده در میان می‌آیند، آنقدر ترس‌ها را گرامی می‌دارند، چنان سنگینی از اضطراب بیان می‌شوند که می‌توان گمان برد که ما نجات‌دهنده‌های مهربان و دوست‌داشتنی نداریم که آماده شنیدن همه درخواست‌های ما باشد و برای ما هدیه باشد. در همه حال کمک کنید.

بعضی ها همیشه می ترسند و مشکل قرض می گیرند. هر روز با دلایل محبت خدا احاطه شده است. هر روز از آن لذت می برند

نعمت های مشیت او؛ اما از این نعمت های فعلی غافل می شوند. ذهن آنها دائماً درگیر چیزهای ناخوشایندی است که از وقوع آن می ترسند. در غیر این صورت، مشکلی که واقعا وجود دارد، هر چند کوچک، چشمان شما را نسبت به بسیاری از چیزهایی که مستلزم قدردانی هستند، کور می کند. مشکلاتی که با آن روبرو می شوند، به جای اینکه آنها را به سوی خدا، که تنها منبع کمک آنهاست، سوق دهد، آنها را از او جدا می کند، زیرا موجب بی قراری و شکایت می شود.

آیا حق داریم که اینگونه کافر باشیم؟ چرا باید ناسپاس و بی اعتماد باشیم؟ عیسی دوست ماست. همه بهشت به رفاه ما علاقه دارد.

ما نباید اجازه دهیم که گیجی ها و دغدغه های زندگی روزمره ذهن ما را آزار دهد و چهره ما را ببندد. اگر این کار را انجام دهیم، همیشه چیزی برای آزردهی و آزارمان خواهد داشت. ما نباید اضطرابی را در خود بپرورانیم که فقط ما را مضطرب و فرسوده می کند، اما به ما در تحمل آزمایشات کمک نمی کند.

ممکن است در تجارت سردرگم شوید، چشم اندازها ممکن است بیش از پیش تیره تر شوند، و ممکن است تهدید به ضرر شوید، اما ناامید نشوید. نگرانی های خود را به خداوند بسپارید و آرام و سرشار از شادی بمانید. برای مدیریت عاقلانه امور خود دعا کنید و از ضرر و فاجعه جلوگیری کنید. تمام تلاش خود را برای ارتقای نتایج مطلوب انجام دهید. عیسی وعده کمک خود را داده است، اما او از تلاش ما چشم پوشی نمی کند. هنگامی که با تکیه بر یاور ما، تمام تلاش خود را انجام دادید، نتایج را با خوشحالی بپذیرید.

خواست خدا این نیست که بر قومش مراقبت شود. اما ناجی ما را فریب نمی دهد. او به ما نمی گوید: «نترسید. هیچ خطری در راه نیست.» او می داند که آزمایش ها و خطرانی وجود دارد و با ما صادقانه برخورد می کند. او قصد گرفتن ندارد

قوم او از دنیای گناه و شر، اما آنها را به پناهگاه معصوم اشاره می کند. دعای او برای شاگردانش این بود: «من نمی خواهم که آنها را از دنیا ببری، بلکه می خواهم که آنها را از بدی حفظ کنی.» او می گوید: «در دنیا مصیبت دارید، اما شاد باشید. من بر جهان غلبه کردم» (یوحنا. 16:33؛ 17:15)

جمعه

(1) با اضطراب چه کنیم؟ من حیوان خانگی. 5:7

"تمام نگرانی خود را به او بسپارید، زیرا او به شما اهمیت می دهد."

مسیح در موعظه خود بر روی کوه، درسهای ارزشمندی در این زمینه به شاگردان خود آموخت نیاز به توکل به خدا هدف از این درس ها تشویق فرزندان خدا در طول اعصار بود و آنها به زمان پر از آموزش و آرامش ما رسیده اند. منجی به پیروان خود به پرندگان آسمان اشاره کرد که چگونه آنها آوازهای ستایش خود را بدون فکر و مراقبت تنظیم می کنند، زیرا "آنها نه می کارند و نه درو می کنند." و با این حال پدر بزرگ نیازهای آنها را تامین می کند. منجی می پرسد: «آیا ارزش شما از پرندگان بیشتر نیست؟» (متی. 6:26) روزی دهنده بزرگ انسان ها و حیوانات دست خود را می گشاید و همه مخلوقاتش را تامین می کند. پرندگان ارزش توجه او را ندارند. در منقارشان غذا نمی گذارد، بلکه نیازهایشان را فراهم می کند. باید دانه ای را که برایشان پراکنده کرده است جمع کنند.

آنها باید مواد لانه کوچک خود را آماده کنند. آنها باید به بچه های خود غذا بدهند. آنها با آواز خواندن سر کار می روند، زیرا "پدر آسمانی آنها را تغذیه می کند."

و "آیا ارزش شما خیلی بیشتر از آنها نیست؟" آیا شما به عنوان پرستندگان باهوش و روحانی ارزشی بیشتر از پرندگان آسمان ندارید؟ آیا خالق وجود ما، حافظ زندگی ما، او که ما را به صورت الهی خود ساخته است، آیا اگر بخواهیم به او اعتماد کنیم، نیازهای ما را تامین نخواهد کرد؟

مسیح توجه شاگردانش را به گل‌های صحرا معطوف کرد و فوراً، در زیبایی ساده‌ای که پدر آسمانی به آنها عطا کرد، می‌درخشد، به عنوان بیانی از عشق خود به انسان. او گفت: "به چگونگی رشد نیلوفرهای صحرا توجه کنید" (متی، 28:30). زیبایی و سادگی این گل‌های طبیعی به مراتب از شکوه سلیمان فراتر رفته است. خیره‌کننده‌ترین زینت‌های حاصل از مهارت‌های هنر قابل مقایسه با فیض طبیعی و زیبایی درخشان گل‌های خلقت خداوند نیست. عیسی می‌پرسد: «اگر خدا علف‌های صحرا را که امروز و فردا در تنور می‌اندازند، چنین می‌پوشاند، برای شما مردان کم‌ایمان چقدر بیشتر؟» متی، 28:30. اگر خداوند هنرمند الهی به گل‌های ساده‌ای که در یک روز از بین می‌روند، رنگ‌های لطیف و متنوع آنها را عطا کند، چقدر مراقب کسانی خواهد بود که به صورت او آفریده شده‌اند؟ این درس مسیح توبیخ تفکر مضطرب، حیرت و شک قلب بی‌ایمان است.

خداوند مایل است که همه پسران و دخترانش را شاد، در آرامش و مطیع ببیند. عیسی می‌گوید: «سلامتی برای شما می‌گذارم، سلامتی خود را به شما می‌دهم. من آن را همانطور که دنیا می‌دهد به شما نمی‌دهم. دلت مضطرب نشود، نترس». "این چیزها را به شما گفتم تا شادی من در شما باشد و شادی شما کامل شود" (یوحنا، 15:11؛ 14:27).

سعادت‌ی که به دلایل خودخواهانه، خارج از مسیر تکلیف جستجو می‌شود، نامتعادل، ناآرام و زودگذر است. این می‌گذرد و روح پر از تنهایی و اندوه می‌شود. اما در بندگی خدا شادی و رضایت وجود دارد. مسیحی‌ها نمی‌شود تا در مسیرهای نامشخص قدم بردارد. او در دل شکستگی و ناامیدی بیهوده رها نشده است. اگر

ما لذت‌های این زندگی را نداریم، هنوز هم می‌توانیم به زندگی آینده شاد باشیم.

اما حتی در اینجا مسیحیان می‌توانند از لذت ارتباط با مسیح لذت ببرند. آنها ممکن است نور عشق او، آسایش همیشگی حضور او را داشته باشند. هر قدم از زندگی می‌تواند ما را به عیسی نزدیکتر کند. می‌تواند تجربه عمیق‌تری از عشق او به ما بدهد، و می‌تواند ما را یک قدم به خانه مبارک صلح نزدیکتر کند. پس بیایید اعتماد خود را رد نکنیم، بلکه یقین راسخ‌تر از همیشه داشته باشیم.

«خداوند تا کنون به ما کمک کرده است» (اول سم، 7:12) و او تا آخر به ما کمک خواهد کرد. بیایید به خود اجازه دهیم که به ستون‌های یادبود نگاه کنیم، یادگارهایی که خداوند برای آرامش ما و نجات ما از دست ویرانگر انجام داده است. بیایید به خود اجازه دهیم تمام رحمت‌هایی را که خداوند به ما نشان داده است - اشک‌هایی که پاک کرد، دردهایی که تسکین داد، نگرانی‌هایی که از بین برد، ترس‌هایی که از بین برد، نیازهایی که برآورده کرد، نعمت‌هایی که عطا کرد - در حافظه خود تازه نگه داریم. بنابراین ما خودمان را در طول باقیمانده زیارت خود نسبت به همه آنچه پیش روی ماست تقویت می‌کنیم.

شنبه

(11 اگرچه ممکن است در شغل مسیحی خود دچار تعارضاتی شویم، اما خدا برای ما چه خواهد کرد؟ اول قرنتیان، 10:13)

«خدا امین است که نمی‌گذارد بیش از آنچه می‌توانید وسوسه شوید، بلکه با این وسوسه راه نجات را نیز می‌گذارد تا بتوانید آن را تحمل کنید.»

ما نمی‌توانیم در کشمکش‌های آینده به سردرگمی‌های جدید نگاه نکنیم، اما می‌توانیم به آنچه که در گذشته است و همچنین به آنچه که در آینده است نگاه کنیم و بگوییم: "تا اینجا خداوند ما را یاری کرده است" (اول سمو، 7:12). «همانطور که ایام تو، صلح تو پایدار خواهد بود» (تثنیه).

(25:33) آزمایش‌ها از قدرتی که برای تحمل آنها به ما داده شده است فراتر نخواهد رفت. پس بیایید کارمان را دقیقاً به همان جایی که می‌پاییم ببریم، با این باور که هر چه پیش آید، قدرتی متناسب با مصیبت خواهد داشت.

(2) چه پاداشی به برندگان وعده داده شده است؟ آیوک. 7، 4-1:21

"و آسمان جدید و زمین جدید دیدم. زیرا آسمان اول و زمین اول گذشته بود و دریا دیگر وجود نداشت. و من، یوحنا، شهر مقدس، اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا پایین آمد. از بهشت که برای همسرش زینت یافته است، آماده شده است و صدای بلندی از آسمان شنیدم که می‌گفت: اینک خیمه خدا با مردم است و او با آنها ساکن خواهد شد و آنها قوم او و خود خدا خواهند بود. با آنها خواهد بود و او خدای او خواهد بود و خدا هر اشکی را از چشمانش پاک خواهد کرد و دیگر مرگ و ماتم و فریاد و درد نخواهد بود زیرا که چیزهای قبلی گذشت... هر که پیروز شود وارث همه چیز خواهد بود و من خدای او خواهم بود و او پسر من خواهد بود.»

و از پا تا پا، درهای بهشت برای پذیرفتن فرزندان خدا گشوده می‌شود و از لبان پادشاه جلال، برکت مانند آهنگین ترین آهنگ‌ها به گوش آنها می‌رسد: «بیا ای که برکت یافته‌ای. پدر من! وارد ملکوت شوید که از ابتدا برای شما آماده شده است» (متی. 25:34)

سپس با خریدگان در خانه‌هایی که عیسی برای آنها آماده می‌کند پذیرایی خواهند شد. در آنجا دیگر اصحاب شما پست زمین، دروغگو، بت پرست، ناپاک و کافر خواهند بود. بلکه با کسانی معاشرت خواهند کرد که بر شیطان غلبه کرده‌اند و به واسطه فیض الهی شخصیت‌های کاملی را به وجود آورده‌اند. هر گرایش گناه آلود، هر نقصی که در اینجا به آنها مبتلا می‌شود، با خون مسیح از بین می‌رود، و عظمت و شکوه جلال او که بسیار فراتر از درخشندگی خورشید است، به آنها ابلاغ می‌شود.

و زیبایی اخلاقی، کمال شخصیت او، در میان آنها می‌درخشد، که ارزش بی نظیری از درخشش بیرونی دارد. آنها بدون شکست در برابر تخت بزرگ سفید هستند و در کرامت و امتیازات فرشتگان شریک هستند.

با توجه به میراث باشکوهی که ممکن است متعلق به او باشد، «مرد در ازای جان خود چه خواهد داد؟» (متی. 16:26) او ممکن است فقیر باشد و در عین حال دارای ثروت و منزلتی باشد که دنیا هرگز نمی‌تواند به او عطا کند. روح‌رهای یافته و پاک شده از گناه، با تمام استعدادهای شریفش که وقف خدمت خدا شده است، ارزش عالی دارد. و شادی در بهشت است، در حضور خدا و فرشتگان مقدس بر روح رستگار شده، شادی که در سرودهای پیروزی مقدس بیان می‌شود.

پیشنهاد ویژه برای شنبه سیزدهم

ساخت کلیسای اصلی، در کوریتیا - برزیل

در این سه ماه، سیزدهمین روز شنبه برای ساخت کلیسای مرکزی وزارت فرشته چهارم - هشدار نهایی، در کوریتیا، برزیل استفاده خواهد شد. کار از قبل در محل شروع شده است. این ساختمان ساختاری برای انتقال موعظه ها در یک شبکه جهانی از طریق اینترنت خواهد داشت و از طریق کلام انجیل واقعی به بسیاری از علاقه مندان در همه کشورها این امکان را می دهد که بیدار شوند و مسیر زندگی ابدی را بیابند. این یکی از وسایلی خواهد بود که از طریق آن انجیل به هر قوم، قبیله، زبان و قوم موعظه خواهد شد. باشد که خداوند تلاش های همه کسانی را که برای ارائه این پروژه تحریک شده اند برکت دهد!

کشیش خایرو کاروالیو



عکس - ۱ تسطیح زمین

عکس - ۲ ساخت محل ساخت و